

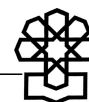
بررسی روند رشد موالید، ازدواج و طلاق در ایران (چالش‌ها و راهکارها)

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	فصل اول - موالید
۲	۱. تاریخچه کنترل موالید و تنظیم خانواده در ایران
۳	۲. نگاهی به میزان رشد موالید
۱۴	۳. آثار و تبعات میان مدت و بلندمدت رشد موالید
۱۹	نتیجه گیری
۲۰	فصل دوم - ازدواج و طلاق
۲۰	ازدواج
۲۲	الف) تغییرات فرهنگی
۲۳	ب) چالش های اقتصادی
۲۵	افزایش میانگین سن ازدواج
۲۶	کاهش اختلاف سن ازدواج
۲۷	وضعیت ازدواج
۲۹	الف) نرخ رشد ازدواج شهری طی سال های ۱۳۷۰-۱۳۸۸
۲۹	ب) نرخ رشد ازدواج روستایی طی سال های ۱۳۷۰-۱۳۸۸
۳۱	ج) نرخ رشد ازدواج طی سال های ۱۳۸۶-۱۳۸۸ در استان های کشور
۳۲	د) نرخ رشد ازدواج در سال ۱۳۸۸ در استان های کشور
۳۳	طلاق
۳۴	وضعیت طلاق
۳۶	الف) نرخ رشد طلاق شهری در سال های ۱۳۷۰-۱۳۸۸
۳۷	ب) نرخ رشد طلاق روستایی در سال های ۱۳۷۰-۱۳۸۸
۳۷	ج) نسبت طلاق به ازدواج از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۸ در کل کشور
۳۸	د) وضعیت طلاق در استان های کشور در سال های ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷
۴۰	هـ) نرخ رشد طلاق استان ها در سال ۱۳۸۸
۴۱	آمار مقایسه ای ازدواج و طلاق استان ها سال ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸
۴۱	الف) تعداد ازدواج به ازای یک طلاق سال ۱۳۸۷

٤٢.....	ب) رتبه استانی طلاق در ابتدای سال ١٣٨٧ - ١٣٨٨.....
٤٣.....	ج) نسبت طلاق به ازدواج در استان‌های کشور طی سال ١٣٨١-١٣٨٨.....
٤٤.....	علل طلاق.....
٤٤.....	الف) علل فردی.....
٤٤.....	ب) علل فرهنگی.....
٤٥.....	ج) علل اجتماعی.....
٤٥.....	د) علل اقتصادی.....
٤٥.....	بررسی علل طلاق از نظر کارشناسان مراکز مشاوره.....
٤٥.....	الف) مهمترین علل طلاق.....
٤٧.....	ب) درخواست‌کنندگان طلاق.....
٤٧.....	ج) سن زوج هنگام مراجعه برای طلاق به مراکز مشاوره.....
٤٨.....	د) سن زوجه هنگام مراجعه برای طلاق به مراکز مشاوره.....
٤٨.....	هـ) میزان تأثیر خدمات مشاوره‌ای در کاهش طلاق در مراکز مشاوره.....
٥٠.....	عواقب و پیامدهای طلاق.....
٥٣.....	نتیجه‌گیری.....
٥٤.....	پیشنهادهای و راهبردها.....
٥٦.....	پیوست.....
٥٨.....	منابع و مأخذ.....



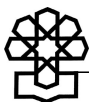
بررسی روند رشد مولید، ازدواج و طلاق در ایران (چالش‌ها و راهکارها)

چکیده

در این گزارش به سه شاخص اصلی جمعیتی مولید، ازدواج و طلاق در ایران پرداخته شده است. تبیین چنین شاخص‌هایی، پایه و زیربنا و نیز خط‌مشی برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌های کلان را آشکار می‌سازد. در حالت کلی جمعیت و شاخص‌های آن از جمله مؤلفه‌های مهم در هر جامعه محسوب می‌شوند که علاوه بر تأثیرگذاری بر روی شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در عین حال خود می‌تواند تابعی از سیاستگذاری‌های اقتصادی و اجتماعی و خصوصاً خط‌مشی‌های فرهنگی باشد.

درخصوص مولید در سال‌های ابتدای انقلاب اسلامی ایران به دلیل اعمال سیاست‌های تشویقی، میزان رشد سالیانه جمعیت به $4/2$ درصد رسید که این میزان رشد، زنگ خطر را برای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان به صدا درآورد. از نیمه دوم دهه ۱۳۶۰، دولت سیاست‌های کنترل مولید و تنظیم خانواده را در دستور کار خود قرار داد تا جایی که میزان رشد جمعیت به حدود $1/2$ درصد کاهش یافت. در سال‌های اخیر مجدداً شاهد رشد مولید در کشور هستیم و پیش‌بینی می‌شود در حوالی سال ۱۳۹۰ رشد سالیانه جمعیت به $1/4$ درصد برسد. نتایج بررسی‌های جمعیت‌شناختی بیانگر آن است که پس از سال ۱۳۹۰ به علت پایین آمدن نسبت جمعیت جوان، نرخ رشد سالیانه کمتر از $1/4$ درصد شده و به حدود یک درصد خواهد رسید. به هم خوردن تعادل در نرخ مولید و به تبع آن میزان جمعیت، پیامدهایی چون عدم تأمین عدالت آموزشی، بحران تغذیه، مشکلات تأمین مسکن و اشتغال و آنچه از همه بیشتر مغفول مانده، از بین رفتن تعادل میان جمعیت شیعه و سنی، خصوصاً در مناطق مرزی است که متعاقباً تأثیرات ژئوپلیتیک داخلی و خارجی بر کشور خواهد داشت و خود موضوعی مستقل برای یک پژوهش دیگر است.

در بررسی ازدواج و طلاق، یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که نرخ رشد ازدواج طی سال‌های ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۸ با روند آرامی هرساله کاهش یافته است، به طوری که در سال ۱۳۸۷ تعداد ازدواج‌های ثبت شده کمتر از نیم درصد جوانان گروه سنی ۲۰-۲۹ سال (جوانان دم‌بخت) را تشکیل می‌دهد که این رقم نسبت به تعداد جمعیت آماده ازدواج رقم قابل قبولی نیست.



کاهش آمار ازدواج طی این سال‌ها نه تنها کلان‌شهرها و شهرهای کوچک را دربر گرفته، بلکه به روستاها هم رسیده است. در مقابل طلاق روند صعودی به‌خود گرفته و نسبت آن به ازدواج هر سال با رشد نگران‌کننده‌ای مواجه شده است. تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد نسبت طلاق به ازدواج از هر صد ازدواج ۱۲/۵ مورد در سال ۱۳۸۷ بوده که این رقم در سال ۱۳۸۸ به ۱۴/۱۳ مورد افزایش یافته است. از طرفی آمار طلاق‌های توافقی نیز روند صعودی به‌خود گرفته است. براساس آمارهای رسمی، ۸۲ درصد طلاق‌های ثبت شده در کشور، در سال ۱۳۸۵ توافقی بوده است؛ این پدیده زنگ خطر و هشدار برای جامعه و مسئولین تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز است که اگر در این باره اقدام پیشگیرانه‌ای صورت نگیرد، ادامه این روند ضمن تهدید بنیان خانواده، تبعات منفی و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به‌دنبال خواهد داشت.

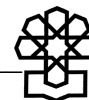
از طرفی به‌دلیل قرار گرفتن جامعه ایران در مرحله گذار از سنت به مدرنیته، ارزش‌ها، رسوم و الگوهای ازدواج فرهنگ ایرانی - اسلامی در جامعه و خانواده‌ها کمرنگ شده و درحال تغییرند و در همین حال قبح طلاق و تبعات منفی ناشی از آن نیز از بین رفته است.

در این گزارش سعی شده تا ضمن توصیف وضع موجود موالید، ازدواج و طلاق، به آثار تبعات بلندمدت و میان‌مدت موالید از یک‌سو و ازسوی دیگر به مهمترین علل و عوامل ازدواج دیرهنگام، تأثیرات فرهنگی، اقتصادی، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش اختلاف سن ازدواج، نرخ رشد طلاق در شهرها و روستاها، نسبت طلاق به ازدواج تا سال ۱۳۸۸، علل طلاق، عواقب و پیامدهای ناشی از آن پرداخته شود. در پایان نیز راهکارهای قانونی و پیشنهادات فرهنگی و اقتصادی برای رفع موانع ازدواج و کاهش طلاق پیشنهاد شده است.

فصل اول - موالید

۱. تاریخچه کنترل موالید و تنظیم خانواده در ایران

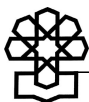
در دوران رژیم پهلوی از سال ۱۳۴۶ نخستین برنامه کنترل موالید در کشور به اجرا درآمد و معاونتی تحت عنوان بهداشت و تنظیم خانواده در وزارت بهداری وقت ایجاد شد. برای نخستین بار دولت رسماً دخالت در امر تنظیم خانواده را با هدف تعدیل میزان رشد جمعیت شروع کرد به نحوی که در فاصله سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ میزان موالید در ایران ۴/۲ درصد کاهش یافت. در آن زمان دولت ایران در مصاحبه‌ای اعلام داشت در صورتی‌که جمعیت کشور به مرز احتمالی حدود ۴۵ میلیون نفر برسد، کشور ایران با کمبود محصولات و ذخایر کشاورزی روبرو خواهد شد و سطح تولیدات، هماهنگی‌اش را با افزایش جمعیت از دست می‌دهد (فرید، ۱۳۸۷). در اوایل انقلاب شکوهمند



اسلامی ایران به دلیل وجود سیاست‌های تشویقی برای خانواده‌های پرجمعیت (مانند اعطای کوپن، زمین برای ساخت مسکن و ...) رشد جمعیت ایران در نیمه دوم دهه ۱۳۵۰ و نیمه اول دهه ۱۳۶۰ حدود ۴/۲ درصد افزایش یافت. اما از حدود سال ۱۳۶۶ اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده از سر گرفته شد و با توجه به حمایت‌های صندوق بین‌المللی جمعیت و درک ضرورت کاهش جمعیت از سوی مردم (عمدتاً به خاطر فشارهای مالی خصوصاً در زمان دولت سازندگی) و نیز تصویب قانون تنظیم خانواده و جمعیت در سال ۱۳۷۲، رشد جمعیت در دهه ۱۳۷۰ و خصوصاً نیمه اول دهه ۱۳۸۰ به کمترین میزان خود یعنی ۱/۲ درصد رسید.

۲. نگاهی به میزان رشد موالید

رشد سریع جمعیت جوان اگر همراه با برنامه‌ریزی نباشد و سیاست‌های تنظیم خانواده مورد توجه قرار نگیرد فشار سنگینی را به توسعه خدمات آموزشی، بهداشتی، تفریحی، رفاهی و برنامه‌های هدفدار اشتغال و ایجاد فرصت‌های شغلی وارد می‌کند. لازم است در این زمینه مطالعات جمعیت‌شناختی با دقت بیشتری صورت پذیرد تا نتایج آن در اختیار برنامه‌ریزان و سیاستگذاران قرار گیرد. علاوه بر ایران در بسیاری از کشورهای جنوب شرقی، جنوبی و مرکزی آسیا و تقریباً در اکثر کشورهای شرقی، دوره انبساط جمعیت جوان با سرعت به حد نهایی خود رسیده است. مضاف بر تعداد مطلق جمعیت جوان، نسبت جمعیت جوان به کل جمعیت نیز توجهات خاص سیاسی را می‌طلبد. آمار و ارقام نشان می‌دهند که در طی ۴۵ سال اخیر نسبت جمعیت جوان ایران (سنین ۱۵-۲۴ سال) در مقایسه با کل جمعیت همواره در حال افزایش بوده است. بدین ترتیب که این نسبت از ۱۵/۴۲ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۰/۵۵ درصد در سال ۱۳۷۵ و به ۲۵/۱۶ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. گرچه سیاستگذاران نگران چنین مسئله‌ای هستند، لکن دوره انبساط کوتاه خواهد بود. بدین ترتیب که تورم جوانی در ایران از اوایل دهه ۱۳۷۰ آغاز شده و در اواسط دهه ۱۳۸۰ به حد نهایی خود رسید و پس از آن نسبت جمعیت جوان به سرعت رو به کاهش خواهد گذاشت و در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی مقدار آن به ۱۵/۰۳ درصد خواهد رسید. بدیهی است که از این زمان به بعد سیاستگذاران لازم است به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند تا نسبت جمعیت جوان از این مقدار کمتر نشود، زیرا در غیر این صورت جمعیت کشور با رکود جوانی روبرو خواهد شد. از سوی دیگر تدوین چنین سیاست‌هایی باید به گونه‌ای باشد که از افزایش ناگهانی این جمعیت جلوگیری به عمل آورد. در نهایت تدوین چنین برنامه‌ای مستلزم اتخاذ راهبردهای بومی - جمعیتی در راستای کنترل همگون جمعیت در تمام نقاط کشور است.



۲-۱. ساختار جغرافیایی جمعیت

برآوردهای جمعیتی مرکز آمار ایران حاکی از آن است که جمعیت کل کشور از حدود ۷۰ میلیون در سال ۱۳۸۵ به حدود ۷۵ میلیون در سال ۱۳۸۹ خواهد رسید. همچنین نرخ رشد جمعیت شهری در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال ۱۳۸۵ به میزان ۱۱/۱۴ درصد افزایش خواهد داشت و این درحالی است که نرخ رشد جمعیت روستایی در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال ۱۳۸۵ به میزان ۵/۱۳ درصد کاهش خواهد یافت. شایان ذکر است عمده چنین حرکت جمعیتی (از روستا به شهر) بر اثر مهاجرت اتفاق می‌افتد.

در برآورد جمعیت ایران در سال جاری شاهد رشد جمعیتی در مناطق شهری و کاهش جمعیت در روستاها خواهیم بود. با در نظر داشتن برآورد نرخ رشد جمعیت شهری به‌طور میانگین به میزان ۲/۵ درصد و نرخ رشد منفی روستایی به میزان یک درصد و نیز روند کاهشی جمعیت روستایی و افزایش جمعیت شهری می‌توان چنین استنباط کرد که در آینده‌ای نزدیک شاهد رشد انفجاری شهرنشینی و فرار از روستاها بیشتر بر اثر مهاجرت خواهیم بود که این پدیده به نوبه خود علاوه بر آثار اولیه‌ای چون انفجار جمعیتی و رشد فزاینده موالید در شهرها، می‌تواند مقدمه‌ساز بحران‌های ثانویه دیگر هم در محیط شهری و هم در محیط روستایی باشد. در جدول ۱ برآورد کل جمعیت در سال جاری آورده شده که در ادامه در جدول ۲ این برآورد به تفکیک شهری و روستایی ارزیابی شده است. نمودار ۱ نیز روند کاهشی جمعیت روستایی و رشد شهرنشینی را در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ به تصویر کشیده است.

جدول ۱. برآورد جمعیت کشور بین سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۹

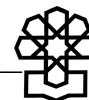
کل				
۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵
۷۴۷۳۳۲۳۰	۷۳۶۵۰۵۶۶	۷۲۵۸۳۵۸۶	۷۱۵۳۲۰۶۲	۷۰۴۹۵۷۸۲

مأخذ: برداشتی آزاد از مرکز آمار ایران، درگاه ملی آمار، برآوردهای جمعیتی.

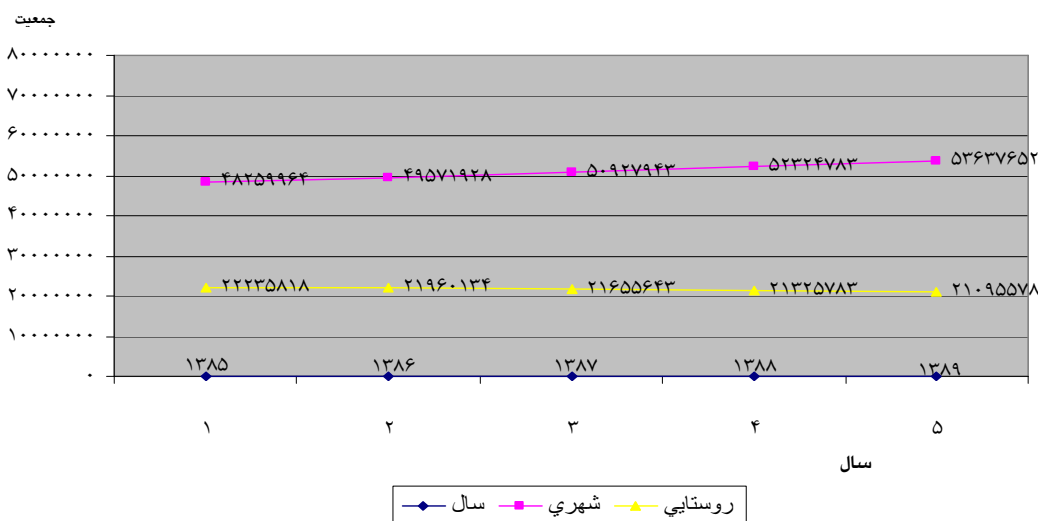
جدول ۲. برآورد جمعیت کشور به تفکیک شهری و روستایی در سال ۱۳۸۹

روستایی					شهری				
۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵
۲۱۰۹۵۵۷۸	۲۱۳۲۵۷۸۳	۲۱۶۵۵۶۴۳	۲۱۹۶۰۱۳۴	۲۲۲۳۵۸۱۸	۵۳۶۳۷۶۵۲	۵۲۳۲۴۷۸۳	۵۰۹۲۷۹۴۳	۴۹۵۷۱۹۲۸	۴۸۲۵۹۹۶۴

مأخذ: همان.



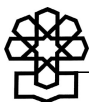
نمودار ۱. برآورد جمعیت ایران به تفکیک شهری و روستایی در سال ۱۳۸۹



۲-۲. مسائل جمعیتی در برنامه‌های توسعه

اهداف کمی اعلام شده در برنامه اول توسعه، کاهش نرخ باروری از ۶/۲۱ در سال ۱۳۶۸ به ۵/۷۳ در سال ۱۳۷۲ و تقلیل میزان ناخالص تجدید نسل^۱ از ۳/۳۰ به ۲/۷۹ در طی همین دوره بود، اما در بخش چهارم از این برنامه و در بند «۵۴» بر تلاش در جهت متعادل ساختن رشد جمعیت تأکید شده است که از اهداف کیفی محسوب می‌شود. پیش‌بینی جمعیت در طول برنامه اول توسعه به‌شدت متأثر از افزایش مولید و رشد جمعیت در دهه پس از انقلاب بود. در حقیقت عامل ازدیاد شدید جمعیت در برنامه اول توسعه به‌عنوان یک عامل منفی و نامطلوب تلقی می‌شد که عاملی بازدارنده در راه توسعه کشور بود و سیاست‌های کنترل مولید در این برنامه پاسخی به این تلقی به‌شمار می‌آمد، اما در چنین شرایطی کمتر کسی تصور می‌کرد که نرخ رشد جمعیت کشور با چنین سرعتی کاهش یابد و تصور جمعیت‌شناسان بر این بود که رشد جمعیت کشور در افق بلندمدت‌تری کاهش پیدا کند. از این‌رو، در مبحث تحولات آتی جمعیت در برنامه اول توسعه آمده است: بررسی‌های جمعیت‌شناختی بر این واقعیت تأکید دارند که چنانچه روند کنونی افزایش طبیعی جمعیت تداوم یابد، حتی با وجود تغییری که در الگوی استقرار جمعیت و به‌ویژه افزایش شهرنشینی صورت خواهد گرفت، تا سال ۱۳۹۰ جمعیت ایران به مرز ۱۰۷ میلیون نفر خواهد رسید و بر اثر آن، الگوی کاربردی منابع و امکانات تولیدی کشور بی‌رویه‌تر و میزان محرومیت‌ها و نبود تعادل‌های اساسی شدیدتر خواهد شد. براین‌اساس خطوط کلی سیاست‌های تحدید مولید کشور در برنامه اول به این

۱. میزان تجدید نسل ناخالص (GRR): نشان‌دهنده تعداد دخترانی است که یک زن ازدواج کرده، دنیا خواهد آورد به شرط آنکه در سراسر عمر باروری خود به الگوی باروری کنونی ادامه دهد.



شرح تبیین شد: در این خصوص بر مبنای بررسی‌های به عمل آمده، اعمال سیاست تعدیل مولود از ۶/۴ مولود زنده به دنیا آمده در دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به چهار نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ به ۲/۳ درصد در همین مدت با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه امکانپذیر خواهد بود. از این رو، کاهش باروری عمومی زنان تا حد چهار نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ مهمترین هدف‌های سیاست تحدید مولود کشور خواهد بود و متناسب با این هدف‌های بلندمدت، کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۳/۰۵ درصد در انتهای این برنامه و ابتدای برنامه توسعه بعدی، از طریق اثرگذاری آگاهانه و برنامه‌ریزی شده بر متغیر باروری به عنوان عمده‌ترین هدف جمعیتی این برنامه در نظر گرفته شده است. برای رسیدن به این هدف، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان مجری این سیاست موظف شد، با همه توان و امکانات خود، به طور متوسط ۲۴ درصد از زنان و مادران واقع در مقاطع سنی بالقوه باروری را در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ تحت پوشش برنامه تنظیم خانواده قرار دهد. از این دیدگاه اولویت با آن قسمت از نواحی، مناطق جغرافیایی و قشرهای اجتماعی کشور خواهد بود که از باروری ناخواسته زیان‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری می‌دیدند (اطلاعات، ۱۳۸۸).

تحقق این هدف‌ها علاوه بر فعالیت‌های واحد اجرایی تنظیم خانواده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مستلزم کوشش‌هایی از این قرار بود:

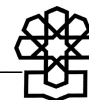
- بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه به خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم.

- اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی و اجتماعی جامعه و خانواده.

- ارتقای سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگومیر مادران و کودکان.

- لغو تمامی مقررات مشوق رشد جمعیت و اتخاذ تدابیر متناسب با سیاست تحدید مولود کشور.

بر اساس پیش‌بینی برنامه اول توسعه، جمعیت کشور باید از حدود ۵۲ میلیون و ۷۷۵ هزار نفر در سال ۱۳۶۷ به ۶۱ میلیون و ۶۸۴ هزار نفر در سال ۱۳۷۲ می‌رسید. میزان شهرنشینی جمعیت کشور از ۵۵/۸۶ درصد به ۵۹/۹۲ درصد و حجم جمعیت شهرنشین در همین فاصله زمانی از ۲۹ میلیون و ۴۷۱ هزار نفر به ۳۶ میلیون و ۹۶۴ هزار نفر افزایش می‌یافت. میزان رشد سالیانه پیش‌بینی شده در این دوره برای جمعیت شهری ۴/۶ درصد و میزان رشد سالیانه جمعیت روستایی ۱/۲ درصد پیش‌بینی شده بود (اطلاعات، ۱۳۸۸).

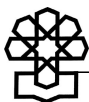


این سیاست‌ها تا حدی در برنامه دوم توسعه نیز پیگیری شد. در بخش پنجم برنامه دوم توسعه، طی دو بند کلی و چندین بخش جزئی به مسائل جمعیتی پرداخته شده است:

جدول ۳. برنامه دوم توسعه و امور جمعیتی

عنوان	ماده قانونی
سیاست‌های کلی ماده (۵)	۱-۵. افزایش سطح آگاهی‌های عمومی افراد جامعه در زمینه مسائل مربوط به جمعیت از طریق: الف) تأکید بر آموزش و افزایش آگاهی بانوان در مقاطع سنی باروری، در زمینه مزیت‌های کنترل باروری ب) گسترش سطح آگاهی عمومی افراد جامعه در زمینه زیان‌ها و مشکلات ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت از طریق رسانه‌های عمومی به‌ویژه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ج) آموزش مسائل جمعیت در قالب مواد درسی در سطوح متوسطه و دانشگاهی د) تأمین منابع مالی، تجهیزاتی و نیروی انسانی لازم برای اعمال سیاست جمعیتی مناسب با توجه به نقش تعیین‌کننده عامل رشد جمعیت در توسعه کلی کشور، به‌نحوی که وصول به هدف رشد جمعیت در برنامه تحقق یابد
	۲-۵. تنظیم خانواده و رشد جمعیت ۱-۵-۲. تأمین و تعمیم گسترده وسایل پیشگیری از بارداری در سطح مناطق جغرافیایی کشور به‌ویژه روستاها و مناطق محروم ۲-۵-۲. کسب دانش و انجام مطالعات جهت استفاده و توسعه روش‌ها و تکنولوژی‌های جدید در امر پیشگیری از بارداری ۳-۵-۲. اختصاص بخشی از فعالیت بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و مراکز بهداشتی در سطح کشور به‌منظور ارائه خدمات پیشگیری از بارداری ۴-۵-۲. لغو کلیه قوانین و مقررات و امتیازهای اقتصادی - اجتماعی، مشوق خانوارهای پرجمعیت ۵-۵-۲. پژوهش در مورد مصادیق سیاست‌های فوق از طریق: الف) پژوهش‌های علمی جهت کسب اطلاع از میزان آگاهی، نگرش، عملکرد و مشکلات خانواده‌ها در زمینه تنظیم خانواده ب) مطالعه تغییرات میزان رشد جمعیت برپایه اطلاعات جاری و مطالعات نمونه‌ای ج) انجام تحقیقات کاربردی جهت یافتن راه‌ها و تکنولوژی مناسب برای افزایش آگاهی نگرش و عملکرد خانواده‌ها و رفع مشکلات آنها برای دسترسی به وسایل پیشگیری از حاملگی د) انجام طرح جاری جمعیت و نیروی کار به‌منظور اطلاع از چگونگی تحولات جمعیت، بازار کار، نیروی فعال و نیروی شاغل کشور در مقاطع ۱۳۷۴-۱۳۷۶ هـ) انجام طرح نمونه‌گیری از وضعیت اقتصاد و اشتغال خانوار به‌صورت سالیانه

مأخذ: برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران.



در ادامه و در برنامه سوم توسعه، ضرورت‌ها و چالش‌های اساسی کشور در سال‌های آتی، نظیر **جوانی جمعیت**، افزایش سطح مشارکت اجتماعی، اهتمام به امر اشتغال و فراهم آوردن رشد اقتصادی مورد نیاز برای کاستن از نرخ بیکاری فعلی، توسعه منابع انسانی و فناوری و بهره‌مندی از منابع و امکانات کشور و مزیت‌های متعدد آن مورد توجه جدی قرار گرفته است. این روند در برنامه چهارم توسعه نیز مد نظر قرار گرفت و در لایحه برنامه پنجم توسعه با توجه به اینکه روند و رشد جمعیتی به مرحله ثبات رسیده و اهداف برنامه‌های قبلی تحقق یافته، بدین‌سان از حساسیت نسبت به مسائل اصلی جمعیتی کاسته شده و اهداف توسعه در برنامه پنجم بر امور ثانویه و پیرامونی جمعیت نظیر مهاجرت، اشتغال و بیکاری، رفاه و مسائل تأمین اجتماعی تمرکز یافته است. چنان‌که در بند «ز» ماده (۱۷۴) از لایحه این برنامه که به بحث درخصوص توسعه روستایی ارتباط دارد، چنین آمده است:

«دولت مکلف است به‌منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، راهبری، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، ارتقای سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی، عشایری و جامعه شهری، اقدام‌های زیر را به‌عمل آورد:

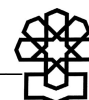
ز) تدوین سیاست‌های تشویقی در جهت مهاجرت معکوس (از شهر به روستا) و تثبیت

نسبی جمعیت روستایی تا آخر سال اول برنامه».

۲-۳. تحولات باروری و سیاست‌های جمعیتی در ایران

مطالعات انجام شده در مورد روند باروری در کشور بیانگر این است که نرخ باروری کل^۱ در کشور از سال‌های ۱۳۶۴ به بعد کاهش داشته است. بر مبنای داده‌های «بررسی ویژگی‌های بهداشتی - جمعیتی ایران»، میزان باروری کل در سال ۱۳۷۹ به حدود ۲/۱ فرزند کاهش یافت (وزارت بهداشت ۱۳۸۱). تحقیقات مختلف نشان داده است که کاهش باروری در ایران در کلیه استان‌های کشور و مناطق شهری و روستایی صورت گرفته و علیرغم زمینه‌های متفاوت اقتصادی - اجتماعی در استان‌های کشور، تشابهات زیادی از نظر جمعیت‌شناختی بین استان‌ها و همچنین مناطق روستایی و شهری کشور مشاهده می‌شود. روند فوق بیانگر نوعی همگرایی رفتارهای باروری در کشور است (عباسی شوازی ۱۳۸۱). هرچند هنوز سطح و الگوهای متفاوتی از باروری در نقاط مختلف کشور وجود دارد، ولی دامنه این تفاوت‌ها کاهش یافته است (عباسی شوازی و دیگران ۱۳۸۴، عباسی شوازی و مکدونالد ۲۰۰۶). به‌عنوان مثال، نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ بیانگر این

۱. نرخ باروری کل تعداد فرزندان است که یک زن به‌طور متوسط در دوران باروری (۱۵-۴۴) خود می‌تواند به دنیا آورد.



است که میزان باروری کل به حدود ۱/۹ فرزند کاهش یافته و شاخص این میزان در نقاط شهری و روستایی به ترتیب حدود ۱/۸ و ۲/۱ فرزند بوده است. نکته مهمتر اینکه، سطح باروری پایین‌تر از حد جانشینی (باروری کل پایین‌تر از ۲/۱ فرزند) در کشور فراگیر شده و حتی برخی از استان‌های کشور باروری خیلی پایینی را تجربه کرده‌اند. در سال ۱۳۸۵، چهار استان کشور میزان باروری بین ۱/۲ و ۱/۶ فرزند و ۱۳ استان نیز باروری بین ۱/۷ و ۲/۱ فرزند داشته‌اند. میزان باروری کل در ۱۲ استان بین ۲/۱ و ۲/۴ فرزند بوده و تنها استان هرمزگان با باروری ۲/۵ و سیستان و بلوچستان با باروری کل ۳/۷ بالاترین باروری در کل کشور را دارا بوده‌اند (عباسی و دیگران، ۱۳۸۴).

در ادامه، نتیجه بررسی‌های موجود در این زمینه گویای حرکت به‌سوی کاهش شکاف‌های مناطق توسعه‌یافته‌تر و مناطق محروم‌تر کشور و مناطق شهری و روستایی است. روند کاهش باروری استان‌ها، در دو دهه بعد از انقلاب اسلامی، نسبتاً همگون و مشابه بوده و استان‌های کشور (و مناطق شهری و روستایی) علیرغم تفاوت در میزان توسعه‌یافتگی، روند مشابهی را تجربه کرده‌اند. (عباسی شوازی، ۱۳۸۰).

شاخص دیگری که در این‌خصوص وجود دارد، نرخ باروری عمومی^۱ است. بررسی این نرخ در سال‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور پس از انقلاب اسلامی ایران، حاکی از روند کاهشی در هر سه نرخ: کل کشور، شهری و روستایی می‌باشد. نرخ باروری عمومی در طول ۱۰ سال پس از سرشماری سال ۱۳۶۵ به‌شدت کاهش داشته، اما در ۱۰ سال بعدی و پس از سال ۱۳۷۵ روند کاهشی از سرعت اولیه برخوردار نبوده است. پیش‌بینی می‌شود که تغییرات نرخ باروری در دهه آینده (۱۳۹۵) از این مقدار نیز کمتر باشد.

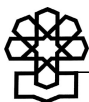
جدول ۴. تغییرات ایجاد شده در نرخ باروری عمومی براساس سرشماری‌های

عمومی نفوس و مسکن بعد از انقلاب

ردیف	سال	نرخ باروری عمومی کل کشور	نرخ باروری عمومی مناطق شهری	نرخ باروری عمومی مناطق روستایی
۱	۱۳۶۵	۲۳۱	۲۱۷	۲۵۲
۲	۱۳۷۵	۸۷	۸۱	۹۹
۳	۱۳۸۵	۶۴	۶۲	۷۱

مأخذ: برداشتی آزاد از داده‌های مرکز آمار و سازمان ثبت احوال اطلاعات و آمارهای حیاتی کل کشور.

۱. نرخ باروری عمومی نشان می‌دهد که در مقابل تعداد معینی (هزار نفر) از زنان واقع در سن باروری (۱۵-۴۴) در یک سال چند کودک متولد می‌شود.



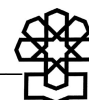
۲-۴. بررسی تطبیقی نرخ باروری در ایران و برخی دیگر از کشورها

در بررسی نرخ باروری در ایران با در نظر گرفتن جمعیت آن و سنجش این میزان توسط شاخص‌های بین‌المللی در سال مورد مطالعه، چنین اذعان شده است که نرخ باروری در ایران «خیلی زیاد» بوده است. در حالی که ارزیابی‌ها در مورد کشورهای چون لبنان، افغانستان، آذربایجان، سوریه و... در خصوص این نرخ رضایتبخش است. این نرخ بالای باروری به تبع باعث رشد چشمگیر جمعیت شده و مقدمه‌ساز مسائل و مشکلاتی می‌شود که آثارش در طی دوره‌های میان مدت و بلندمدت رخ می‌نماید. همچنین در نظر گرفتن این نکته که کشورهای چون افغانستان و عربستان توانسته‌اند در جهت تعادل در نرخ باروری حرکت کنند، جای تأمل دارد. بدان جهت که این کشورها با داشتن مذهب رسمی سنی (به‌طور غالب) و تأکید علمای اهل سنت به عدم استفاده از روش‌های پیشگیری، با این حال شاهد رضایتبخش بودن نرخ باروری‌شان هستیم. این بدان معناست که در این قبیل کشورها سیاست‌های کنترلی و رای تعالیم دینی وجود دارد که توانسته در جهت کاهش نرخ باروری اثر کند.

جدول ۵. نگاهی به برخی شاخص‌های مربوط به تنظیم خانواده در کشورهای خارجی

نام کشور	نرخ باروری	استفاده از روش‌های جلوگیری از باروری (درصد)		دیدگاه‌ها در مورد نرخ باروری
		کلیه روش‌ها	روش‌های نوین	
افغانستان	۶/۸	۵	۴	رضایتبخش
آذربایجان	۱/۸	۵۵	۱۲	رضایتبخش
بحرین	۲/۷	۶۵	-	رضایتبخش
اندونزی	۲/۶	۶۰	۵۷	خیلی زیاد است
ایران	۲/۰	۷۴	۵۶	خیلی زیاد است
عراق	۵/۰	-	-	رضایتبخش
کویت	۴/۰	۵۲	۳۹	رضایتبخش
لبنان	۳/۲	۶۳	۴۰	رضایتبخش
مالزی	۳/۳	۵۵	۳۰	رضایتبخش
عمان	۴/۱	۲۴	۱۸	خیلی زیاد است
پاکستان	۴/۸	۲۸	۲۰	خیلی زیاد است
عربستان	۴/۸	۳۲	۲۹	رضایتبخش
سوریه	۳/۸	۴۹	۳۲	رضایتبخش
ترکیه	۲/۵	۶۴	۳۸	خیلی زیاد است
امارات	۲/۵	۲۸	۲۴	خیلی پایین است

Source: Roudi Fahimi, 2002.



۲-۵. تغییرات حجم و رشد جمعیت در ایران (براساس پیش‌بینی سازمان ملل متحد)

سازمان ملل متحد پیش‌بینی کرده است، متوسط نرخ رشد جمعیت ایران بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵ به ۱/۳ درصد کاهش خواهد یافت که این رقم در مقایسه با سال گذشته ۱۰ درصد کاهش نشان می‌دهد و پیش‌بینی شده جمعیت ایران در سال ۲۰۱۵ به ۷۹/۴ میلیون نفر خواهد رسید. همچنین این سازمان با اعلام اینکه متوسط امید به زندگی در ایران در سال گذشته ۷۰/۷ سال بوده، این رقم را در سال جاری ۷۰/۲ سال اعلام کرده است. ایران از لحاظ شاخص امید به زندگی در این گزارش بین ۱۵۷ کشور، رتبه ۸۵ را کسب کرده که در مقایسه با سال گذشته یک رتبه بهبود داشته است.

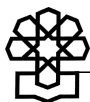
جدول ۶. برخی آمارها و پیش‌بینی‌ها از روندهای جمعیتی ایران

دوره / شاخص (سال میلادی)	نرخ رشد جمعیت (درصد)	نرخ باروری کل (متوسط تعداد باروری زنان) (درصد)
۱۹۵۵-۱۹۵۰	۲/۴۲	۷
۱۹۶۰-۱۹۵۵	۲/۵۷	۷
۱۹۶۵-۱۹۶۰	۲/۷۴	۷
۱۹۷۰-۱۹۶۵	۲/۹۳	۶/۸
۱۹۷۵-۱۹۷۰	۲/۹۳	۶/۴
۱۹۸۰-۱۹۷۵	۲/۳۰	۶/۵
۱۹۸۵-۱۹۸۰	۴/۱۶	۶/۶۳
۱۹۹۰-۱۹۸۵	۳/۱۵	۵/۶۲
۱۹۹۵-۱۹۹۰	۱/۸۶	۴/۳۳
۲۰۰۰-۱۹۹۵	۱/۲۲	۲/۵۳
۲۰۰۵-۲۰۰۰	۰/۹۷	۲/۱۲
۲۰۱۰-۲۰۰۵	۱/۳۵	۲/۰۴
۲۰۲۵-۲۰۲۰	۰/۶۳	۱/۱۹

Source: UN Population Division, 2006.

۲-۶. وضعیت جمعیت کشور و روند رو به رشد آن

نرخ رشد جمعیت کشور تا سال ۱۳۲۵ از آهنگ رشد بسیار کندی برخوردار بوده و بین ۰/۶ تا ۱/۵ درصد در نوسان بوده است. به دنبال دگرگونی‌های اجتماعی و بهبود شاخص‌های بهداشتی، رشد جمعیت در کشور وارد مرحله جدیدی شد. جمعیت کشور در یک فاصله زمانی ۵۰ ساله (از ۱۳۲۵ تا ۱۳۷۵) به بیش از چهار برابر افزایش یافت. آمارها گویای آن است که از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ نرخ رشد جمعیت کشور هیچ‌گاه به پایین‌تر از ۲/۵ درصد نرسیده است. سرشماری در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ جمعیت کشور را به‌ترتیب حدود ۲۶ و ۳۳/۵ میلیون نفر نشان می‌دهد. جمعیت در سال ۱۳۶۵



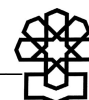
به حدود ۵۰ میلیون و در سال ۱۳۷۵ به بعد به حدود ۶۰ میلیون نفر رسیده است. آخرین سرشماری نفوس و مسکن نیز جمعیت کل کشور را بیش از ۷۰ میلیون اندازه‌گیری کرده است و پیش‌بینی می‌شود، در صورت ادامه روند رشد فعلی جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ به بیش از ۱۰۰ میلیون نفر برسد. براساس آمار سال ۱۳۷۵، ۵/۴۵ درصد از جمعیت ایران زیر ۱۵ سال سن دارند و از این رو هم‌اکنون کشور ما در زمره کشورهای محسوب می‌شود که دارای جمعیت جوان است (با توجه به حرکت رده سنی زیر ۱۵ سال به رده سنی بعدی).

از سال ۱۳۷۴ تاکنون روند رشد مولید دارای نوسان بوده و به‌نظر می‌رسد در سال‌های منتهی به سال ۱۳۸۸ از رشد کمتری برخوردار است. نکته قابل تأمل در این خصوص رشد مثبت ۷/۳۷ درصدی در سال ۱۳۸۴ است. همچنین در طول تمامی سال‌ها همواره جمعیت مردان بر زنان فزونی داشته است.

جدول ۷. ولادت ثبت شده کل کشور از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۸

سال	جمع	نرخ رشد (درصد)
۱۳۶۸	۱۷۸۹۸۱۷	-۷/۸۸
۱۳۶۹	۱۷۲۶۴۸۸	-۳/۵۴
۱۳۷۰	۱۵۹۲۸۹۸	-۷/۷۴
۱۳۷۱	۱۴۳۳۲۴۳	-۱۰/۰۲
۱۳۷۲	۱۳۸۸۰۱۷	-۳/۱۵
۱۳۷۳	۱۴۲۶۷۸۴	۲/۸۰
۱۳۷۴	۱۲۰۵۳۷۲	-۱۵/۵۲
۱۳۷۵	۱۱۸۷۹۰۳	-۱/۴۵
۱۳۷۶	۱۱۷۹۲۶۰	-۰/۷۳
۱۳۷۷	۱۱۸۶۶۵۹	۰/۶۳
۱۳۷۸	۱۱۷۴۲۷۹	-۱/۰۴
۱۳۷۹	۱۰۹۵۱۶۵	-۶/۷۴
۱۳۸۰	۱۱۱۰۸۳۶	۱/۴۳
۱۳۸۱	۱۱۲۲۱۰۴	۱/۰۴
۱۳۸۲	۱۱۷۱۵۷۳	۴/۴۱
۱۳۸۳	۱۱۵۴۳۶۸	-۱/۴۷
۱۳۸۴	۱۲۳۹۴۰۸	۷/۳۷
۱۳۸۵	۱۲۵۳۹۱۲	۱/۱۷
۱۳۸۶	۱۲۸۶۷۱۶	۲/۶۲
۱۳۸۷	۱۳۰۰۱۶۶	۱/۰۵
۱۳۸۸	۱۳۴۸۵۴۶	۳/۷۲

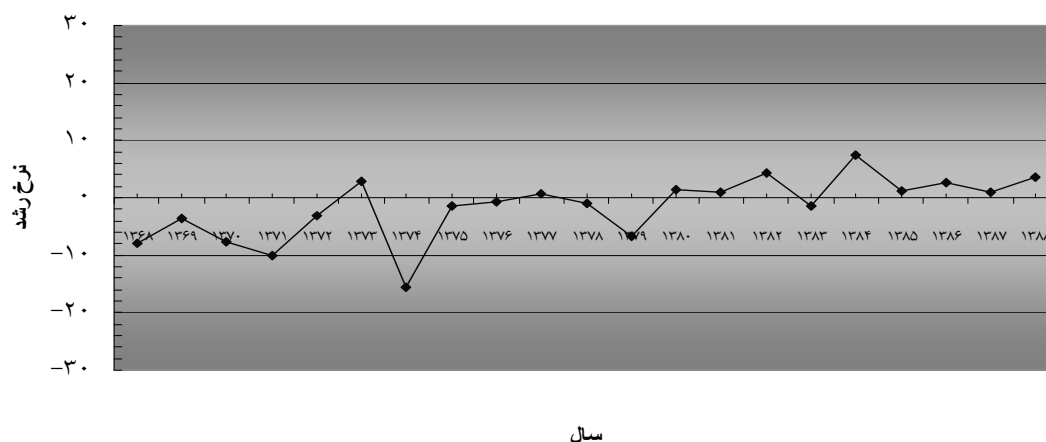
مأخذ: وزارت کشور، سازمان ثبت احوال داده‌ها و آمارهای حیاتی کل کشور.

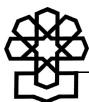


درخصوص نرخ رشد موالید از شروع برنامه توسعه اول تاکنون باید اذعان داشت که باوجود نوسان‌های شدید در برخی از سال‌ها همواره این نرخ به‌طور کلی شاهد روند کاهشی بوده است تا حدی که در سال‌های اخیر به مرحله ثبات نزدیک شده است. نکته حائز اهمیت، کاهش شدید در سال ۱۳۷۴ و افزایش نسبی در سال ۱۳۸۴ می‌باشد که ممکن است علت آن عدم ثبت دقیق آمار در سال پایه و سال قبل از آن باشد. ازسوی دیگر با ترویج و تبلیغ مستقیم سیاست‌های کنترل جمعیت از اوایل دهه ۱۳۷۰ به‌نظر می‌رسد از سال ۱۳۷۴ به بعد (که اصطلاحاً سال جهش^۱ نام دارد) برنامه‌ریزی‌ها در راستای کنترل این نرخ پاسخگو بوده و از آن به بعد در حالت تعادل قرار گرفته است.

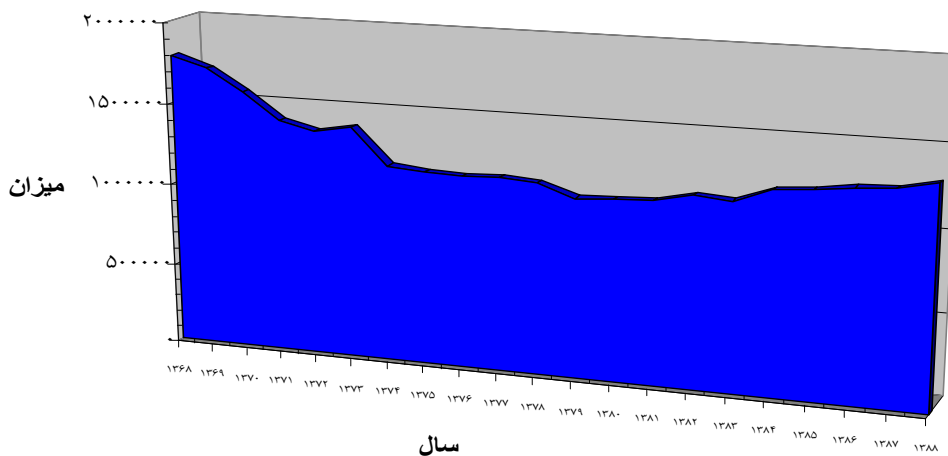
در کل مهمترین عامل در کاهش چشمگیر نرخ موالید در سال ۱۳۷۴ تصویب قانون تنظیم خانواده و جمعیت^۲ در سال ۱۳۷۲ بوده است. در این قانون که با هدف کنترل و کاهش بُعد خانواده تصویب شد، امتیازات مربوط به فرزندان چهارم به بعد لغو شد. این قانون در پی بروز مشکلات اقتصادی و افزایش نرخ بیکاری و نیز پیدایش سایر مسائل آموزشی و بهداشتی موضوعیت یافت که در آن زمان دولت به‌جای رتق و فتق مشکلات به‌وجود آمده، مسئولیت را بر دوش خانواده‌ها قرار داد. گویا چنین تلقی می‌شد که افزایش جمعیت مانعی برای پیشرفت و توسعه کشور است. افزایش نرخ رشد موالید از سال ۱۳۸۴، علاوه‌بر موارد ذکر شده، می‌تواند ناشی از قرار گرفتن پیک موالید اواخر دهه ۱۳۵۰ و اوایل دهه ۱۳۶۰ در نقطه باروری باشد که در سال‌های اخیر نیز این روند ادامه داشته است.

نمودار ۲. نرخ رشد موالید بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ (از شروع برنامه توسعه اول تاکنون)





نمودار ۳. میزان مولید بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ (از شروع برنامه توسعه اول تاکنون)

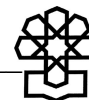


۳. آثار و تبعات میان‌مدت و بلندمدت رشد مولید

در ادامه بررسی با طبقه‌بندی تبعات رشد مولید و جمعیت، لزوم برنامه‌ریزی در برنامه‌های توسعه و چشم‌اندازهای کلان مدیریتی مورد تأکید قرار می‌گیرد. در ابتدای امر پیامدهایی را که در زمان کوتاهی آثار خود بر زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی برجای می‌گذارند مطرح نظر قرار گرفته، سپس در بررسی بعدی تبعاتی را که ممکن است افق‌های توسعه‌ای کلان و بلندمدت را دچار اختلال کنند، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳-۱. رشد مولید و آموزش

یکی از پیامدهای رشد روزافزون جمعیت بر اثر افزایش تعداد مولید در کشور ما، افزایش تعداد افراد در سن تحصیلی و در نتیجه افزایش تقاضا برای امکانات آموزشی است. در کشور ما حدود ۳۰ درصد از جمعیت در سن تحصیل قرار دارند. رشد سریع جمعیت باعث شده است که در فاصله سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۰ تعداد دانش‌آموزان از ۷/۵ به ۱۴/۴ و اکنون به حدود ۱۹ میلیون نفر برسد. با رشد فعلی جمعیت در هر ۱۵ دقیقه یک کلاس درس و در هر ۲۴ ساعت ۹۶ کلاس درس یا ۱۶ مدرسه باید ایجاد شود. از این رو سالیانه درصد بسیاری از هزینه‌های دولت باید صرف ایجاد امکانات، تأمین نیروی انسانی برای آموزش و فضای آموزشی گردد. رشد روساختی در جمعیت این است که همه جمعیت در سن تحصیل نتوانند از آموزش (از ابتدایی تا دانشگاه) به‌طور کامل برخوردار شوند. فراهم آوردن امکانات آموزشی لازم هماهنگ با رشد جمعیت دانش‌آموزی مستلزم آن است که جامعه سهم عمده‌ای از منابع ملی را به بخش آموزش و پرورش اختصاص دهد. اختصاص اعتبارات کافی به بخش آموزش با توجه به محدود بودن اعتبارات آنها تنها از طریق حذف یا کاهش سهم بخش‌های دیگر جامعه امکانپذیر خواهد بود که خود رشد و توسعه این



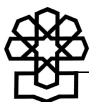
بخش‌ها را دچار وقفه می‌سازد، در صورتی‌که میزان تخصیص اعتبار در حد نیاز نباشد، تعادل در میزان دسترسی به آموزش در بین اقشار مختلف جامعه به‌خصوص بین روستاییان و شهرنشینان و بین طبقه مرفه و محرومین جامعه به‌هم می‌خورد و تأمین عدالت آموزشی و رفاه اجتماعی با مشکل اساسی روبرو می‌گردد (گروه‌های پزشکی، ۱۳۸۷).

۲-۳. رشد موالید و تغذیه

پیش‌بینی می‌شود که جمعیت کشور در کمتر از ۲۰ سال آینده به ۱۰۰ میلیون نفر برسد که از این تعداد تنها ۲۰ میلیون نفر در مناطق روستایی و ۸۰ میلیون نفر در مناطق شهری زندگی خواهند کرد. بی‌گمان تغذیه چنین جمعیتی که عمدتاً مصرف‌کننده‌اند، بار عظیمی بر دوش جامعه خواهد بود. برای هر نفر که به جمعیت اضافه می‌شود، باید چهار هزار مترمربع زمین زیر کشت برود و این درحالی است که هر ساله ۷۰ هزار کیلومتر از زمین‌های کشاورزی جهان از بین می‌رود. ما در کشور خود تا ۲۰ سال دیگر با سطح مصرف فعلی به حدود دو برابر رقم کنونی نیاز به مواد غذایی خواهیم داشت، چون با توسعه اقتصادی انتظار می‌رود که مردم در کیفیت غذا تغییراتی را به‌وجود آورند؛ مثلاً میزان پروتئین حیوانی مورد نیاز در سال ۱۳۹۰ سه برابر رقم کنونی خواهد بود. به‌علت رشد جمعیت و تقاضای رو به گسترش غذا و در نتیجه کشت و شخم بیش از حد زمین‌های کشاورزی و تخریب مراتع، سالی ۲۵ میلیارد تن خاک حاصلخیز زراعتی در جهان نابود می‌شود. اکنون سرعت رشد جمعیت (۱۰ درصد در سال) و در نتیجه سرعت رشد تقاضا از سرعت افزایش محصول غله جهان (۱ درصد در سال) پیشی گرفته است. افزایش قیمت برنج در بازار سال‌های اخیر نیز به همین دلیل، یعنی پیشی گرفتن تقاضا نسبت به میزان تولید آن، است. رشد جمعیت و تقاضای فزاینده آن برای پروتئین دریایی از میزان تولید شیلات اقیانوس‌ها فراتر رفته و در نتیجه سرانه مصرف ماهی اکنون حدود ۸ درصد کاهش یافته است. به‌همین دلیل در سال‌های اخیر قیمت غذاهای دریایی در بازار به‌شدت افزایش یافته است. رشد جمعیت از تولید گوشت گاو و گوسفند پیشی گرفته است و اکنون تولید سرانه گوشت گاو و گوسفند از ۱۲/۷ به ۱۱ کیلوگرم برای هر نفر در سال سقوط کرده است. وضعیت تغذیه مردم کشور ما اگرچه در مقایسه با برخی از کشورهای آسیایی و بسیاری از کشورهای آفریقایی بهتر است، اما آمار نشان می‌دهد که حدود یک‌ششم مردم کشور ما دسترسی به غذای کافی ندارند و رقم سوءتغذیه در بین کودکان ما از این هم بالاتر است (گروه‌های پزشکی، ۱۳۸۷).

۳-۳. رشد موالید و مسکن

مسئله مسکن امروزه از مسائل پیچیده کشورها از جمله کشور ما محسوب می‌شود. بالا رفتن هزینه تأمین مسکن از یک طرف و ازدیاد جمعیت ازسوی دیگر مشکل تهیه مسکن را پیچیده‌تر می‌سازد. با



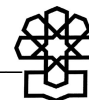
توجه به جمعیت فعلی کشور تا ۲۵ سال آینده حدود ۴۰ میلیون نفر به جمعیت ایران افزوده خواهد شد. حال اگر بعد خانوار یعنی متوسط افرادی که در یک خانواده زندگی می‌کنند، حدود ۵ نفر فرض شود، رقمی معادل ۸/۴ میلیون خانوار به خانوارهای فعلی اضافه خواهد شد و این بدان معناست که برای سکونت یک خانوار پنج نفری در یک واحد مسکونی در ظرف ۲۵ سال آینده نیاز به ایجاد سالیانه نیم میلیون واحد مسکونی، یعنی هر ساعت ۵۷ خانه جدید است. به‌طور اخص با توجه به افزایش نرخ رشد جمعیت طی دهه اخیر، واحدهای مسکونی ساخته شده در کشور به هیچ‌وجه پاسخگوی این افزایش نبوده و مردم نیز به‌علت بار هزینه‌های روزمره قادر به خرید این واحدهای مسکونی نیستند (گروه‌های پزشکی، ۱۳۸۷).

۳-۴. رشد موالید و اشتغال

امروزه اشتغال یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی کشور ماست و افزایش بی‌رویه جمعیت به این مشکل اجتماعی دامن می‌زند. در حال حاضر سالیانه تعداد بیشماری از جویندگان کار وارد بازار کار می‌شوند که با توجه به روند رشد جمعیت فعلی، در آینده نه چندان دور شاهد انبوه عظیمی از جویندگان کار خواهیم بود و تعداد افرادی که نمی‌توانند هزینه‌های لازم زندگی خود را تأمین کنند به‌دلیل رشد سریع جمعیت و ساختار جوان جمعیتی، روز به روز افزایش می‌یابد و درآمد حاصل از فعالیت افراد شاغل باید هر روزه هزینه زندگی افراد بیشتری را تأمین کند و در چنین وضعیتی مسئولیت شاغلین بیشتر و کارشان مشکل‌تر شده و به همان اندازه سرمایه‌گذاری در جامعه سخت‌تر می‌شود. در سال ۱۳۷۰ از جمعیت ۵۵/۸ میلیون نفری ایران ۲۳ درصد یعنی ۱۳ میلیون نفر شاغل بوده‌اند و در سال ۱۳۷۵ این رقم به ۱۴/۵ میلیون نفر رسید. توزیع شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در سال ۱۳۸۵ به بیش از ۲۰ میلیون نفر افزایش یافت. در صورت ثابت ماندن نسبت شاغلین در ۱۴ سال آینده با پیش‌بینی جمعیت ۱۰۰ میلیون نفری، حجم نیروی کار به ۲۳ میلیون نفر می‌رسد؛ یعنی ۲۳ میلیون نفر باید کار کنند تا ۱۰۰ میلیون زندگی کنند و سالیانه حدود ۷۰۰ هزار شغل جدید در فعالیت‌های اقتصادی کشور ایجاد گردد (گروه‌های پزشکی، ۱۳۸۷). همچنین براساس اطلاعات مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۵ برابر با ۱۲/۸ درصد بوده که این رقم در سال ۱۳۸۸ به ۱۱/۹ درصد کاهش یافته است.

۳-۵. رشد موالید و محیط زیست

رشد سریع جمعیت به کاهش میزان سرانه قابل کشت و کمبود آب منجر شده است. فرسایش خاک، نابودی جنگل‌ها و مراتع و افت کیفیت آب از آثار جانبی افزایش شمار انسان‌هاست. آنهایی که مناطق روستایی را ترک می‌کنند، در حاشیه مناطق بزرگ شهری، ناحیه‌های فقیرنشین را تشکیل می‌دهند و

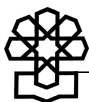


حضور آنها توانایی دولت را برای تأمین اشتغال، تغذیه، بهداشت و آموزش برای ساکنان این قبیل نواحی به شدت تحت فشار قرار می‌دهد. به‌طور خلاصه، فشار جمعیت به فرسایش محیط زیست می‌انجامد. در کشورهای درحال توسعه، محیط زیست ناسالم علت اصلی مرگ، بیماری و پایین بودن کیفیت زندگی انسان‌هاست. همچنین زنان و کودکان در برابر مخاطرات بهداشتی ناشی از محیط زیست آسیب‌پذیرترند و معمولاً از مشکلات زیست‌محیطی صدمات بیشتری را متحمل می‌شوند. دسترسی به آب آشامیدنی سالم سبب جلوگیری از شیوع امراض واگیرداری چون وبا می‌شود که در ادامه زندگی کودکان اثر مستقیم دارد. کشور ایران به دلیل محدودیت ذخایر پایدار آب در آینده قادر نیست تا جهت تأمین مصارف صنعتی و تجاری و مهمتر از آن مصارف عمومی از این ذخایر محدود استفاده نماید کما اینکه مدتی است با محدودیت این منبع حیاتی مواجه شده است. ازسوی دیگر استفاده گسترده از گازوئیل در مناطق پرجمعیت شهری و سوخت‌های حاصل از چوب در مناطق روستایی، مصرف بیش از حد گازهای سمی در صنایع، دودکش کارخانه و منازل، آگروز اتومبیل‌ها و سوزاندن زباله‌ها از مشکلات عمده مناطق پرجمعیت و شهرهاست و موجب تخریب لایه ازن و افزایش اشعه ماورای بنفش به روی زمین شده است که خود آلودگی‌های محیط زیست را افزایش داده و آثار مخربی را برای جمعیت ایجاد می‌کند (گروه‌های پزشکی، ۱۳۸۷).

۳-۶. جمعیت، فقر و رشد اقتصادی

هنگامی که از رشد بی‌رویه جمعیت در یک کشور صحبت می‌شود، منظور نابرابری میان امکانات موجود و میزان جمعیت متقاضی استفاده‌کننده از آن امکانات است. ساختار جمعیتی ایران، با وجود نسل جوان دارای قابلیت باروری در قاعده پهن آن و افراد مسن در نوک تیز آن، شبیه به یک مثلث (هرم) است. تا زمانی که این فرم مثلث (هرم سنی) تبدیل به یک ساختار مستطیل شکل نگردد، یعنی توانی در توزیع افراد پیر و افراد جوان ایجاد نگردد، رشد جمعیت متوقف نخواهد شد و انتظاری جز این نمی‌رود. کشورهایی که موفق به تعدیل روند رشد جمعیت خود بوده‌اند، توانسته‌اند جلوی رشد فقر را نیز در کشورهای خود بگیرند و با پایین آوردن روند رشد جمعیت همزمان با سرمایه‌گذاری در کشاورزی و عرضه مواد غذایی توانسته‌اند به رشد اقتصادی پایدار دست یابند. این کار باعث شده است که آنها بتوانند در بخش اجتماعی به‌خصوص در امر آموزش، بهداشت، درمان و بهبود وضعیت زنان سرمایه‌گذاری کنند (گروه‌های پزشکی، ۱۳۸۷).

امروزه کمتر کسی رابطه بین توسعه اقتصادی و رشد آهسته‌تر جمعیت را انکار می‌کند. ولی نه توسعه، یک محصول خودبه‌خودی رشد آهسته جمعیت بوده و نه رشد آهسته جمعیت، محصول خودبه‌خودی توسعه است. بلکه تنظیم خانواده، مراقبت‌های بهداشت باروری و برنامه‌های توسعه‌ای می‌توانند در جهت تعدیل میزان رشد جمعیت عمل کرده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند (گروه‌های پزشکی، ۱۳۸۷).

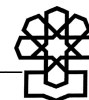


۳-۷. رشد موالید و بهداشت

ضررهای ناشی از فقدان بهداشت با سن، جنس، شغل یا سطح اقتصادی - اجتماعی و با مذهب و اخلاق ارتباط دارد. برای رسیدن به میزان مناسبی از بهداشت در کشور، به یک حد مطلوب نگهدارنده جهت استانداردهای بهداشتی - درمانی احتیاج است. درحالی که به ازای هر ۱۰۰۰ نفر یک پزشک باید وجود داشته باشد، این نسبت در ایران به علت تجمع پزشکان در شهرهای بزرگ از نسبت مطلوبی برخوردار نیست. همچنین به ازای هر ۲۵۰ نفر یک تخت بیمارستانی باید وجود داشته باشد، که در ایران هر ۸۰۰ نفر یک تخت بیمارستانی دارند. زمانی که وضعیت بهداشتی یک جامعه مناسب نباشد، علاوه بر زیان بر کلیه افراد آن جامعه، بیشترین ضرر بر گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه وارد می‌شود. گروه‌های آسیب‌پذیر در هر جامعه، مادران و کودکان هستند که به علت شرایط خاص جسمانی بیشتر از دیگران در معرض خطر و بیماری قرار دارند. سطح بالای باروری پیامد و آثار و عوارض ناخوشایندی برای سلامت مادران و کودکان و مسائل زیستی جامعه نیز دارد (گروه‌های پزشکی، ۱۳۸۷).

۳-۸. رشد موالید و موضوع اهل سنت

براساس آمار و داده‌های مرکز آمار ایران درحالی که رشد جمعیت در سال‌های اخیر در اکثر استان‌های کشور کنترل و مهار شده است، در استان‌های اهل سنت شاهد رشد بیشتر جمعیت و موالید بوده‌ایم و این می‌تواند در آینده معادلات جمعیتی را تغییر دهد و مطالباتی را برای آنها ایجاد کند و عامل فشار بیشتر داخلی و خارجی شود. استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان دارای رشد جمعیتی بالای ۳ درصد در سال‌هایی بودند که رشد جمعیت در استان‌های دیگر به ۱/۵ درصد رسیده بود. این موضوع به لحاظ امنیتی هم دارای اهمیت خاصی بوده و می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های جمعیتی ایران مورد بررسی بیشتر قرار گیرد. مهمترین بحث در این خصوص ژئوپلیتیک شیعه است. عوامل مؤثر بر ژئوپلیتیک را می‌توان به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم کرد. عوامل ثابت شامل موقعیت جغرافیایی، اشکال گوناگون موقعیت، توپولوژی و فضا و تقسیمات می‌باشند. عوامل متغیر نیز جمعیت و شکل آن، نهادهای سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. موقعیت جغرافیایی در بین عوامل ثابت و انسان در بین عوامل متغیر نقش دو قطب اصلی را در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی ایفا می‌کنند. بررسی ژئوپلیتیک قلمرو جهان اسلام مشخص می‌سازد که مرکز آن از اهمیتی ویژه برخوردار است. این اهمیت با موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و تاریخی و فرهنگی ایران پیوند می‌خورد و کشور ما را به عاملی مهم در صحنه عملیاتی منطقه تبدیل می‌کند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶).



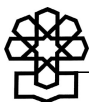
۳-۹. رشد موالید، رشد جمعیت، شهرنشینی و توسعه ناهمگون

همواره با رشد سریع جمعیت بر اثر افزایش موالید، شاهد ظهور و گسترش شهرهای بزرگ و پرتراکم هستیم. چنین رشد جمعیتی صرفاً به پدیده مهاجرت ختم نمی‌گردد، بلکه درصد بالایی از آن به افزایش میزان موالید وابسته است. ازسوی دیگر باید در نظر داشت که توزیع جمعیت در کشور ناموزون بوده که این مسئله بیشتر معلول چگالی بالای جمعیت در کلان‌شهرها نسبت به مناطق دیگر شهری است. ممکن است نرخ رشد موالید و به تبع رشد جمعیت در دو منطقه یکسان باشد، اما هنگامی که تعداد کل جمعیت هر منطقه و نیز جمعیت آن بر واحد مساحت (چگالی جمعیت) محاسبه می‌شود، شاهد تراکم شدیدی در برخی کلان‌شهرها خواهیم بود. چنین رشد ناهمگونی در درجه اول شکاف توسعه‌ای در مناطق عظیم شهری و شهرهای کم‌جمعیت‌تر ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری

الف) توصیفی

پس از آنکه در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ ایران یکی از بالاترین نرخ‌های رشد جمعیت را در دنیا تجربه کرد، از سال ۱۳۶۵ به بعد با کاهش سریع و مستمر باروری مواجه شد. به‌گونه‌ای که درحال حاضر نرخ باروری در سطح کشور و در بسیاری از نقاط شهری و روستایی به پایین‌تر از حد جانشینی رسیده است. میزان‌های باروری در همه استان‌های کشور روند کاهشی داشته و حتی استان‌های محروم نیز کاهش سریع باروری را تجربه کرده‌اند، اما انتظار می‌رود با توجه به بافت فرهنگی کشور، از این پس کاهش نرخ باروری کند شود. درحال حاضر کشور از نظر نرخ باروری و ساختار سنی جمعیت، شرایط خاصی را پشت سر می‌گذارد. به‌گونه‌ای که افزایش یا کاهش معنادار نرخ باروری در ۱۵ سال آینده (تا سال ۱۴۰۰) می‌تواند منجر به تجربه شرایط نامناسب جمعیتی شود. درحالی که اگر نرخ باروری در این مدت حدود ۱/۸ فرزند باقی بماند و پس از آن تا سطح ۲/۱ فرزند افزایش یابد، هرم سنی جمعیت کشور شکل مناسبی به‌خود می‌گیرد و تثبیت می‌شود به دلیل حجم بالای جوانان واقع در سنین باروری، افزایش نرخ باروری در مقطع حاضر، می‌تواند منجر به عریض شدن پایه هرم جمعیت کشور و تکرار بحران جمعیتی دهه ۱۳۶۰ شود. برعکس، ادامه روند شدید کاهش نرخ باروری منجر به کاهش شدید نرخ رشد جمعیت و کوچک شدن پایه هرم سنی جمعیت کشور می‌شود که می‌تواند به منفی شدن نرخ رشد جمعیت در دهه‌های بعدی بیانجامد. بنابراین در این مقطع اندازه‌گیری نرخ باروری و ساختار سنی جمعیت در فاصله‌های زمانی کوتاه و پیگیری تحولات آن بسیار ضروری است تا در صورت لزوم، به‌موقع



سیاست‌های جمعیتی تعدیل‌کننده اعمال شود (برنامه، ۱۳۸۸).

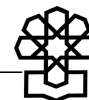
ب) تحلیلی

تجربیات ملی و فراملی حاکی از آنند که رشد بی‌رویه جمعیت لزوماً به افزایش توانایی و پیشرفت کشور نمی‌انجامد. بلکه رشد ناهمگون و نامتعادل جمعیت، به تزايد مشکلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خواهد انجامید. جمعیت اضافی باری خواهد شد بر دوش دولت و مردم و نیز عاملی برای بی‌ثباتی فرهنگی و اجتماعی و تزاخم داخلی و منطقه‌ای. اگر شرایط مناسب اقتصادی فراهم شود، جمعیت به‌خودی خود و بدون دخالت افزایش پیدا خواهد کرد، یعنی همان چیزی که در چین و هند اتفاق می‌افتد. این امر به‌خصوص در مورد ایران که جمعیت جوانی دارد صادق است. رشد سریع جمعیت، حجم تقاضا را برای کار به‌سرعت بالا می‌برد. با توجه به اینکه فقدان برنامه‌ریزی درخصوص تأمین مشاغل تازه برای جویندگان کار، مشکلات اجتماعی، اقتصادی و بیشتر فرهنگی را در پی خواهد داشت، سوق دادن برنامه‌ریزی‌ها به‌سوی اشتغال کامل باید به‌عنوان یک هدف ملی مورد توجه قرار گیرد و برای این منظور برآورد کمی و حتی کیفی نیروی انسانی ضروری است. ازسوی دیگر کاهش و عدم توجه به رشد جمعیت سبب پایین آمدن نرخ باروری شده و متعاقباً سالخوردگی جمعیت را در پی خواهد داشت و باعث انتقال هرم سنی جمعیت ایران از جوانی به سالخوردگی می‌گردد. با این وصف می‌توان اذعان داشت اگر رشد جمعیت به‌صورت متعادل و کیفی در تمام استان‌ها در نظر گرفته شود، شاخص سرمایه انسانی که از مهمترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی است بهبود و ارتقا می‌یابد. همچنین عدم اعتدال در رشد جمعیت می‌تواند تأثیرات ژئوپلیتیک داخلی و خارجی را به همراه داشته باشد. در نقاط مرزی ایران با وجود شاخه‌های مذهبی اهل تسنن، سیاست‌های نوین کنترل جمعیت به‌دلیل مغایرت با آموزه‌های دینی چندان مؤثر نبوده و دائماً شاهد رشد چشمگیر جمعیت در این مناطق هستیم که نیاز به سیاستگذاری در جهت کنترل نرخ جمعیت به‌شدت احساس می‌شود.

فصل دوم - ازدواج و طلاق

ازدواج

ازدواج، پیمان و اتحاد مقدس، شرعی و قانونی بین مرد و زن برای تشکیل یک زندگی مشترک است. این پیمان مقدس و تشکیل خانواده از دیرباز مورد توجه متفکرین و اندیشمندان بوده است. در



دهه‌های اخیر به علت پیچیدگی‌های امور مربوط به ازدواج، دامنه مسائل مربوط به آن به قلمروهای سایر علوم همچون، علم اقتصاد، علم سیاست و... نیز کشیده شده است.

هریک از این علوم به نسبت خود در مسئله ازدواج تأثیرگذار هستند و در تبیین مسائل مربوط به آن و نیز ارائه راه‌حل‌هایی برای از بین بردن نابهنجاری‌های ناشی از آن با توجه به فرهنگ، مذهب و شرایط اقلیمی گوناگونی که در جوامع مختلف وجود دارد، نقش ایفا می‌کنند.

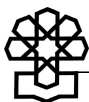
ازدواج مانند هر موضوع دیگری دارای هنجارهایی است که این هنجارها نسبت به هر جامعه‌ای و نیز هر مقطع زمانی متفاوت است. زمانی در جوامع سنتی عرف بر این بود که بزرگ خانواده درباره ازدواج دختر و پسر تصمیم می‌گرفت، ولی این فرهنگ در حال حاضر تغییر یافته و اکثر دختران و پسران خودشان برای ازدواج و تعیین سرنوشت آینده‌شان تصمیم می‌گیرند.

در حال حاضر مسئله ازدواج در کشور ما با ویژگی‌های خاص خود مواجه شده، که موضوع ازدواج را با دغدغه‌هایی همراه کرده است، زیرا کشور ما در حال گذار از جامعه سنتی به سوی جامعه مدرن است و به تبع این وضعیت، معیارهای انتخاب همسر به سمت و سوی شاخص‌های اقتصادی، سیاسی و منزلت‌های اجتماعی سوق یافته است. این تغییر الگوی ازدواج که متأثر از تحولات روزمره است، تا حدود زیادی با ارزش‌ها و هنجارهای مرسوم جامعه اسلامی در تضاد است.

توسعه فناوری باعث بالا رفتن سطح آگاهی‌های اجتماعی، سواد عمومی و سطح تحصیلات شده و به موازات آن سطح توقعات و انتظارات پسران و دختران به مراتب بیشتر از گذشته شده است. از طرف دیگر در عصر مدرنیته، تمایزات و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی گروه‌های اجتماعی و نیز آحاد جامعه بیشتر و همانندی‌های گذشته کمرنگ شده است. علاوه بر اینها در کشور ما وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، موجب شد تا تغییرات دیگری در جامعه به وجود آید، بخشی از این تغییرات ناشی از روند اسلامی کردن جامعه بود. بخشی دیگر به علت ایفای نقش‌های اجتماعی توسط زنان در جامعه و گرایش آنها به تحصیلات بالاتر و احراز صلاحیت‌هایی همانند مردان در خارج از منزل بود که باعث شد تا همسرگزینی از شکل سنتی خارج شده و با شیوه دیگری که در نوع خود در کشور ما تازگی داشت، مواجه شود. نکته دیگری که در دهه اول بعد از انقلاب (دهه ۱۳۶۰) به وجود آمد و بعدها ازدواج و همسرگزینی را به شدت تحت تأثیر قرار داد، میزان بالای مولید در آن دهه بود که در دوره ۱۳۸۰ سبب عدم تعادل جمعیتی در سن ازدواج شد. در این فصل سعی می‌شود تا توصیفی از موانع ازدواج و علل طلاق (چالش‌ها و راهکارها) ارائه شود.

مسئله ازدواج در جامعه دچار چالش‌هایی شده است که به عنوان موانع مهم در روند ازدواج

جوانان تأثیرگذار هستند، برخی از این چالش‌ها عبارتند از:



الف) تغییرات فرهنگی

۱. مادی شدن ارزش‌ها: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در جامعه عمدتاً دو قشر مرفه و ضعیف وجود داشت که با پیروزی انقلاب اسلامی با حمایت نهادهایی نظیر کمیته امداد حضرت امام، جهاد سازندگی روستاها و بنیاد مستضعفان، قشر متوسط بروز بیشتری پیدا کرد و به عنوان حلقه واسطه این دو قشر قرار گرفت. با ظهور این قشر در جامعه و الگو گرفتن قشر متوسط از مرفهین در زمینه مصرف، تجمل‌گرایی و سود بیشتر، ارزش‌های گذشته، که مانع رسیدن به اهداف جدید تلقی می‌شد، بروز فرهنگ مصرف‌گرایی (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی) در جامعه ایران رواج یافت. پس از جنگ تحمیلی دوران بازسازی شروع شد و دولت سیاست توسعه اقتصادی را در پیش گرفت. سرمایه‌گذاری در همه بخش‌ها رونق خاصی پیدا کرد و معیارهای مادی و اقتصادی ملاک ارزیابی قرار گرفت و تجمل‌گرایی در جامعه با شدت بیشتری گسترش یافت.

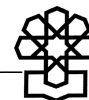
در چنین وضعی دولت نیز با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی، موجب افزایش قیمت‌ها شد و با ورود کالاهای جدید به کشور فرهنگ مصرف در جامعه عمومیت یافت. ازسوی دیگر گسترش روزافزون نیازآفرینی در جامعه و عدم تناسب آن با درآمدهای اقشار جامعه به‌خصوص کارگران و کارمندان، موجب شد تا ارزش‌های مادی جایگزین ارزش‌های معنوی شود.

وقتی کسب پول و ثروت با ارزش تلقی شود، این مسئله موجب می‌شود تا ثروتمندان جامعه از جایگاه ویژه برخوردار شوند و در جامعه هنجارسازی ازسوی این قشر صورت پذیرد و به تبع آن سایر قشرها هم متأثر گشته و ارزش‌ها تغییر می‌یابند و در نتیجه آن ساده‌زیستی از بین می‌رود. در چنین وضعی همه رفتارهای افراد و انتخاب‌های مهم ازجمله انتخاب شغل و همسر تحت تأثیر نگاه مادی قرار می‌گیرد (چشم و هم‌چشمی در جامعه صورت می‌گیرد، مهریه افزایش می‌یابد و ...).

۲. بالا بودن توقعات جوانان: جوانان علاوه بر مشکلات مربوط به عدم درآمد کافی برای شروع زندگی مشترک، توقعات و انتظارات بالایی - نسبت به والدین و نسل‌های قبل - دارند.

ضرورت تأمین همه امکانات در ابتدای زندگی ازجمله اتومبیل، مسکن یا بسیاری از لوازم منزل، ازسوی اکثر زوج‌ها - که متأسفانه امروزه مرسوم شده است - موجب شده تا جوانان نتوانند بین درآمدهای خود و هزینه‌های زندگی تعادلی به وجود آورده و امکان تشکیل یک زندگی مشترک و مستقل را - از والدین خود - فراهم سازند.

با این توصیف عمده‌ترین نیازهای معیشتی جوانان امروزی برای شروع یک زندگی مشترک، بعد از اشتغال، داشتن مسکن مستقل (هرچند به صورت اجاره‌ای) است، که با توجه به بالا بودن اجاره بهای مسکن، بسیاری از جوانان امکان تهیه یک خانه کوچک را نیز ندارند. درواقع، داشتن تمام ملزومات زندگی در آغاز زندگی مشترک برای اکثر جوانان سخت و دشوار است و این مسئله در



شهرهای بزرگ خصوصاً در تهران شکل حادثری داشته و تأخیر ازدواج جوانان تأثیر مستقیم دارد.

۳. **تغییر در شیوه زندگی:** یکی دیگر از موانع ازدواج تغییرات شیوه زندگی است، گسترش شهرنشینی به موازات توسعه تکنولوژی و ارتباطات، تغییراتی را در نگرش و رفتار جوانان امروزی ایجاد کرده است و باعث شده روش‌های سنتی که در گذشته جاری بود، برای قشر جوان غیرقابل پذیرش باشد. از این رو نوع زندگی‌ها تغییر و تعداد جمعیت خانواده‌ها تقلیل یافته است و خانواده از شکل گسترده به شکل هسته‌ای در آمده است و زوج‌های ازدواج کرده حاضر نیستند با والدین زندگی کنند.

این شیوه جدید زندگی الزامات و امکانات خاص خود را می‌خواهد که دسترسی به آن حداقل باعث تأخیر در ازدواج و بالا رفتن سن مجرد می‌شود.

(ب) چالش‌های اقتصادی

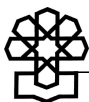
۱. **اشتغال:** داشتن شغل برای تشکیل یک زندگی مشترک از الزامات اصلی ازدواج پایدار است. از نظر جوانان این مسئله مهمترین عامل برای ازدواج است. در جمهوری اسلامی ایران سیستم آموزشی طوری برنامه‌ریزی شده است که تعداد فارغ‌التحصیلان براساس رشته تحصیلی تناسبی با نیاز بازار کار ندارد. این مسئله خود باعث بالا رفتن نرخ بیکاری در بین افراد فارغ‌التحصیل دانشگاهی شده است.

این عدم توازن باعث شده تا جوانانی که در رشته‌های علوم انسانی فارغ‌التحصیل می‌شوند، برای یافتن شغل مجبور شوند تا مدتی از وقت خود را در کسب مهارت‌های شغلی سپری کنند و در صورت یافتن شغل، برای اولویت بعدی (ازدواج) برنامه‌ریزی کنند، این مسئله فترتی را بین اشتغال و ازدواج فرد ایجاد کرده و باعث به تأخیر افتادن ازدواج می‌شود.

بررسی نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیشتر در تابستان ۱۳۸۸ نشان می‌دهد که ۱۱/۳ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، بیکار بوده‌اند.

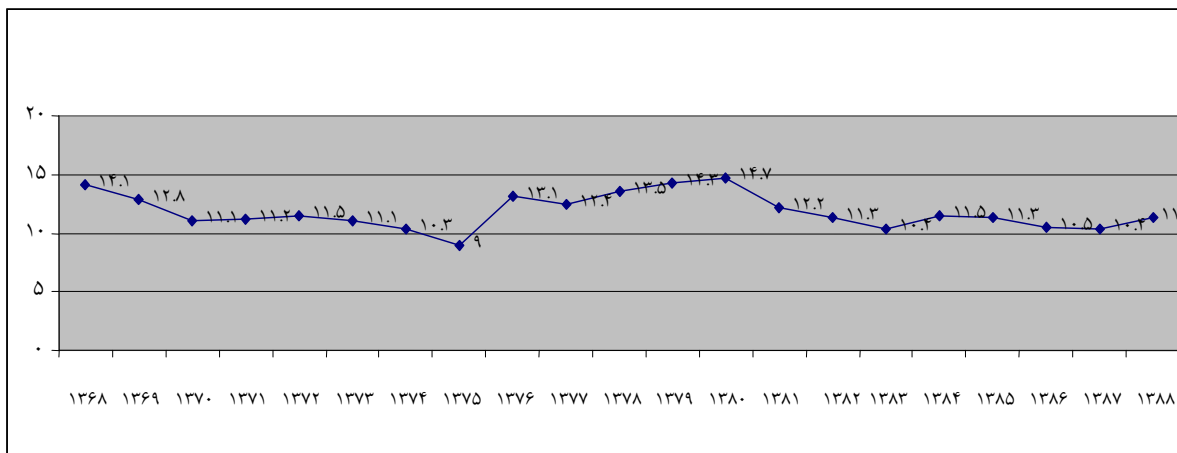
همچنین نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله حاکی از آن است که ۲۲/۷ درصد از فعالان این گروه سنی در بهار سال جاری بیکار بوده‌اند.^۱

آمارها نشان می‌دهند، نرخ بیکاری در کشور از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۵ روند نزولی داشته است، اما در مجموع از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۰ روند صعودی به خود گرفته، ولی این رشد از سال ۱۳۸۱ به بعد کنترل شده است و از ۱۴/۷ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۱۰/۴ درصد در سال ۱۳۸۷ کاهش



یافته است. این نرخ در تیرماه ۱۳۸۸ به ۱۱/۳ درصد رسیده است، به‌طور کلی بیکاری یکی از چالش‌های مهم جوانان در امر ازدواج تلقی می‌شود (نمودار ۴).

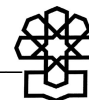
نمودار ۴. نرخ بیکاری در کشور از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۸۸



مأخذ: تحلیلی از داده‌های آماری گزارش ۹۸۱۴، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال ۱۳۸۸.
توضیح: آمار سال ۱۳۸۸ مربوط به تیرماه است.

۲. **افزایش هزینه‌های زندگی:** تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی، در به تأخیر انداختن ازدواج جوانان سهم به‌سزایی دارند، پسران به‌دلیل هزینه بالای ازدواج و مراسم آن مجبورند چند سالی با کار و تلاش فراوان پس‌اندازی داشته باشند، تا مخارج سنگین این قبیل برنامه‌ها را تأمین کنند؛ این امر باعث می‌شود تا دختران منتظر خواستگار بوده و در خانه بمانند یا در جستجوی شغل باشند، این فترت ایجاد شده، بر سن ازدواج افزوده و آن را به تأخیر می‌اندازد.

۳. **افزایش مهریه:** زنان در هنگام انتخاب همسر و ازدواج، به‌دلیل عدم تأمین حقوقی، در صورت وقوع اختلاف با شوهر یا الزام به طلاق، دغدغه دفاع از حقوق مشروع خود را دارند. بدین جهت در هنگام عقد ازدواج ضمن اعلام شروط خود، میزان مهریه را به‌گونه‌ای تعیین می‌کنند تا اولاً برای رفتار شوهران خود ابزار کنترل مناسبی داشته باشند و ثانیاً اگر به هر دلیلی ازدواج، منجر به طلاق شد، به‌لحاظ تأمین هزینه زندگی خود دچار مشکل نباشد. از طرف دیگر چون مهریه عندالمطالبه است در صورت بروز طلاق باید تمام مبلغ آن ازسوی زوج پرداخت شود و این مسئله برای مردان دارای عواقب مالی بسیار دشواری است. در این حالت اگر به هر دلیلی طلاق اتفاق بیافتد و مردان قادر به پرداخت مهریه نباشند، باید چند سالی وقت خود را به فرآیند طولانی دادرسی اختصاص دهند و شاید متحمل حبس شوند. این موضوع در پسران رعب و وحشت ایجاد کرده و موجب می‌شود تا جوانان از ازدواج شرعی و دائم استقبال چندانی نداشته باشند.



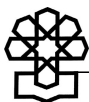
افزایش میانگین سن ازدواج

در دهه‌های اخیر اختلاف سنی در حین ازدواج به یک فرهنگ و عرف در جامعه، تبدیل شده است به‌طوری که در زمان ازدواج دختر چند سالی از پسر کوچک‌تر بود، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی عواملی موجب شد تا جوانان با افزایش سن ازدواج مواجه شوند، با افزایش مولیدی که در دهه ۱۳۶۰ اتفاق افتاد، به تدریج نرخ رشد جمعیت افزایش یافت به‌طوری که «تعداد متولدین از ۱۳۴،۳۰۰ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲،۲۵۹،۰۵۵ نفر در سال ۱۳۶۵ رسید، رشد ۱۵/۸۲ درصدی زاد و ولدها در یک دهه موجب بروز مشکلات در ازدواج جوانان در دهه‌های بعد شده است، این تعداد جمعیت در حال حاضر در سن ازدواج هستند. میانگین سن ازدواج در سال ۱۳۵۵ به ترتیب برای دختران ۱۹/۷ سال و برای پسران ۲۴/۱ سال، در سال ۱۳۶۵، ۱۹/۸ و ۲۳/۶، در سال ۱۳۷۵ دختران ۲۲/۴ برای پسران ۲۵/۶ و در سال ۱۳۸۵ دختران ۲۳/۲ و برای پسران ۲۶/۲ سال گزارش شده است؛ این میانگین در سال ۱۳۸۷ در دختران به ۲۲ سال و پسران به ۲۶ کاهش یافته است»^۱ (نمودار ۵).

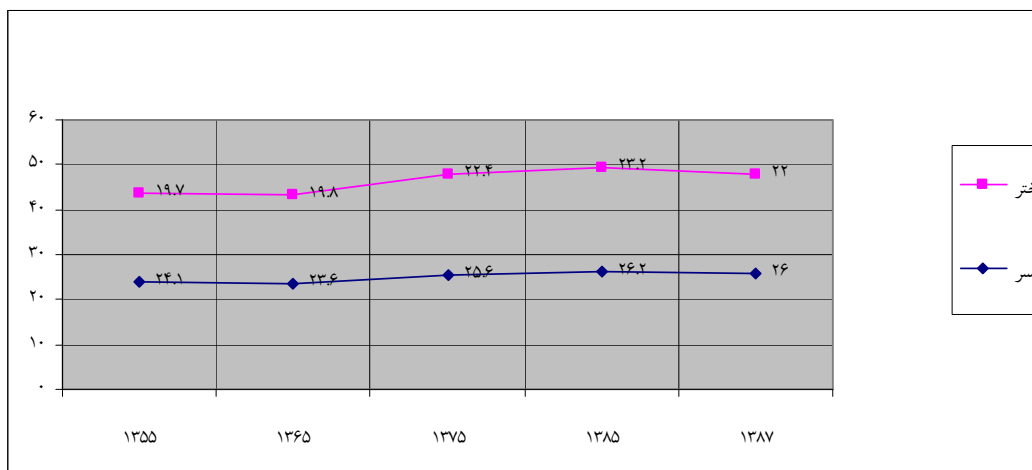
همان‌طور که آمارها نشان می‌دهند میانگین سن ازدواج در دختران و پسران طی چهار دهه با روند رشد صعودی مواجه شده است. «افزایش بیکاری، توسعه اقتصادی، گرایش سطح تحصیلات بالا، تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای، محدودیت کارکردهای خانواده و خویشاوندی از جمله دلایل بالا رفتن سن ازدواج هستند» (ایران محبوب، ۱۳۸۵).

افزایش سن ازدواج آثار و تبعات جسمی، روحی - روانی و اجتماعی متعددی را به همراه دارد که در صورت تداوم، ممکن است جامعه را به بی‌تعادلی و انحراف سوق دهد. به‌طور خلاصه افزایش سن ازدواج دارای پیامدهای فردی مثل احساس تنهایی، خلأ عاطفی، یأس، ناامیدی و افسردگی و پیامدهای اجتماعی مانند گسترش فساد و فحشا، برهم خوردن تعادل روانی جامعه و موارد عدیده دیگری را به دنبال دارد.

۱. گزارش معاونت آمار شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ۱۳۸۸ و گزارش ازدواج و طلاق سازمان ملی جوانان.



نمودار ۵. افزایش میانگین سن ازدواج طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۵



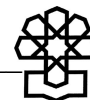
مأخذ: تحلیلی از داده‌های آماری گزارش معاونت آمار شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ۱۳۸۸.

کاهش اختلاف سن ازدواج

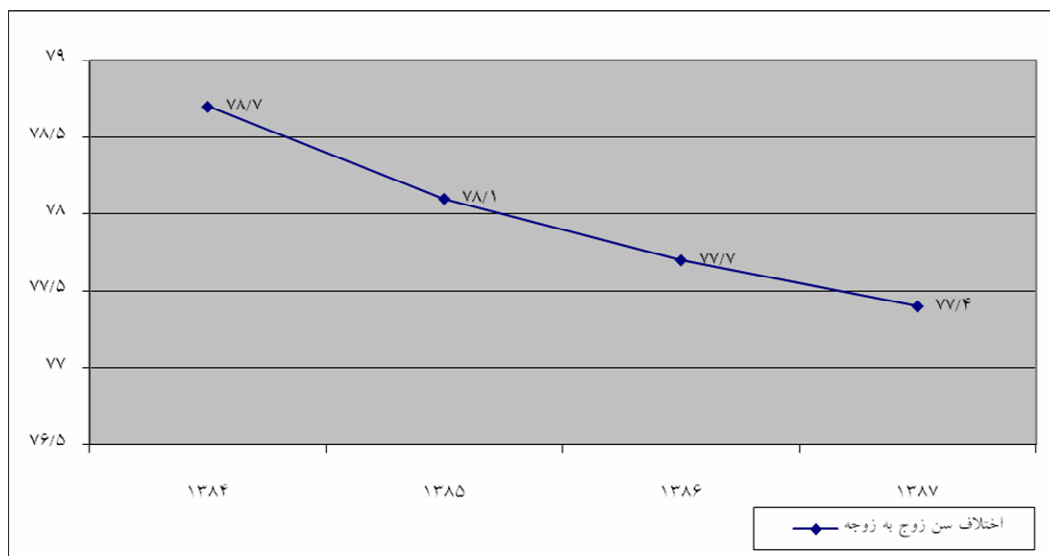
یافته‌های پیمایشی در ۲۸ استان کشور در سال ۱۳۸۲^۱ نشان می‌دهند، ۵۰ درصد مردم اعتقاد دارند که دختر و پسر در حین ازدواج باید ۵ تا ۷ سال تفاوت سنی داشته باشند، درواقع دختر باید کوچک‌تر از پسر باشد. در سال ۱۳۸۴ از مجموع ۷۸۷,۸۱۸ ازدواج ثبت شده ۶۲۰,۰۱۲ مورد (۷۸/۷ درصد) سن زوج بیشتر از زوجه بوده است، در ۸۸,۳۸۴ مورد که معادل ۱۱/۲ درصد می‌باشد، زوج و زوجه هم‌سن بوده‌اند. در سال ۱۳۸۵ از مجموع ۷۷۸,۲۹۱ مورد ازدواج، تعداد ۶۰۷,۶۶۴ مورد (۷۸/۱ درصد) سن زوج بیشتر از زوجه بوده است و تعداد ۸۹,۷۱۳ مورد (۱۱/۵ درصد) زوج‌ها هم‌سن بوده‌اند. در سال ۱۳۸۶ از تعداد ۸۴۱۱۰۷ ازدواج ۶۵۳,۳۵۱ مورد (۷۷/۷ درصد) سن زوج بیشتر از زوجه و تعداد ۹۹۰۶۸ مورد (۱۱/۸ درصد) این ازدواج‌ها زوج و زوجه هم‌سن بوده‌اند. در ۶ ماهه اول سال ۱۳۸۷ نیز از تعداد ۴۸۶,۷۳۱ مورد ازدواج ۳۷۶,۶۷۱ مورد (۷۷/۴ درصد) سن زوج از زوجه بیشتر بوده است، در همین سال تعداد ۵۹,۵۲۶ (۱۲/۲ درصد) مورد هم‌سن بوده‌اند در سال ۱۳۸۸ از تعداد ۸۹۰۲۰۸ مورد ازدواج در ۶۸۵۹۱۱ مورد (۷۷ درصد) سن زوج از زوجه بیشتر بوده است و در ۱۱۸۸۹۰ مورد (۱۲/۳۳ درصد) اختلاف سن زوج و زوجه صفر بوده است (نمودار ۶ و ۷).

بررسی‌ها نشان می‌دهند هر سال از فاصله سنی زوج به نسبت به زوج و از تعداد جمعیت زوج‌هایی که چند سال از زوجه بزرگ‌ترند، کاسته می‌شود.

۱. یافته‌های پیمایشی در ۲۸ استان کشور، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، زمستان ۱۳۸۲.

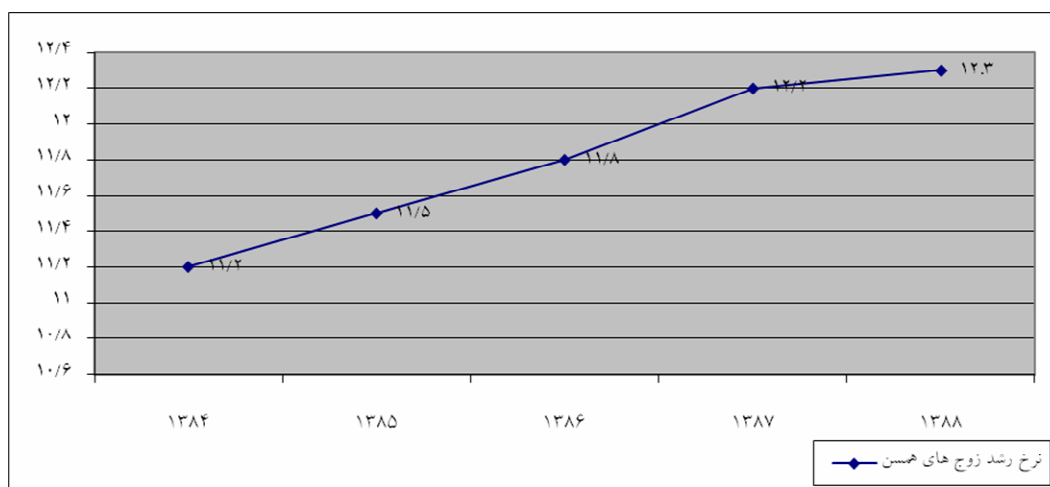


نمودار ۶. اختلاف سن زوج به زوجه (درصد)



مأخذ: تحلیلی از داده‌های آماری گزارش‌نگاهی آماری به اختلاف سن زوج و زوجه، سازمان ملی جوانان، سال ۱۳۸۷.

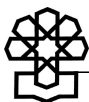
نمودار ۷. نرخ رشد زوج‌های هم‌سن (درصد)



مأخذ: همان.

وضعیت ازدواج

آمارهای ارائه شده درخصوص ازدواج طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۸ حاکی از آن است که نرخ رشد ازدواج در کل کشور طی این سال‌ها روند صعودی داشته است، ولی در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ نرخ رشد ازدواج چندان چشمگیر نبوده به‌طوری که نرخ رشد در سال ۱۳۸۸، ۳/۸ درصد نسبت به سال قبل کاهش نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۸ این نرخ در کل کشور معادل ۱ درصد رشد، در مناطق شهری (۱-) درصد کاهش و در مناطق روستایی ۵ درصد رشد داشته است (جدول ۸).



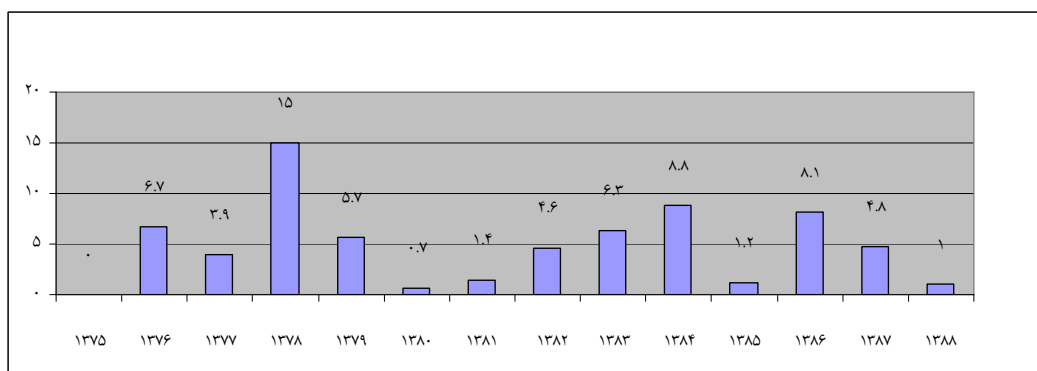
به نظر می‌رسد بیکاری، بالا بودن نرخ تورم، سختگیری خانواده‌ها، مادی شدن ارزش‌ها، نگاه منزلتی در جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به مسئله ازدواج، می‌تواند از مهمترین چالش‌ها و دغدغه‌های ازدواج جوانان در این سال‌ها باشد. نکته حائز اهمیت آن است که رشد ازدواج در کل کشور مدیون رشد مثبت نرخ در مناطق روستایی است که رشد منفی شهری را پوشش داده است.

جدول ۸. نرخ رشد ازدواج طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۷

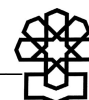
سال	ازدواج کل کشور	درصد رشد	شهری	درصد رشد	روستایی	درصد رشد
۱۳۷۰	۴۵۲۶۷۵	—	۳۱۴۸۹۳	—	۱۳۷۷۸۲	—
۱۳۷۵	۴۷۹۲۶۳	۵/۸	۳۵۷۱۳۸	۱۳/۴۲	۱۲۲۱۲۵	-۱۱/۳۶
۱۳۷۶	۵۱۱۴۰۱	۶/۷	۳۸۷۲۷۶	۸/۴۴	۱۲۴۱۲۵	۱/۶۴
۱۳۷۷	۵۳۱۴۹۰	۳/۹	۴۱۲۵۶۵	۶/۵۳	۱۱۸۹۲۵	-۴/۱۹
۱۳۷۸	۶۱۱۵۱۹	۱۵	۴۷۶۷۲۳	۱۵/۵۵	۱۳۴۷۹۶	۱۳/۳۵
۱۳۷۹	۶۴۶۴۹۸	۵/۷	۴۹۹۱۴۳	۴/۷۰	۱۴۷۳۵۵	۹/۳۲
۱۳۸۰	۶۴۱۹۴۰	-۰/۷	۴۹۶۲۲۹	-۰/۵۸	۱۴۵۷۱۱	-۱/۱۲
۱۳۸۱	۶۵۰۹۶۰	۱/۴	۵۱۳۷۷۲	۳/۵۴	۱۳۷۱۸۸	-۵/۸۵
۱۳۸۲	۶۸۱۰۳۴	۴/۶	۵۲۲۱۶۰	۱/۶۳	۱۵۸۸۷۴	۱۵/۸۱
۱۳۸۳	۷۲۳۹۷۶	۶/۳	۵۲۷۳۳۷	-۰/۹۹	۱۹۶۶۳۹	۲۳/۷۷
۱۳۸۴	۷۸۷۸۱۸	۸/۸	۵۵۸۵۸۲	۵/۹۳	۲۲۹۲۳۶	۱۶/۵۸
۱۳۸۵	۷۷۸۰۲۳	۱/۲	۵۵۶۶۵۸	-۰/۳۴	۲۲۱۳۶۵	-۳/۴۳
۱۳۸۶	۸۴۱۱۱۰	۸/۱	۶۰۲۳۰۹	۸/۲۰	۲۳۸۷۹۸	۷/۸۸
۱۳۸۷	۸۸۱۵۹۲	۴/۸	۶۳۳۱۷۹	۵/۱۳	۲۴۸۴۱۳	۴/۰۳
۱۳۸۸	۸۹۰۲۰۸	۱	۶۲۹۸۹۳	-۱	۲۶۰۳۱۵	۵

مأخذ: تحلیلی از داده‌های آماری سازمان ثبت احوال.

نمودار ۸. نرخ رشد ازدواج طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۸



مأخذ: همان، سال ۱۳۸۸.

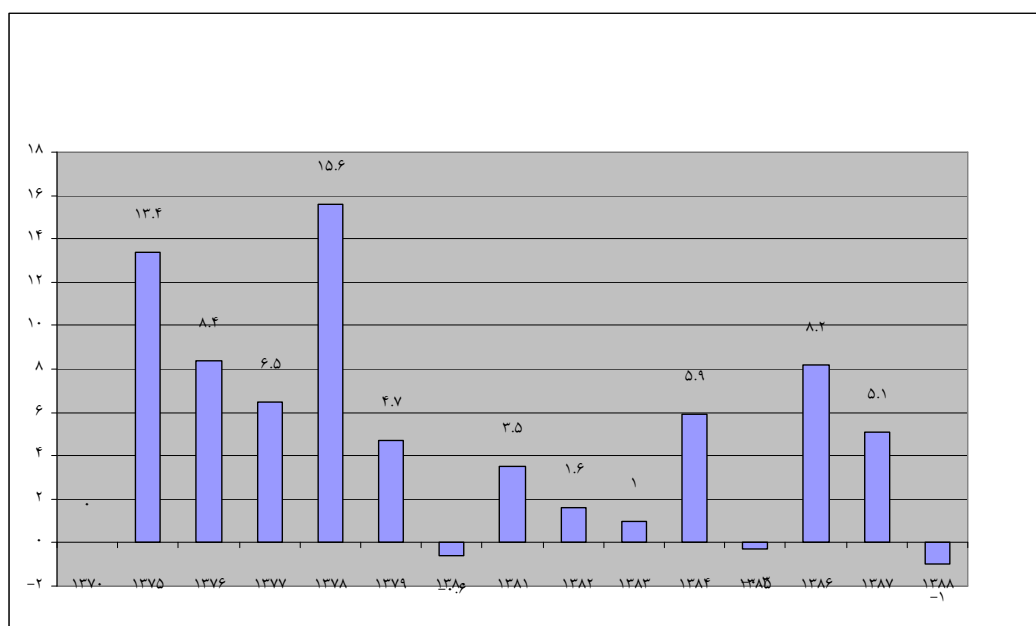


الف) نرخ رشد ازدواج شهری طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۸

آمارهای ارائه شده از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۸ نشان می‌دهند که بیشترین نرخ رشد ازدواج شهری در سال ۱۳۷۸ به میزان ۱۵/۵۵ درصد بوده است و کمترین میزان آن در سال ۱۳۸۸ با (-۱) درصد ثبت شده است.

به‌طور کلی وضعیت ازدواج در شهرها طی سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ از رشد کمتری برخوردار بوده است. این پدیده نیز متأثر از عواملی است که پیش‌تر و در بحث نرخ رشد ازدواج کل کشور به آنها اشاره شد (نمودار ۹).

نمودار ۹. نرخ رشد ازدواج شهری طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۸



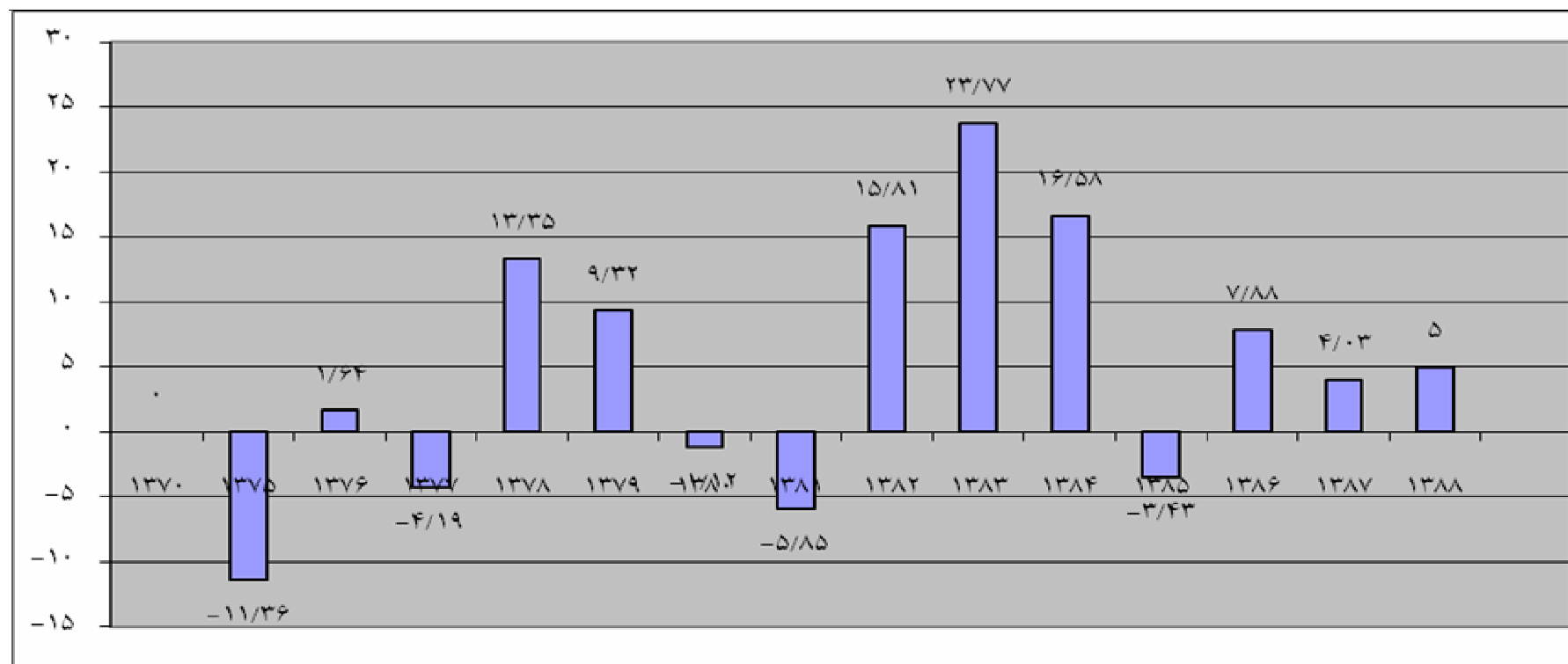
مأخذ: همان.

ب) نرخ رشد ازدواج روستایی طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۸

آمار ازدواج در مناطق روستایی طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۸ نشان می‌دهد، این نرخ در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۵ به‌ترتیب ۱۱/۳۶، ۴/۱۹، ۱/۱۲، ۵/۸۵ و ۳/۴۳ درصد کاهش داشته است. کاهش ازدواج در مناطق روستایی علل متعددی دارد، ولی به‌نظر می‌رسد، مهاجرت به‌شهرها به‌علت وجود بیکاری در روستاها مهمترین عامل ارزیابی می‌شود (نمودار ۱۰).



نمودار ۱۰. نرخ رشد ازدواج روستایی طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۸



مأخذ: همان.

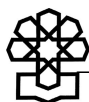


ج) نرخ رشد ازدواج طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۸ در استان‌های کشور

آمارهای ارائه شده در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ در استان‌های کشور نشان می‌دهند، بالاترین نرخ رشد ازدواج در سال ۱۳۸۷ به ترتیب مربوط به استان‌های فارس با ۱۱/۹۹ درصد، لرستان با ۱۱/۱۵ درصد، کهگیلویه و بویراحمد با ۹/۲۹ درصد و در مقابل استان‌های هرمزگان با ۷/۸۵ درصد، سیستان و بلوچستان با ۵ درصد و خراسان جنوبی با ۱ درصد شاهد کاهش نرخ ازدواج بوده‌اند. به نظر می‌رسد کاهش رشد ازدواج در این استان‌ها متأثر از بیکاری است (جدول ۹).

جدول ۹. نرخ رشد ازدواج طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۸ در استان‌های کشور

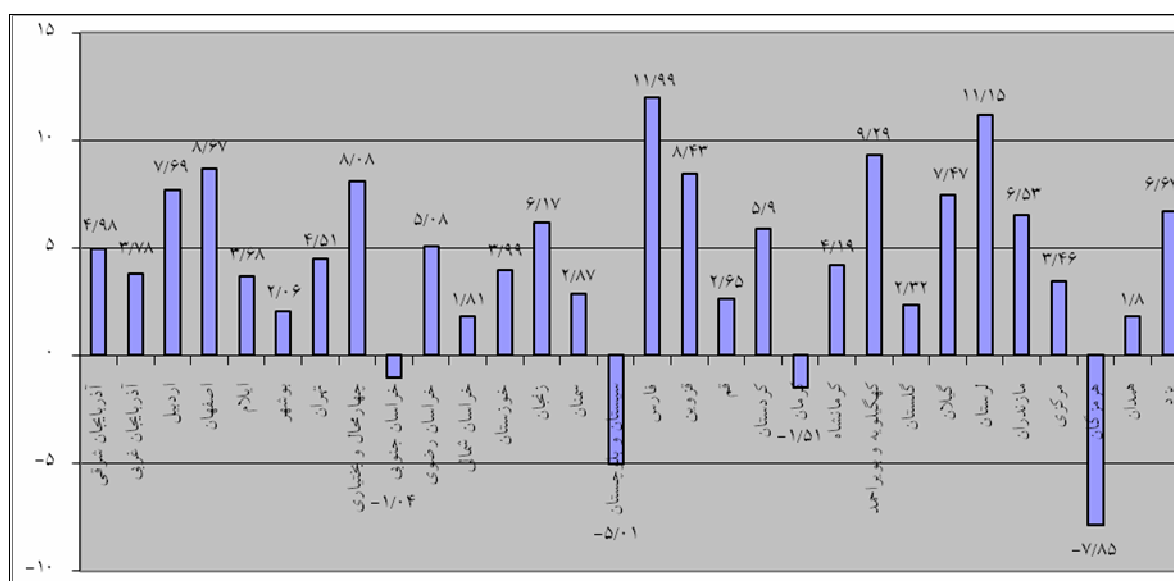
نام استان	ازدواج سال ۱۳۸۶	ازدواج سال ۱۳۸۷	درصد رشد	ازدواج سال ۱۳۸۸	درصد رشد نسبت به سال قبل
آذربایجان شرقی	۴۶۳۶۲	۴۸۶۷۳	۴/۹۸	۴۷۴۰۱	-۲/۶
آذربایجان غربی	۳۸۴۲۰	۳۹۸۷۴	۳/۷۸	۳۹۳۱۶	۰/۱
اردبیل	۱۷۰۱۷	۱۸۳۲۶	۷/۶۹	۱۸۶۱۵	۱/۶
اصفهان	۵۰۵۱۲	۵۴۸۹۰	۸/۶۷	۵۱۹۹۷	-۵/۳
ایلام	۶۱۳۵	۶۳۶۱	۳/۶۸	۶۵۴۶	۲/۹
بوشهر	۱۰۹۹۵	۱۱۲۲۱	۲/۰۶	۱۰۵۵۰	-۶/۰
تهران	۱۲۲۴۲۷	۱۲۷۹۵۴	۴/۵۱	۱۲۹۰۴۵	۰/۹
چهارمحال و بختیاری	۱۱۹۸۶	۱۲۹۵۵	۸/۰۸	۱۲۶۴۲	-۲/۴
خراسان جنوبی	۷۹۹۲	۷۹۰۹	-۱/۰۴	۷۹۳۸	۰/۴
خراسان رضوی	۷۶۸۴۴	۸۰۷۴۶	۵/۰۸	۷۸۴۶۹	-۲/۸
خراسان شمالی	۱۲۰۶۰	۱۲۲۷۸	۱/۸۱	۱۱۸۵۶	-۳/۴
خوزستان	۵۲۳۳۸	۵۴۴۲۵	۳/۹۹	۵۷۷۴۹	۶/۱
زنجان	۱۳۳۸۹	۱۴۲۱۵	۶/۱۷	۱۴۰۷۵	-۱/۰
سمنان	۶۰۸۷	۶۲۶۲	۲/۸۷	۶۱۶۵	-۱/۵
سیستان و بلوچستان	۲۵۸۸۰	۲۴۵۸۳	-۵/۰۱	۲۷۸۷۲	۵۴/۱
فارس	۵۴۷۵۷	۶۱۳۲۴	۱۱/۹۹	۶۱۵۵۲	۰/۴
قزوین	۱۳۴۹۵	۱۴۶۳۳	۸/۴۳	۱۳۸۹۵	-۵/۰
قم	۱۲۵۵۳	۱۲۸۸۶	۲/۶۵	۱۲۳۶۲	-۴/۱
کردستان	۱۹۶۶۷	۲۰۸۲۷	۵/۹۰	۲۰۶۴۸	-۰/۹
کرمان	۳۱۸۱۹	۳۱۳۳۷	-۱/۵۱	۳۱۱۱۸	-۰/۷
کرمانشاه	۲۲۶۶۳	۲۳۶۱۲	۴/۱۹	۲۴۸۳۶	۵/۲
کهگیلویه و بویراحمد	۷۸۲۶	۸۵۵۳	۹/۲۹	۸۸۷۹	۳/۸
گلستان	۲۲۷۲۶	۲۳۲۵۳	۲/۳۲	۲۴۵۱۵	۵/۴
گیلان	۲۸۷۱۵	۳۰۸۶۰	۷/۴۷	۳۰۵۹۳	-۰/۹
لرستان	۲۲۱۶۲	۲۴۶۳۲	۱۱/۱۵	۲۴۵۴۷	-۰/۳
مازندران	۳۶۶۷۴	۳۹۰۷۰	۶/۵۳	۳۵۹۸۷	-۷/۹



نام استان	ازدواج سال ۱۳۸۶	ازدواج سال ۱۳۸۷	درصد رشد	ازدواج سال ۱۳۸۸	درصد رشد نسبت به سال قبل
مرکزی	۱۵۴۶۹	۱۶۰۰۴	۳/۴۶	۱۶۱۶۷	۱/۰
هرمزگان	۱۸۴۲۵	۱۶۹۷۹	-۷/۸۵	۱۸۳۰۰	۷/۸
همدان	۲۳۵۱۵	۲۳۹۳۹	۱/۸۰	۲۳۵۰۰	-۱/۸
یزد	۱۲۱۹۷	۱۳۰۱۱	۶/۶۷	۱۳۰۷۳	۰/۵
کل کشور	۸۴۱۱۰۷	۸۸۱۵۹۲	۴/۸۱	۸۹۰۲۰۸	۱/۰

مأخذ: معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی، سال ۱۳۸۸.

نمودار ۱۱. نرخ رشد ازدواج در سال ۱۳۸۷ در استان‌های کشور



د) نرخ رشد ازدواج در سال ۱۳۸۸ در استان‌های کشور

بررسی آمار ازدواج استان‌ها در سال ۱۳۸۸ در مقایسه با سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد، نرخ رشد

ازدواج در سال ۱۳۸۸ بجز در هفت استان در ۲۳ استان دیگر منفی بوده است.

بالاترین نرخ رشد به‌ترتیب مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان با ۵۴/۱ درصد، هرمزگان با

۷/۸ درصد، خوزستان با ۶/۱ درصد، گلستان با ۵/۴ درصد، کرمانشاه با ۵/۲ درصد، کهگیلویه و

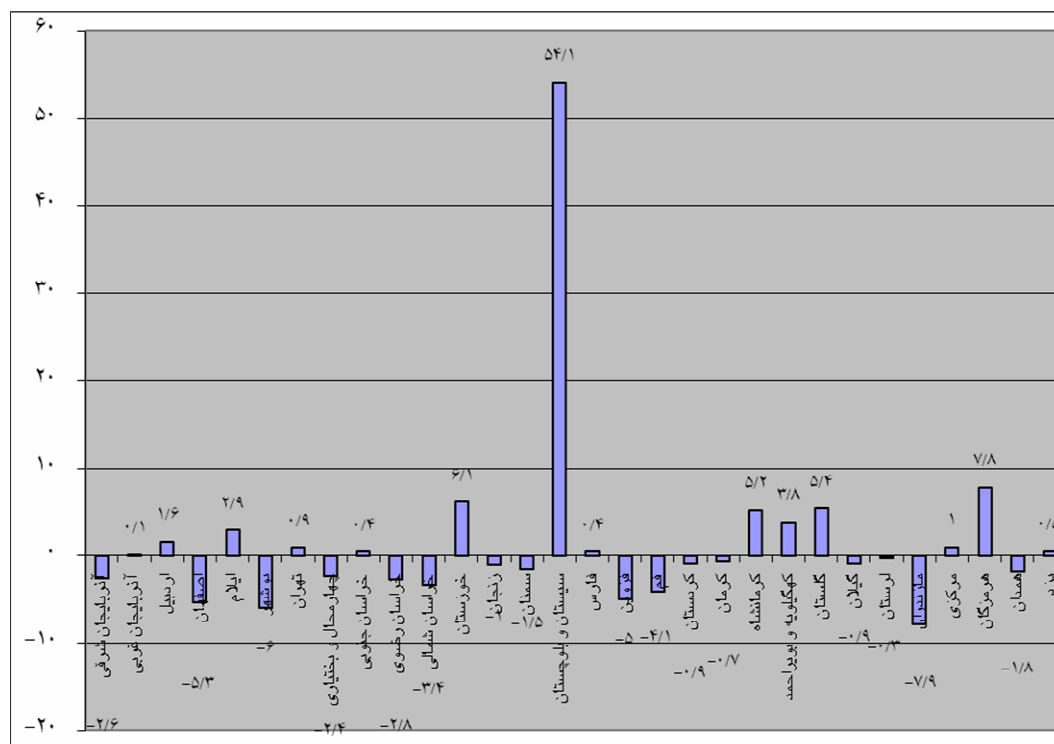
بویراحمد با ۳/۸ درصد است. استان‌هایی که دارای بیشترین کاهش هستند، به‌ترتیب مازندران با ۷/۹

درصد، بوشهر با ۶ درصد، اصفهان ۵/۳ درصد، قزوین با ۵ درصد، قم با ۴/۱ درصد، خراسان شمالی با

۳/۴ درصد می‌باشند. در این میان نرخ رشد ازدواج در تهران ۰/۹ درصد بوده است.



نمودار ۱۲. نرخ رشد ازدواج در سال ۱۳۸۸



طلاق

ازدواج‌هایی که به طلاق منجر می‌شوند، کاهش شدیدی در اعتماد به نفس اعضای خانواده به وجود می‌آورند. چنین کمبود می‌تواند ماهیتی اجتماعی، روانی یا جسمی داشته باشد. کاهش اعتماد به نفس در نتیجه طلاق منشأ مهم اختلالات اعضای خانواده در حین و بعد از طلاق است. نه تنها طلاق سطح اعتماد اعضای خانواده را کاهش می‌دهد، بلکه باعث می‌شود یکی از زوجها یا هر دو به‌طور قابل ملاحظه‌ای از زندگی خود احساس پوچی کنند. افراد از هم جدا شده، به‌علت کاهش اعتماد محتاج همیاری و کمک هستند. گذشته از این طلاق پدیده‌ای است که بر تمامی جوانب جمعیت یک جامعه اثر می‌گذارد، زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می‌نهد، یعنی واحد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده را از هم می‌پاشد و از طرف دیگر بر کیفیت جمعیت نیز تأثیر می‌گذارد، زیرا موجب می‌شود فرزندان محروم تحویل جامعه شوند که احتمالاً فاقد سلامت کافی روانی برای احراز مقام شهروندی یک جامعه هستند. بنابراین آسیب اجتماعی و فرهنگی ناشی از این اقدام نه تنها متوجه اعضای خانواده‌هاست، بلکه متوجه کل جامعه و نسل آینده می‌شود.



طلاق در اسلام

از آنجا که هدف دین مبین اسلام ایجاد پیوند میان افراد انسانی و تشکیل کانون‌های خانوادگی است، طلاق را که مخالف فطرت و طبیعت انسان و برخلاف قانون پیوند زن و مرد است، مورد نکوهش قرار داده و شایسته سرزنش می‌شمارد و آن را امری مغضوب خداوند معرفی کرده است. از طرفی باید گفت که اسلام مایل نیست که آرامش و آزادی انسان‌ها از بین رفته و در سختی به‌سر برند و هیچ وجدانی هم بر این مسئله رضایت نمی‌دهد؛ از این رو برخلاف مسیحیت که طلاق را ممنوع و تنها مقررات و شرایطی برای محدود ساختن آن وضع نموده تا میزان آن را به حداقل ممکن کاهش دهد، طلاق در اسلام ناشی از حاجت است نه اینکه به‌عنوان هدف باشد، زیرا همان‌گونه که گفته شد امر طلاق همواره مورد بغض و کینه الهی است.^۱

وضعیت طلاق

مسئله طلاق در جمهوری اسلامی ایران دارای ضوابط خاصی است، اگر کسی درخواست طلاق کند، طبق قانون حمایت از خانواده، باید فرآیند طولانی را طی کرده تا با صدور حکم دادگاه، طلاق صورت گرفته و رسمیت پیدا کند. ضمن اینکه در بحث طلاق مداخله‌ها و پادرمیانی‌های زیادی صورت می‌گیرد تا خانواده‌ها از هم نپاشند. از این حیث اگر طلاق هم مثل ازدواج با رضایت طرفین اتفاق می‌افتاد، شاید آمارها از نرخ رشد بیشتری برخوردار می‌شدند.

متأسفانه امروزه شاهد پدیده نگران‌کننده طلاق توافقی در جامعه هستیم. به گفته معاون قضایی رئیس کل دادگستری استان تهران، ۸۲ درصد طلاق‌های صورت گرفته در سال ۱۳۸۵ طلاق توافقی بوده (دانایی، ۱۳۸۸) و بیشتر این نوع طلاق، از سوی زنان درخواست شده است؛ عمده طلاق توافقی در میان جوانان رایج شده است.

نتایج کارشناسی مداخله به‌منظور کاهش طلاق از یک جامعه آماری ۲۹,۵۷۹ پرونده متقاضی طلاق خودمعرف در سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد^۲ که با مداخلات تخصصی مراکز مداخله در خانواده، زوجین مربوط به ۸۶۶۱ پرونده (۲۹/۳ درصد) سازش کرده‌اند، ۱۱۸۸۰ پرونده (۴۰/۲ درصد) برای انجام مراحل طلاق به قوه قضائیه ارجاع داده شده، تعداد ۳۱۶۳ مورد (۱۰/۷ درصد) به‌صورت مشروط سازش کرده‌اند، تعداد ۵۵۸۵ پرونده (۱۸/۹ درصد) نیز در دست اقدام است و تعداد ۲۹۰ مورد (۱ درصد) نیز عدم همکاری داشته‌اند.

۱. امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: ازدواج کنید ولی طلاق ندهید زیرا عرش الهی از طلاق به لرزه در می‌آید.

۲. داده‌های آماری معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی سال ۱۳۸۸.



در کل آنچه از بررسی نرخ رشد و میزان طلاق برمی آید، نوسان شدید نرخ رشد طلاق در سال‌های ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸ و نیز ۱۳۸۳ است. ممکن است علت این امر عدم ثبت دقیق میزان طلاق در سال‌های پایه و ثبت داده‌های این میزان در سال‌های بعدی باشد. اما نکته حائز اهمیت روند رو به رشد طلاق در طول سال‌های برنامه چهارم توسعه است. به نظر می‌رسد برای کنترل میزان طلاق سیاست‌های پیشگیرانه و کنترلی پاسخگو نبوده و در این خصوص نیاز جدی به برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و میان‌مدت احساس می‌شود.

بر طبق داده‌های جدول ۱۰، طی سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ شاهد کاهش شدید نرخ رشد طلاق بوده‌ایم. در سال ۱۳۷۱ قانون اصلاح مقررات راجع به طلاق مبنی بر گواهی عدم امکان سازش به صورت ماده واحده در مجمع تشخیص مصلحت نظام به منظور حمایت از خانواده به تصویب رسید که به موجب آن هر نوع درخواست زوجین مبنی بر جدایی از یکدیگر باید در دادگاه مدنی خاص مطرح شود، چنانچه اختلاف فی‌مابین از طریق دادگاه و حکمین حل و فصل نگردید، دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد.

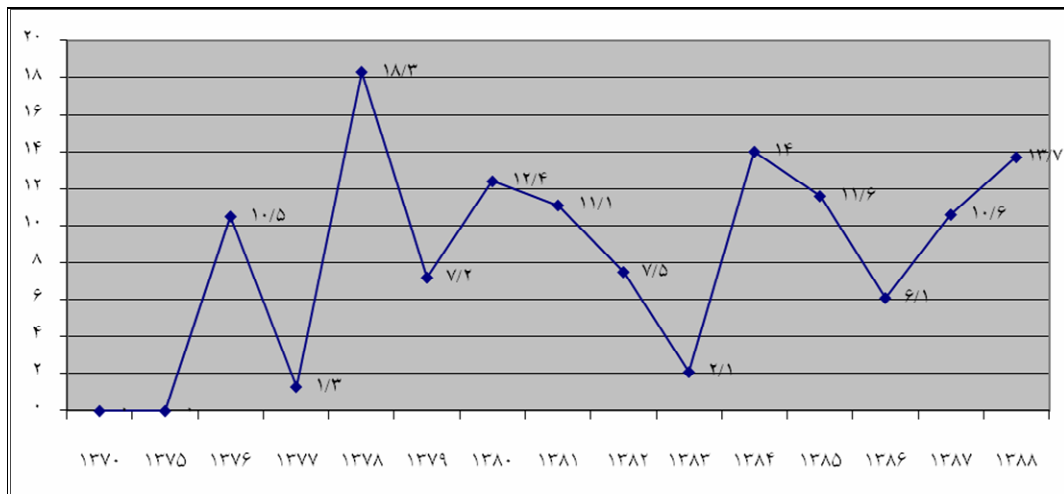
با وجود چنین قانونی که دقت لازم در اجرا را می‌طلبد، میزان طلاق کاهش چشمگیری نداشته تا اینکه در سال ۱۳۸۷ لایحه قانون حمایت خانواده جدید جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است.

جدول ۱۰. نرخ رشد طلاق کل کشور طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۸

سال	جمع		نرخ رشد طلاق طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۸		
	طلاق	درصد رشد	شهری	درصد رشد	روستایی
۱۳۷۰	۳۹۸۹۹	۰	۳۳۷۷۶	۰	۶۱۲۳
۱۳۷۵	۳۷۸۱۷	-۵/۲	۳۲۶۹۷	-۳/۱۹	۵۱۲۰
۱۳۷۶	۴۱۸۱۶	۱۰/۵	۳۶۴۵۹	۱۱/۵۱	۵۳۵۷
۱۳۷۷	۴۲۳۹۱	۱/۳	۳۷۶۲۶	۳/۲۰	۴۷۶۵
۱۳۷۸	۵۰۱۷۹	۱۸/۳	۴۵۲۷۴	۲۰/۳۳	۵۷۷۰
۱۳۷۹	۵۳۷۹۷	۷/۲	۴۷۹۳۶	۵/۸۸	۵۸۶۱
۱۳۸۰	۶۰۵۰۰	۱۲/۴	۵۴۵۳۶	۱۳/۷۷	۵۹۶۴
۱۳۸۱	۶۷۲۵۶	۱۱/۱	۶۱۰۷۴	۱۱/۹۹	۶۱۸۲
۱۳۸۲	۷۲۳۵۹	۷/۵	۶۴۲۱۳	۵/۱۴	۸۱۴۶
۱۳۸۳	۷۳۸۸۲	۲/۱	۶۳۴۰۶	-۱/۲۶	۱۰۴۷۶
۱۳۸۴	۸۴۲۴۱	۱۴	۷۰۰۲۳	۱۰/۴۴	۱۴۲۱۸
۱۳۸۵	۹۴۰۴۰	۱۱/۶	۷۸۸۰۱	۱۲/۵۴	۱۵۲۳۹
۱۳۸۶	۹۹۸۵۲	۶/۱	۸۴۱۲۰	۶/۷۴	۱۵۷۳۲
۱۳۸۷	۱۱۰۵۱۰	۱۰/۶	۹۳۴۹۶	۱۱/۱۴	۱۷۰۱۴
۱۳۸۸	۱۲۵۷۴۷	۱۳/۷	۱۰۶۵۰۲	۱۳/۹۱	۱۹۲۳۹



نمودار ۱۳. نرخ رشد طلاق کل کشور طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۸

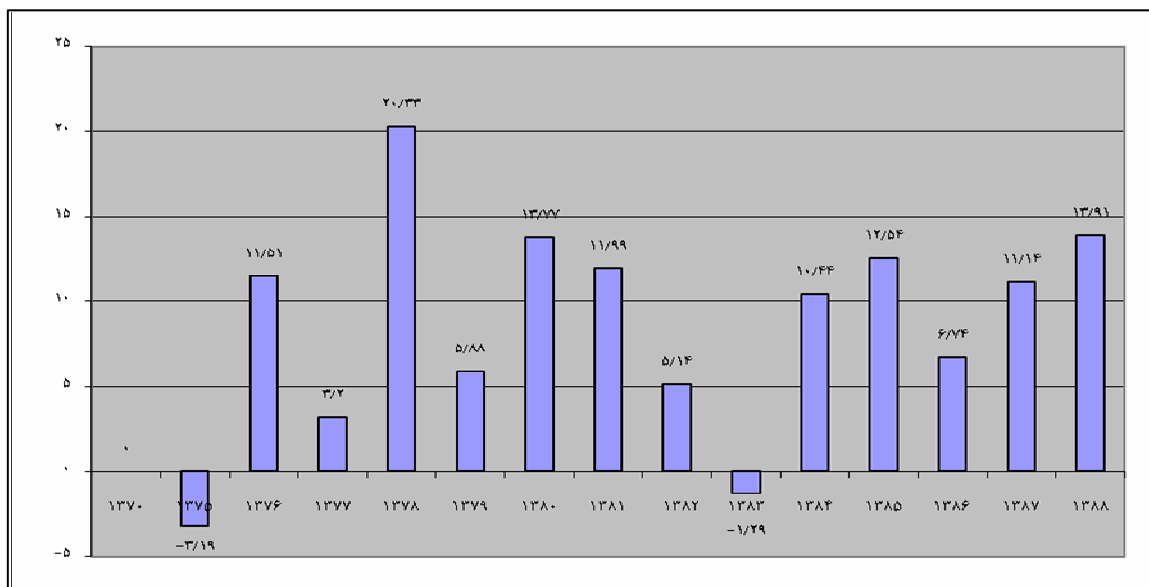


مأخذ: تحلیلی از داده‌های آماری سازمان ثبت احوال، سال ۱۳۸۸.

الف) نرخ رشد طلاق شهری در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۸

نرخ رشد طلاق شهری طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ اگرچه دارای نوسان شدید بوده، اما همواره روند صعودی داشته است. در سال ۱۳۸۳ نرخ رشد طلاق کاهش یافته، اما در سال‌های بعدی مجدداً شاهد افزایش این نرخ بوده است. بیشترین نرخ رشد طلاق به سال ۱۳۷۸ به میزان ۲۰/۳۳ درصد و کمترین میزان به سال ۱۳۷۵ با ۳/۱۹ درصد کاهش، تعلق دارد.

نمودار ۱۴. نرخ رشد طلاق شهری در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۸



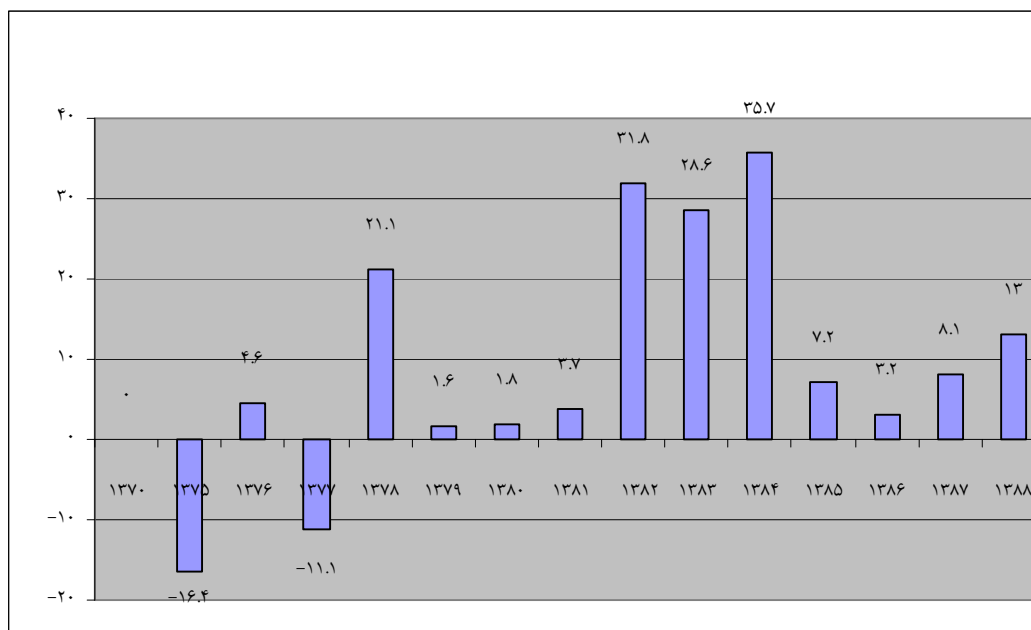
مأخذ: تحلیلی از داده‌های آماری معاونت آمار شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ۱۳۸۸.



ب) نرخ رشد طلاق روستایی در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۸

نرخ رشد طلاق در مناطق روستایی طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۷ نشان می‌دهد، طلاق از سال ۱۳۷۸ روند صعودی داشته است. بیشترین رشد طلاق در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۴ بوده است. این روند در سال ۱۳۸۷ با رشد ۸/۱ درصد مواجه شده است و در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال قبل ۱۳ درصد رشد را نشان می‌دهد. کمترین نرخ به سال ۱۳۷۵ با میزان ۱۶/۴ کاهش تعلق دارد.

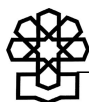
نمودار ۱۵. نرخ رشد طلاق روستایی در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۸



مأخذ: همان.

ج) نسبت طلاق به ازدواج از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۸ در کل کشور

آمارها نشان می‌دهند، نسبت طلاق به ازدواج از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۸ روند صعودی به‌خود گرفته است. به‌طوری که این روند از سال ۱۳۸۰ شدت بیشتری به‌خود گرفته و از هر ۱۰۰ ازدواج، ۹/۴ درصد طلاق به ۱۴/۳ درصد طلاق در سال ۱۳۸۸ افزایش یافته است. بیشترین نسبت طلاق به ازدواج مربوط به سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۸۷، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ و کمترین آن مربوط به سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۶ است (جدول ۱۱).



جدول ۱۱. نسبت طلاق به ازدواج در کل کشور از سال ۱۳۷۰-۱۳۸۸

سال	نسبت طلاق به ازدواج	
	ازدواج	طلاق
۱۳۷۰	۴۵۲۶۷۵	۳۹۸۹۹
۱۳۷۵	۴۷۹۲۶۳	۳۷۸۱۷
۱۳۷۶	۵۱۱۴۰۱	۴۱۸۱۶
۱۳۷۷	۵۳۱۴۹۰	۴۲۳۹۱
۱۳۷۸	۶۱۱۵۱۹	۵۰۱۷۹
۱۳۷۹	۶۴۶۴۹۸	۵۳۷۹۷
۱۳۸۰	۶۴۱۹۴۰	۶۰۵۰۰
۱۳۸۱	۶۵۰۹۶۰	۶۷۲۵۶
۱۳۸۲	۶۸۱۰۳۴	۷۲۳۵۹
۱۳۸۳	۷۲۳۹۷۶	۷۳۸۸۲
۱۳۸۴	۷۸۷۸۱۸	۸۴۴۴۱
۱۳۸۵	۷۷۸۰۲۳	۹۴۰۴۰
۱۳۸۶	۸۴۱۱۱۰	۹۹۸۵۲
۱۳۸۷	۸۸۱۵۹۲	۱۱۰۵۱۰
۱۳۸۸	۸۹۰۲۰۸	۱۲۵۷۴۷

مآخذ: تحلیلی از داده‌های آماری معاونت آمار شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ۱۳۸۸ و معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی و سازمان ثبت احوال.

د) وضعیت طلاق در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷

داده‌های آماری نشان می‌دهند که طلاق در سال ۱۳۸۷ در مقایسه با سال ۱۳۸۶ بجز در دو استان بوشهر با ۱/۵ درصد و کرمان با ۰/۰۷ درصد کاهش در ۲۸ استان دیگر کشور نرخ طلاق به‌شدت افزایش یافته است. بیشترین آمار افزایش طلاق به‌ترتیب مربوط به استان‌های ایلام با ۳۶ درصد، قزوین با ۲۲/۶ درصد، سیستان و بلوچستان با ۲۲/۴ درصد، خوزستان با ۲۲/۱ درصد، مازندران با ۲۰/۵ درصد، یزد با ۱۹/۹ درصد، چهارمحال و بختیاری با ۱۸/۱ درصد، قم با ۱۷/۳ درصد، آذربایجان شرقی با ۱۷/۳ درصد و گیلان با ۱۶/۹ درصد هستند.

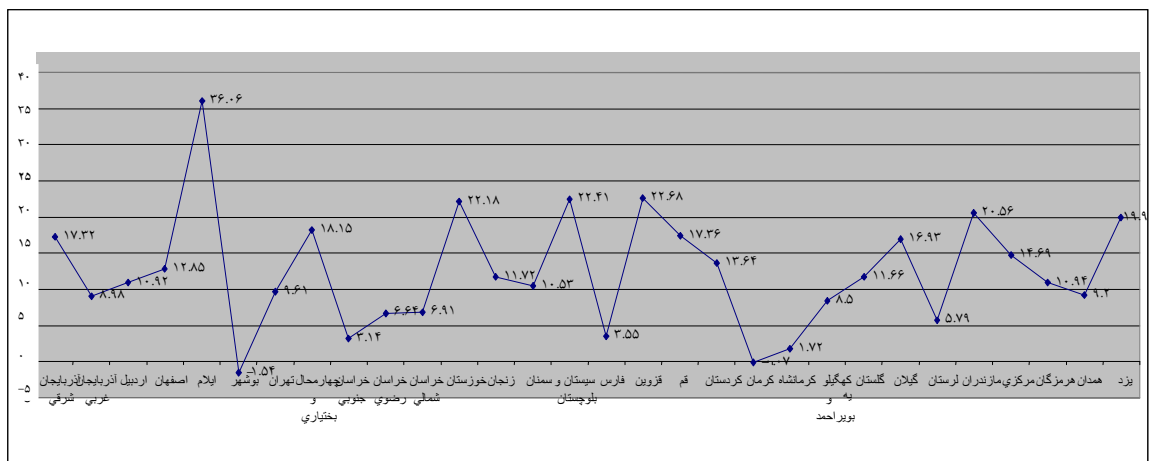


جدول ۱۲. نرخ رشد طلاق استان‌ها در سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸

نام استان	طلاق سال ۱۳۸۶	طلاق سال ۱۳۸۷	درصد رشد	طلاق سال ۱۳۸۷	طلاق سال ۱۳۸۸	رشد نسبت به سال قبل درصد
آذربایجان شرقی	۴۳۰۱	۵۰۴۶	۱۷/۳۲	۵۰۴۶	۵۹۵۷	۱۸/۰۵
آذربایجان غربی	۳۷۳۱	۴۰۶۶	۸/۹۸	۴۰۶۶	۴۵۲۲	۱۱/۲۱
اردبیل	۱۳۶۴	۱۵۱۳	۱۰/۹۲	۱۵۱۳	۱۶۰۴	۶/۰۱
اصفهان	۵۶۵۸	۶۳۸۵	۱۲/۸۵	۶۳۸۵	۷۲۲۸	۱۳/۲
ایلام	۲۶۹	۳۶۶	۳۶/۰۶	۳۶۶	۴۲۰	۱۴/۷۵
بوشهر	۱۲۳۶	۱۲۱۷	-۱/۵۴	۱۲۱۷	۱۳۱۳	۷/۸۹
تهران	۲۶۸۴۹	۲۹۴۲۹	۹/۶۱	۲۹۴۲۹	۳۴۲۹۹	۱۶/۵۵
چهارمحال و بختیاری	۵۵۱	۶۵۱	۱۸/۱۵	۶۵۱	۸۵۹	۳۱/۹۵
خراسان جنوبی	۵۷۳	۵۹۱	۳/۱۴	۵۹۱	۶۱۰	۳/۲۱
خراسان رضوی	۱۰۷۳۴	۱۱۴۴۷	۶/۶۴	۱۱۴۴۷	۱۲۶۳۳	۱۰/۳۶
خراسان شمالی	۹۷۰	۱۰۳۷	۶/۹۱	۱۰۳۷	۱۲۳۴	۱۹
خوزستان	۴۲۲۰	۵۱۵۶	۲۲/۱۸	۵۱۵۶	۵۹۶۷	۱۵/۷۳
زنجان	۱۲۲۰	۱۳۶۳	۱۱/۷۲	۱۳۶۳	۱۵۳۹	۱۲/۹۱
سمنان	۵۵۱	۶۰۹	۱۱/۷۲	۶۰۹	۶۶۰	۸/۳۷
سیستان و بلوچستان	۱۰۴۴	۱۲۷۸	۲۲/۴۱	۱۲۷۸	۱۳۷۴	۷/۵۱
فارس	۶۳۱۱	۶۵۳۵	۳/۵۵	۶۵۳۵	۷۶۶۷	۱۷/۳۲
قزوین	۱۲۵۲	۱۵۳۶	۲۲/۶۸	۱۵۳۶	۱۵۷۰	۲/۲۱
قم	۱۶۴۲	۱۹۲۷	۱۷/۳۶	۱۹۲۷	۲۱۴۷	۱۱/۴۲
کردستان	۲۷۷۸	۳۱۵۷	۱۳/۶۴	۳۱۵۷	۳۲۷۵	۳/۷۴
کرمان	۳۰۰۳	۳۰۰۱	-۰/۰۷	۳۰۰۱	۳۳۶۷	۱۲/۲
کرمانشاه	۳۵۵۴	۳۶۱۵	۱/۷۲	۳۶۱۵	۳۶۷۰	۱/۵۲
کهگیلویه و بویراحمد	۶۰۰	۶۵۱	۸/۵۰	۶۵۱	۶۷۶	۳/۸۴
گلستان	۱۶۲۱	۱۸۱۰	۱۱/۶۶	۱۸۱۰	۲۳۰۳	۲۷/۲۴
گیلان	۳۱۴۲	۳۶۷۴	۱۶/۹۳	۳۶۷۴	۴۶۰۸	۲۵/۴۲
لرستان	۲۱۲۵	۲۲۴۸	۵/۷۹	۲۲۴۸	۲۵۴۸	۱۳/۳۵
مازندران	۴۳۰۹	۵۱۹۵	۲۰/۵۶	۵۱۹۵	۵۶۷۱	۹/۱۶
مرکزی	۱۸۱۱	۲۰۷۷	۱۴/۶۹	۲۰۷۷	۲۳۹۸	۱۵/۴۵
هرمزگان	۱۲۹۸	۱۴۴۰	۱۰/۹۴	۱۴۴۰	۱۵۶۵	۸/۶۸
همدان	۲۴۶۸	۲۶۹۵	۹/۲۰	۲۶۹۵	۳۰۱۲	۱۱/۷۶
یزد	۶۶۳	۷۹۵	۱۹/۹۱	۷۹۵	۱۰۵۱	۳۲/۲
کل کشور	۹۹۸۵۲	۱۱۰۵۱۰	۱۰/۶۷	۱۱۰۵۱۰	۱۲۵۷۴۷	۱۳/۷۹

مأخذ: تحلیلی از داده‌های آماری معاونت امور اجتماعی سازمان بهزیستی.

نمودار ۱۶. نرخ رشد طلاق در سال ۱۳۸۷ در استان‌های کشور

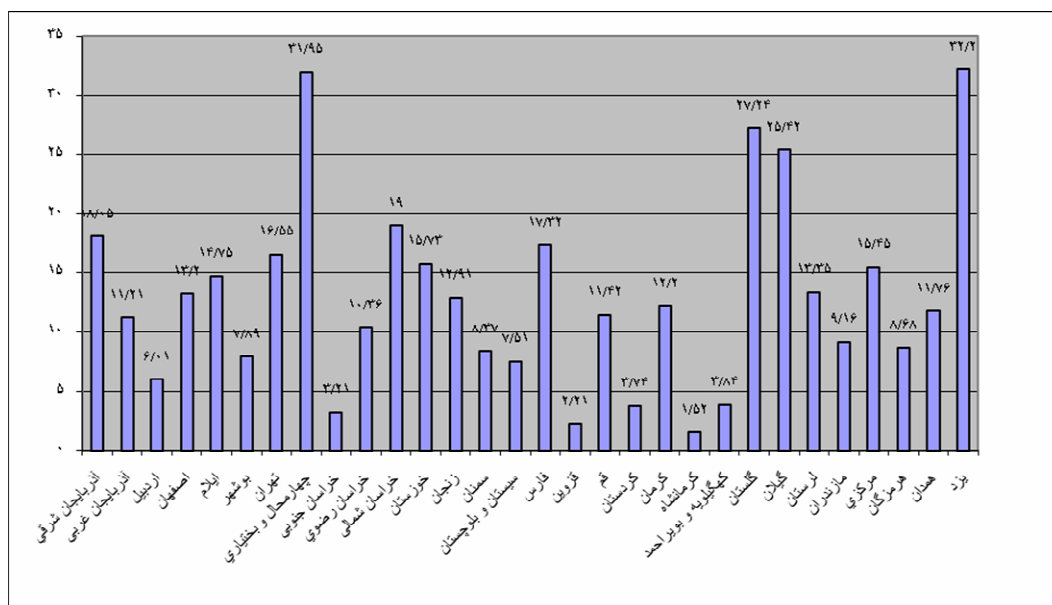


هـ) نرخ رشد طلاق استان‌ها در سال ۱۳۸۸

نرخ رشد طلاق در سال ۱۳۸۸ در استان‌های کشور نسبت به سال قبل روند صعودی را نشان می‌دهد. بجز استان‌های کرمانشاه با ۱/۵۲ درصد، قزوین با ۲/۲۱ درصد، خراسان جنوبی با ۳/۲۱ درصد، کردستان با ۳/۷۴ درصد و کهگیلویه و بویراحمد با ۳/۸۴ درصد، در مقایسه با دیگر استان‌ها (که با افزایش بالای آمار طلاق مواجهند) نرخ طلاق از رشد کمتری برخوردار است، در این میان استان یزد با ۳۲/۲ درصد، چهارمحال و بختیاری با ۳۱/۹۵ درصد، گلستان با ۲۷/۲۴ درصد و گیلان با ۲۵/۴۲ درصد رشد بیشترین نرخ طلاق را در بین استان‌های کشور به‌خود اختصاص داده‌اند، نرخ رشد طلاق در سال ۱۳۸۸ در تهران ۱۶/۵۵ درصد است (جدول ۱۲ و نمودار ۱۷).



نمودار ۱۷. نرخ رشد طلاق استان‌ها در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال قبل



آمار مقایسه‌ای ازدواج و طلاق استان‌ها سال ۱۳۸۸ - ۱۳۸۷

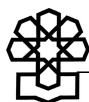
الف) تعداد ازدواج به‌ازای یک طلاق سال ۱۳۸۷

در بررسی تعداد ازدواج به‌ازای هر طلاق در استان‌های کشور در سال ۱۳۸۷ خوش‌بینانه‌ترین آمار به‌ترتیب مربوط به استان‌های چهارمحال و بختیاری با ۱۹/۹۰ ازدواج، سیستان و بلوچستان با ۱۹/۲۴ ازدواج، ایلام با ۱۷/۲۸ ازدواج، یزد با ۱۶/۳۷ ازدواج، کهگیلویه و بویراحمد با ۱۳/۱۴ گلستان با ۱۲/۸۵ ازدواج، خراسان جنوبی با ۱۲/۳۸ ازدواج، اردبیل با ۱۲/۱۱ ازدواج، در مقابل یک طلاق بوده است. به‌عبارتی تعداد طلاق در این استان‌ها در مقایسه با سایر استان‌های کشور کمتر بوده است.

در سال ۱۳۸۸ به‌ترتیب استان‌های سیستان و بلوچستان با ۲۷/۶، چهارمحال و بختیاری با ۱۴/۷، کهگیلویه و بویراحمد با ۱۳/۱۳، هرمزگان با ۱۴/۹، خراسان جنوبی با ۱۳ و یزد با ۱۲/۴ درصد ازدواج در مقابل یک طلاق، بهترین آمار را به‌خود اختصاص دادند.

در سال ۱۳۸۷ کمترین آمار مربوط به استان‌های تهران با ۴/۳۵ ازدواج، کرمانشاه با ۶/۵۳ ازدواج، کردستان با ۶/۶۰ ازدواج، قم با ۶/۶۹، خراسان رضوی با ۷ ازدواج، مازندران با ۷/۵۲ ازدواج در مقابل یک طلاق، بوده است. این استان‌ها در مقایسه با سایر استان‌ها بدترین وضعیت از نظر طلاق را دارا بوده‌اند.

در سال ۱۳۸۸ نیز به‌ترتیب استان‌های تهران با ۴، قم با ۵/۸، خراسان رضوی با ۶/۲، کردستان



با ۶/۳، مازندران با ۶/۳، گیلان با ۶/۶ و کرمانشاه با ۶/۷ ازدواج در مقابل یک طلاق بدترین وضعیت را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۱۳).

ب) رتبه استانی طلاق در ابتدای سال ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸

بالاترین رتبه استانی در سال ۱۳۸۷ مربوط به استان‌های تهران با ۱، کرمانشاه ۲، کردستان ۳، قم ۴، خراسان رضوی ۵، مازندران ۶ و مرکزی ۷ است. در سال ۱۳۸۸ نیز بالاترین رتبه مربوط به تهران ۱، قم ۲، خراسان رضوی ۳، کردستان ۴، مازندران ۵ و گیلان ۶ است (جدول ۱۳).

جدول ۱۳. آمار مقایسه‌ای ازدواج و طلاق استان‌ها در سال ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸

استان	سال ۱۳۸۷			سال ۱۳۸۸		
	ازدواج	طلاق	رتبه استانی تعداد ازدواج به‌ازای هر طلاق کشور	ازدواج	طلاق	رتبه استانی تعداد ازدواج به‌ازای هر طلاق کشور
آذربایجان شرقی	۴۸۶۷۳	۵۰۴۶	۹/۶۵	۴۷۴۰۱	۵۹۵۷	۸
آذربایجان غربی	۳۹۸۷۴	۴۰۶۶	۹/۸۱	۳۹۳۱۶	۴۵۲۲	۸/۷
اردبیل	۱۸۳۲۶	۱۵۱۳	۱۲/۱۱	۱۸۶۱۵	۱۶۰۴	۱۱/۶
اصفهان	۵۴۸۹۰	۶۳۸۵	۸/۶۰	۵۱۹۹۹۷	۷۲۲۸	۷/۲
ایلام	۶۳۶۱	۳۶۶	۱۷/۳۸	۶۵۴۶	۴۲۰	۱۵/۶
بوشهر	۱۱۲۲۱	۱۲۱۷	۹/۲۲	۱۰۵۵۰	۱۳۱۳	۸
تهران	۱۲۷۹۵۴	۲۹۴۲۹	۴/۳۵	۱۲۹۰۴۵	۳۴۲۹۹	۴
چهارمحال و بختیاری	۱۲۹۵۵	۶۵۱	۱۹/۹۰	۱۲۶۴۲	۸۵۹	۱۴/۷
خراسان جنوبی	۷۹۰۹	۵۹۱	۱۳/۳۸	۷۹۳۸	۶۱۰	۱۳
خراسان رضوی	۸۰۷۴۶	۱۱۴۴۷	۷/۰۵	۷۸۴۶۹	۱۲۳۳۳	۶/۲
خراسان شمالی	۱۲۲۷۸	۱۰۳۷	۱۱/۸۴	۱۱۸۵۶	۱۲۳۴	۹/۶
خوزستان	۵۴۴۲۵	۵۱۵۶	۱۰/۵۶	۵۷۷۴۹	۵۹۶۷	۹/۷
زنجان	۱۴۲۱۵	۱۳۶۳	۱۰/۴۳	۱۴۰۷۵	۱۵۳۹	۹/۱
سمنان	۶۲۶۲	۶۰۹	۱۰/۲۸	۶۱۶۵	۶۶۰	۹/۳
سیستان و بلوچستان	۲۴۵۸۳	۱۲۷۸	۱۹/۲۴	۳۷۸۷۲	۱۳۷۴	۲۷/۶
فارس	۶۱۳۲۴	۶۵۳۵	۹/۳۸	۶۱۵۵۲	۷۶۶۷	۸
قزوین	۱۴۶۳۳	۱۵۳۶	۹/۵۳	۱۳۸۹۵	۱۵۷۰	۸/۹
قم	۱۲۸۸۶	۱۹۲۷	۶/۶۹	۱۲۳۶۲	۲۱۴۷	۵/۸
کردستان	۲۰۸۲۷	۳۱۵۷	۶/۶۰	۲۰۶۴۸	۳۲۷۵	۶/۳
کرمان	۳۱۳۳۷	۳۰۰۱	۱۰/۴۴	۳۱۱۱۸	۳۳۶۷	۹/۲
کرمانشاه	۲۳۶۱۲	۳۶۱۵	۶/۵۳	۲۴۸۳۶	۳۶۷۰	۶/۷
کهگیلویه و بویراحمد	۸۵۵۳	۶۵۱	۱۳/۱۴	۸۸۷۹	۶۷۶	۱۳/۱
گلستان	۲۳۲۵۳	۱۸۱۰	۱۲/۸۵	۲۴۵۱۵	۲۳۰۳	۱۰/۶
گیلان	۳۰۸۶۰	۳۶۷۴	۸/۴۰	۳۰۵۹۳	۴۶۰۸	۶/۶
لرستان	۲۴۶۳۲	۲۲۴۸	۱۰/۹۶	۲۴۵۴۷	۲۵۴۸	۹/۶
مازندران	۳۹۰۷۰	۵۱۹۵	۷/۵۲	۳۵۹۸۷	۵۶۷۱	۶/۳



سال ۱۳۸۸				سال ۱۳۸۷				استان
رتبه استانی طلاق در کشور	تعداد ازدواج به ازای هر طلاق	طلاق	ازدواج	رتبه استانی طلاق در کشور	تعداد ازدواج به ازای هر طلاق	طلاق	ازدواج	
۸	۶/۷	۲۳۹۸	۱۶۱۶۷	۷	۷/۷۱	۲۰۷۷	۱۶۰۰۴	مرکزی
۲۴	۱۱/۷	۱۵۶۵	۱۸۳۰۰	۲۱	۱۱/۷۹	۱۴۴۰	۱۶۹۷۹	هرمزگان
۱۰	۷/۸	۳۰۱۲	۲۳۵۰۰	۱۰	۸/۸۸	۲۶۹۵	۲۳۹۳۹	همدان
۲۵	۱۲/۴	۱۰۵۱	۱۳۰۷۳	۲۷	۱۶/۳۷	۷۹۵	۱۳۰۱۱	یزد
—	۷/۱	۱۲۵۷۴۷	۸۹۰۲۰۸	—			۸۸۱۵۹۲	کل کشور

مأخذ: همان.

ج) نسبت طلاق به ازدواج در استان‌های کشور طی سال ۱۳۸۱-۱۳۸۸

نسبت طلاق به ازدواج در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۱ نشان می‌دهد نرخ طلاق در طی این سال‌ها روندی صعودی داشته است به طوری که از هر صد ازدواج در استان‌های کشور بیشترین طلاق به ترتیب در استان‌های تهران ۲۶/۸۱، قم ۱۶/۶۶، کردستان ۱۵/۷۲، خراسان رضوی ۱۵/۶۵، کرمانشاه ۱۵/۵۴، گیلان ۱۴/۹۳ و مرکزی ۱۴/۹۸ مورد ثبت شده است. در کل کشور نیز سال ۱۳۸۸ با ۱۴/۲۶ طلاق از هر صد ازدواج در مقایسه با دیگر سال‌ها بیشترین نسبت را به خود اختصاص داده است (جدول ۱۴).

جدول ۱۴. نسبت طلاق به ازدواج در استان‌های کشور طی سال ۱۳۸۱-۱۳۸۸

نام استان	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱
آذربایجان شرقی	۱۲/۲۴	۱۰/۳۷	۹/۲۸	۹/۱	۷/۹	۸/۶	۸/۱	۸/۶
آذربایجان غربی	۱۱/۳۴	۱۰/۲۰	۹/۷۱	۹/۸	۸/۸	۸	۷/۸	۹/۱
اردبیل	۸/۷۵	۸/۲۶	۸/۰۲	۹	۷/۶	۶/۹	۷	۶/۷
اصفهان	۱۳/۱۷	۱۱/۶۳	۱۱/۲	۱۲/۸	۱۰/۳	۱۰/۷	۱۳/۳	۹/۷
ایلام	۶/۶۰	۵/۷۵	۴/۳۸	۴/۳	۴	۳/۴	۳/۸	۵/۴
بوشهر	۱۱/۷۰	۱۰/۸۵	۱۱/۲۴	۱۳/۳	۱۱/۴	۱۰/۴	۱۰/۲	۱۰
تهران	۲۶/۸۱	۲۳	۲۱/۹۳	۲۱/۴	۱۸/۹	۱۷/۳	۱۸/۲	۱۷/۹
چهارمحال و بختیاری	۶/۶۳	۵	۴/۶۰	۴/۸	۴/۶	۴/۴	۳/۷	۴/۳
خراسان جنوبی	۷/۷۱	۷/۴۷	۷/۱۷	۶/۹	۶/۹	۵/۶	×	×
خراسان رضوی	۱۵/۶۵	۱۴/۱۸	۱۳/۹۷	۱۲/۷	۱۱	۱۰/۷	۱۰/۶	۱۰/۲
خراسان شمالی	۱۰	۸/۴۵	۸/۰۴	۸	۶/۷	۶/۵	×	×
خوزستان	۱۰/۹۶	۹/۴۷	۸/۰۶	۹	۷/۱	۷/۹	۹/۱	۸/۵
زنجان	۱۰/۸۳	۹/۵۹	۹/۱۱	۹/۱	۸/۳	۷/۶	۶/۷	۷/۸
سمنان	۱۰/۵۴	۹/۷۳	۹/۰۵	۹/۵	۸/۷	۸/۴	۷/۴	۶/۸
سیستان و بلوچستان	۵/۵۹	۵/۲۰	۴/۰۳	۴/۴	۴/۶	۴/۵	۴	۴/۶
فارس	۱۲/۵۰	۱۰/۶۶	۱۱/۵۳	۱۱/۳	۱۰/۷	۱۰/۳	۱۰/۲	۹/۵
قزوین	۱۰/۷۳	۱۰/۵۰	۹/۲۸	۹/۵	۸/۳	۸	۷	۶/۵



نام استان	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱
قم	۱۶/۶۶	۱۴/۹	۱۳/۰۸	۱۴/۶	۱۲/۸	۱۲/۵	۱۳/۱	۱۳
کردستان	۱۵/۷۲	۱۵/۱	۱۴/۱۳	۱۴/۴	۱۲/۸	۱۱/۷	۱۰/۸	۱۰/۶
کرمان	۱۰/۷۴	۹/۵	۹/۴۴	۸/۸	۸/۱	۶/۶	۷/۸	۷/۳
کرمانشاه	۱۵/۵۴	۱۵/۳	۱۵/۶۵	۱۵/۷	۱۴/۷	۱۳/۲	۱۲/۷	۱۳/۳
کهگیلویه و بویراحمد	۷/۹۰	۷/۶	۷/۶۷	۷/۶	۶/۹	۶/۱	۶/۳	۶/۷
گلستان	۹/۹۰	۷/۷	۷/۱۳	۷	۵/۶	۵/۵	۵/۶	۶/۱
گیلان	۱۴/۹۳	۱۱/۹	۱۰/۹۴	۱۱/۴	۹	۸/۴	۷/۴	۷/۳
لرستان	۱۰/۳۴	۹/۱	۹/۵۹	۹/۲	۸/۴	۸/۴	۸/۲	۷/۵
مازندران	۱۴/۵۱	۱۳/۲	۱۱/۷۵	۱۱/۹	۱۰/۳	۸/۸	۹/۱	۹
مرکزی	۱۴/۹۸	۱۲/۹	۱۱/۷۱	۱۳	۱۲/۸	۱۱/۵	۱۱	۱۰/۴
هرمزگان	۹/۲۲	۸/۴	۷/۰۴	۹	۹/۱	۸/۳	۸/۸	۱۰/۲
همدان	۱۲/۵۸	۱۱/۲	۱۰/۵۰	۱۱/۲	۹/۹	۹/۴	۸/۷	۹/۲
یزد	۸	۶/۱	۵/۴۴	۴/۹	۵	۴/۶	۴/۷	۴/۵
کل کشور	۱۴/۲۶	۱۲/۵	۱۱/۸۷	۱۲	۱۰/۶	۱۰/۲	۱۰/۶	۱۰/۳

مأخذ: تحلیلی از داده‌های آماری معاونت امور اجتماعی سازمان بهزیستی.

علل طلاق

طلاق مانند هر پدیده دیگر اجتماعی دارای علل مختلف است که بدون بررسی دقیق و کارشناسانه، جلوگیری از چنین پدیده‌ای بسیار مشکل خواهد بود. لذا قبل از هر اقدامی در این زمینه لازم است تا علل آن دقیقاً شناسایی و سپس نسبت به پیشگیری و کنترل آن اقدام شود. براساس تحقیقات و بررسی‌های به عمل آمده، مهمترین دلایل طلاق را می‌توان در حوزه‌های زیر جستجو کرد.

الف) علل فردی

عواملی همچون عقیم بودن مرد و نازایی زن، عدم تفاهم زوجین، پرتوقع بودن، عدم مسئولیت‌پذیری، تفاوت سنی زیاد، عدم ارضای نیازهای جنسی زوجین، زیاده‌خواهی، مدگرایی، عدم درک متقابل و... از مهمترین علل فردی طلاق هستند.

ب) علل فرهنگی

عدم همسانی در ازدواج (هم‌کفو نبودن) به‌ویژه در زمینه‌های تحصیلی، سنی، فرهنگی، مذهبی، شغلی، هوشی، نژادی، زبانی، کاهش قیاحت طلاق، عدم توجه به ازدواج سنتی مبتنی بر باورها و ارزش‌های ملی - مذهبی، بالا رفتن سطح سواد و افزایش آگاهی زنان از حقوق خود، عدم آشنایی با



وظایف از سوی زوجین، تأثیر رسانه‌ها و فیلم‌های غیراخلاقی، رواج دوستی‌های خیابانی، نگاه مردسالارانه جامعه نسبت به زنان، به هم ریختگی و نابسامانی روابط خانوادگی و عدم انسجام خانواده‌ها، مدگرایی، ضعف اعتقادات و باورهای دینی و... از مهمترین علل فرهنگی طلاق هستند.

ج) علل اجتماعی

اعتیاد، دخالت‌های بی‌مورد اقوام و آشنایان، عدم بلوغ فکری، ازدواج‌های اجباری، مردسالاری، مشکلات روحی و روانی زوجین، کاهش روحیه از خودگذشتگی در زوجین، خشونت و بدرفتاری، تشریفات ازدواج و افراط و تفریط در آن، نبود سیستم مشاوره مناسب، فقدان سیستم حمایت اجتماعی، چشم و همچشمی و... از مهمترین علل اجتماعی طلاق هستند.

د) علل اقتصادی

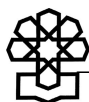
بیکاری، فقر مالی خانواده‌ها، تورم، اختلاف طبقاتی، چندشغله بودن مرد، دوری از خانواده و فشارهای کاری و عدم وقت کافی برای خانواده، عدم امنیت شغلی، درآمد کم، استقلال مالی زوجین به‌ویژه زنان، هزینه‌های بالای زندگی و توقعات بیش از حد زوجین از مهمترین علل اقتصادی طلاق هستند.

بررسی علل طلاق از نظر کارشناسان مراکز مشاوره

الف) مهمترین علل طلاق

براساس بررسی‌های به‌عمل آمده بر روی یک جامعه آماری ۲۹۵۷۹ نفر از مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره کشور در سال ۱۳۸۷ (۲۳/۲ درصد خودمعرف، ۵۳ درصد از طریق دادگستری، ۲۰/۸ درصد از طریق شورای حل اختلاف، ۰/۴۸ درصد از طریق مرکز مشاوره، ۱/۷۲ درصد از طریق خط تلفن ۱۲۳، ۱/۲۴ درصد از طریق خدمات اورژانس اجتماعی و ۰/۵۶ درصد سایر موارد) از بین ۳۹ عامل دخیل در پدیده طلاق، هفت عامل (اعتیاد با ۱۳/۴ درصد، دخالت اطرافیان با ۸/۵ درصد، عدم مسئولیت‌پذیری همسر با ۸/۵ درصد، عدم تسلط به تکنیک حل مسئله با ۶/۸ درصد، بیکاری شوهر با ۶ درصد، اختلاف طبقاتی با ۴/۱ درصد و عدم بلوغ فکری با ۳/۸ درصد) از مهمترین عوامل طلاق در کشور تلقی شده‌اند (جدول ۱۵).

۱. این آمار بدون احتساب آمار استان آذربایجان شرقی است.



جدول ۱۵. مهمترین علت درخواست طلاق از نظر کارشناسان مراکز مشاوره

ردیف	مهمترین علت درخواست طلاق از نظر کارشناس	تعداد	درصد
۱	حساسیت‌های مرضی زن یا مرد	۵۶	۰/۲
۲	تعدد نقش‌های زن در خانواده و اجتماع	۱۳۳	۰/۵
۳	وجود فرهنگ زن‌سالاری در خانواده	۱۴۸	۰/۵
۴	عدم تقویت و اکتساب هوش هیجانی	۱۵۴	۰/۵
۵	وابستگی‌های مرضی	۱۵۵	۰/۵
۶	هذیان و بی‌وفایی (حسادت)	۱۵۸	۰/۵
۷	حساسیت	۱۶۷	۰/۶
۸	حساس بودن زن یا مرد	۱۷۳	۰/۶
۹	عقده حقارت یا خودبرتربینی	۲۸۹	۱
۱۰	وجود فرهنگ مردسالاری در خانواده	۳۵۷	۱/۲
۱۱	بیماری‌های شدید روانی	۳۷۸	۱/۳
۱۲	عدم کنترل تکانه*	۳۹۲	۱/۳
۱۳	افسردگی	۴۰۸	۱/۴
۱۴	لجبازی	۴۲۴	۱/۴
۱۵	وسواس‌های فکری یا عملی	۴۳۷	۱/۵
۱۶	عدم بلوغ اجتماعی	۴۶۲	۱/۶
۱۷	تفاوت تیپ‌های شخصیتی	۴۷۳	۱/۶
۱۸	سایر	۴۷۵	۱/۶
۱۹	اختلالات جنسی	۵۳۹	۱/۸
۲۰	ازدواج بر مبنای مادیات	۵۴۹	۱/۹
۲۱	انحرافات جنسی	۵۵۳	۱/۹
۲۲	مزاج عصبی	۵۶۶	۱/۹
۲۳	عدم یادگیری رفتارهای دلپذیر	۶۲۷	۲/۱
۲۴	عدم بلوغ عاطفی	۶۳۵	۲/۲
۲۵	پر خاشگری انفعالی	۶۶۷	۲/۳
۲۶	اختلالات شخصیتی	۶۷۵	۲/۳
۲۷	درخواست یا گرفتن مهریه	۶۸۳	۲/۳
۲۸	طلاق عاطفی	۶۹۰	۲/۳
۲۹	عدم تقویت مهارت انطباقی و انعطاف‌پذیری	۷۱۳	۲/۴
۳۰	عدم حمایت روانی - عاطفی	۷۳۷	۲/۵
۳۱	عدم آشنایی با روان‌شناسی و نیازهای جنس مخالف	۷۶۶	۲/۶
۳۲	پایین بودن آستانه تحمل	۸۲۴	۲/۸
۳۳	عدم بلوغ فکری	۱۱۳۴	۳/۸
۳۴	اختلاف طبقاتی و اجتماعی	۱۲۲۴	۴/۱
۳۵	بیکاری مرد	۱۷۶۵	۶
۳۶	عدم تسلط به تکنیک حل مسئله	۲۰۱۰	۶/۸



ردیف	مهمترین علت درخواست طلاق از نظر کارشناس	تعداد	درصد
۳۷	عدم مسئولیت‌پذیری همسر**	۲۵۰۵	۸/۵
۳۸	دخالت اطرافیان	۲۵۲۳	۸/۵
۳۹	اعتیاد	۳۹۵۵	۱۳/۴
	جمع	۳۹۵۷۹	۱۰۰

مأخذ: همان.

* نوعی رفتار عصبی توأم با خشونت و تنش‌های عصبی است.

** به‌نظر می‌رسد شاخص نرخ بیکاری ۱۰/۴ درصدی و با توجه به نرخ بالای تورم ۲۵/۴ درصد^۱ در

سال ۱۳۸۷ با عدم مسئولیت‌پذیری همسر که به‌عنوان دومین دلیل طلاق اعلام شده می‌تواند ارتباط مستقیم داشته باشد.

ب) درخواست‌کنندگان طلاق

از تعداد ۲۹۵۷۹ مورد درخواست‌کننده طلاق، ۴۴/۱ درصد توسط زوجه، ۲۴ درصد توسط زوج و ۳۲ درصد به‌طور مشترک از سوی زوجین بوده است.

ج) سن زوج هنگام مراجعه برای طلاق به مراکز مشاوره

اطلاعات آماری جدول ۱۶ نشان می‌دهد از تعداد ۲۹۵۷۹ نفر زوج مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در گروه‌های سنی، بیشترین آمار (۶۷/۱ درصد) مربوط به گروه سنی جوانان ۱۵-۲۹ سال است. گروه سنی ۲۵-۲۹ سال با ۲۵/۲ درصد، گروه سنی ۲۰-۲۴ سال با ۲۲ درصد و گروه سنی ۳۰-۳۴ سال با ۱۷/۶ درصد بیشترین درصد را به‌خود اختصاص داده‌اند (جدول ۱۶).

جدول ۱۶. گروه‌های سنی مراجعه‌کننده زوج به مراکز مشاوره در سال ۱۳۸۷

سن زوج	تعداد	درصد
زیر ۱۵	۵۹۳	۲
۱۷-۱۵	۱۲۶۸	۴/۳
۱۹-۱۸	۱۷۰۸	۵/۸
۲۴-۲۰	۶۵۱۱	۲۲
۲۹-۲۵	۷۴۴۳	۲۵/۲
۳۴-۳۰	۵۲۱۳	۱۷/۶
۳۹-۳۵	۳۴۹۷	۱۱/۸
۴۰ و بیشتر	۳۳۴۶	۱۱/۳
جمع	۲۹۵۷۹	۱۰۰

مأخذ: همان.



د) سن زوجه هنگام مراجعه برای طلاق به مراکز مشاوره

اطلاعات آماری جدول ۱۷ نشان می‌دهد در گروه‌های سنی از تعداد ۲۹۵۷۹ نفر زوجه مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره بیشترین آمار (۸۱/۱ درصد) مربوط به گروه سنی ۱۵-۳۴ سال است. گروه سنی ۲۰-۲۴ سال با ۲۱/۹ درصد، گروه سنی ۲۵-۲۹ سال با ۱۹/۵ درصد و گروه سنی ۳۰-۳۴ سال با ۱۴ درصد، بیشترین آمار را به خود اختصاص دادند (جدول ۱۷).

جدول ۱۷. گروه‌های سنی مراجعه‌کننده زوجه به مراکز مشاوره در سال ۱۳۸۷

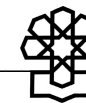
سن زوجه	تعداد	درصد
زیر ۱۵	۱۱۳۷	۳/۸
۱۵-۱۷	۳۴۰۰	۱۱/۵
۱۸-۱۹	۳۰۶۸	۱۰/۴
۲۰-۲۴	۶۴۷۸	۲۱/۹
۲۵-۲۹	۵۷۷۰	۱۹/۵
۳۰-۳۴	۴۱۵۴	۱۴
۳۵-۳۹	۲۸۸۰	۹/۷
۴۰ و بیشتر	۲۶۹۲	۹/۱
جمع	۲۹۵۷۹	۱۰۰

مأخذ: همان.

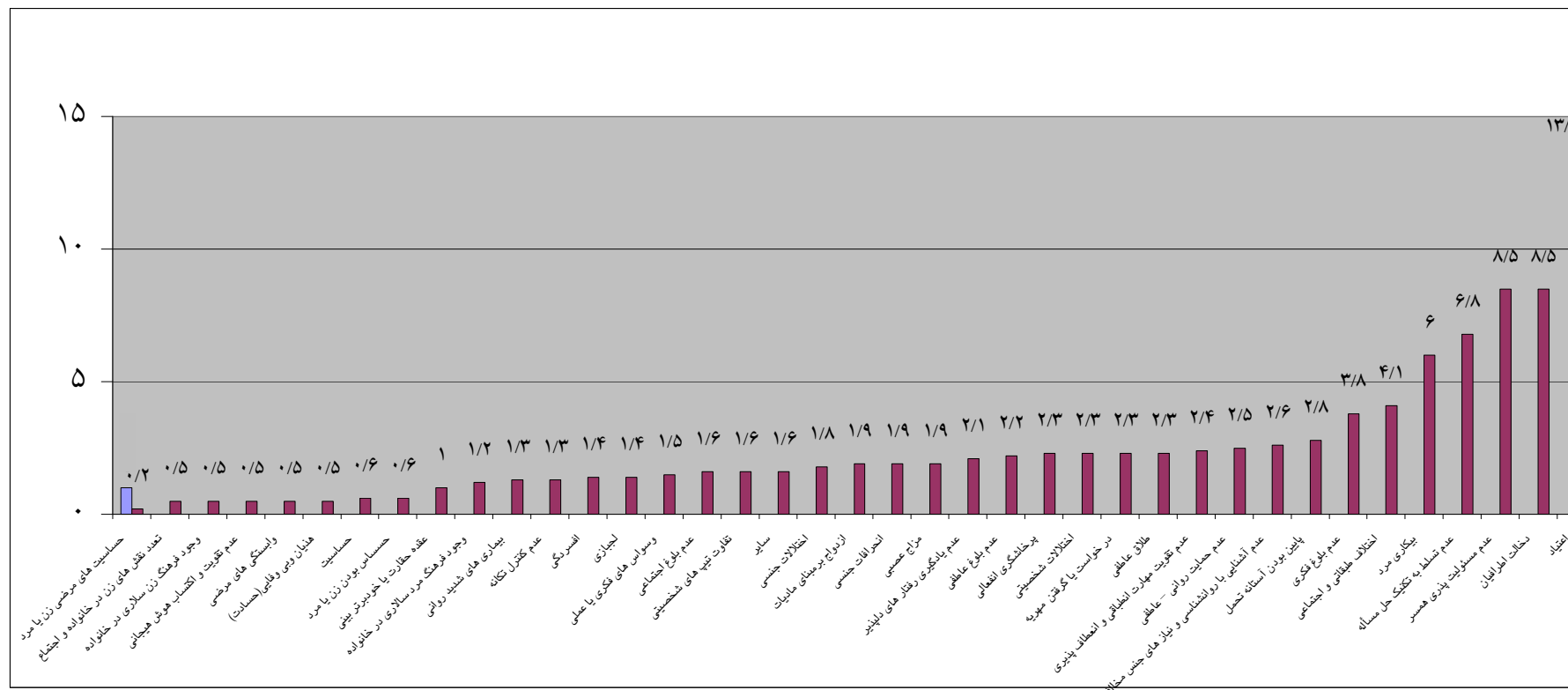
ه) میزان تأثیر خدمات مشاوره‌ای در کاهش طلاق در مراکز مشاوره

نتایج کارشناسی مداخله به‌منظور کاهش طلاق از یک جامعه آماری ۲۹۵۷۹ پرونده متقاضی طلاق خودمعرف در مراکز مشاوره در سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که با مداخلات تخصصی و کارشناسی کارشناسان مراکز مداخله در خانواده، ۸۶۶۱ پرونده (۲۹/۳ درصد) سازش کرده‌اند. ۱۱۸۸۰ پرونده (۴۰/۲ درصد) برای انجام طلاق به قوه قضائیه ارجاع داده شده، تعداد ۳۱۶۳ مورد (۱۰/۷ درصد) مشروط سازش کرده‌اند. تعداد ۵۵۸۵ پرونده (۱۸/۹ درصد) در دست اقدام است و تعداد ۲۹۰ مورد (۱ درصد) عدم همکاری داشته‌اند.

نگاهی گذرا به نتایج بررسی فوق نشان می‌دهد، ارائه خدمات تخصصی به زوج و زوجه در مراکز مشاوره می‌تواند درصد قابل توجهی از آمار طلاق (حداقل ۴۰ درصد) را کاهش دهد.



نمودار ۱۸. مهمترین علت درخواست طلاق از نظر کارشناسان مشاوره



مأخذ: همان.

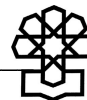


عواقب و پیامدهای طلاق

الف) سرپرستی زنان

خانواده‌های با سرپرست زن نوعی از خانواده‌ها هستند که به جهت بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی ناشی از طلاق همسر و دیگر علت‌ها از دیرباز در جامعه وجود داشته‌اند. افزایش این خانواده‌ها در سال‌های اخیر به تبع افزایش دیگر پدیده‌های اجتماعی همچون اعتیاد و بیکاری همسر توجه‌برانگیز است. اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان‌دهنده آن است که بالغ بر ۱۰ درصد از خانوارهای کشور را زنان سرپرستی می‌کنند. به عبارت دیگر از هر ده خانوار کشور، یک خانوار را زنان اداره می‌کنند. داده‌های آماری حاکی از افزایش خانوارهای زن سرپرست در سه دهه اخیر است. البته ویژگی‌های فرهنگی و عرفی حاکم نیز ممکن است منجر به کم‌شماری زنان سرپرست خانواده شود و قطعاً آمار سرشماری رقم واقعی زنان سرپرست خانوار را در کشور نشان نمی‌دهد. براساس سرشماری ۱۳۸۵ نسبت خانوارهای دارای سرپرست زن با افزایش سن سرپرست افزایش می‌یابد و بخش عمده‌ای از آنان در سنین بالای ۶۵ سال قرار دارند. این‌گونه خانواده‌ها با از دست دادن مرد خانواده اصطلاحاً نان‌آور خود را از دست می‌دهند و گاه مجبور می‌شوند از دیگر وابستگان نیز سرپرستی کنند.

علیرغم رویکرد کلی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نسبت به قشرهای آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر از جمله زنان سرپرست خانوار در قوانین کلان از جمله قانون اساسی (اصول دهم، بیستم، بیست‌ویکم و بیست‌ونهم)، سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، قانون ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی و ظرفیت‌های قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای طرح نظام جامع تأمین اجتماعی برای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار همچنان این زنان در کشور با چالش‌های توجه‌برانگیزی مواجهند. درحالی که براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد کل این زنان ۱۶۴۱۰۴۴ نفر با فرض کم‌شماری برآورد شده است، مسئولیت پوشش بیمه‌ای زنان سرپرست خانوار فاقد تمکن، برعهده کمیته امداد و بهزیستی گذاشته شده و طبق اطلاعات وزارت رفاه و تأمین اجتماعی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی در سال ۱۳۸۵ برابر با ۱۴۷۰۰۰ نفر و تعداد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد در همین سال برابر با ۸۴۱۶۳۹ نفر بوده است. به عبارت دیگر مجموعاً ۹۸۸۶۳۹ نفر زن سرپرست خانوار فاقد تمکن مالی در سال ۱۳۸۵ تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار داشته‌اند و مبرهن است که شرط بهره‌مندی زنان از حمایت‌های بیمه‌ای سازمان‌های حمایتی نیز عدم تمکن مالی سرپرستی و عائله‌مندی است؛ لذا لازم است به پوشش جامع تأمین اجتماعی آنان در برنامه‌ریزی‌ها توجه ویژه‌ای معطوف شود. همچنین از آنجایی که طبق سرشماری



سال ۱۳۸۵ نسبت خانوارهای دارای سرپرست زن با افزایش روبرو است بخش قابل توجهی از آنان در سنین بالای ۶۵ سال قرار دارند که این روند نیز نسبت به سالهای قبل درحال افزایش است؛ توجه به کاهش توانمندیها و امکانات آنان در سنین بالاتر و تدوین برنامههای مناسب برای آنان امری مهم جلوه می‌نماید و در مجموع در صورتی که به این موارد توجه نگردد با توجه به روند رو به رشد متغیرهای متداخل در افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار (طلاق، اعتیاد و...) نهاد خانواده و اجتماع با تهدیدهای دیگری مواجه می‌شود؛ ازجمله افزایش تکدیگری، اعتیاد، کودکان خیابانی، فرار از منزل، زنان خیابانی، خودکشی و افزایش آمار مفاسد اخلاقی و... (موحدی، ۱۳۸۸).

ب) تزلزل در نهاد خانواده

افزایش آمار طلاق در کشور و ادامه روند فعلی مشکلاتی را برای خانواده و اجتماع به همراه خواهد داشت. ازجمله می‌توان به مواردی دیگر از آسیب‌های اجتماعی همچون قاچاق زنان و دختران، کم شدن ازدواج دختران، طلاق و افت تحصیلی فرزندان و... اشاره کرد. همچنین افزایش میزان طلاق به تدریج قبح اجتماعی آن را کاهش می‌دهد و اعتماد اجتماعی را که از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی است، سلب می‌کند (موحدی، ۱۳۸۸).

ج) تغییرات ساختاری خانواده

بدون تردید تغییر در ساختار خانواده به تبع تغییر در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است و همین تغییرات گسترده آسیب‌های کارکردی را برای خانواده در پی داشته است. برای بررسی دقیق‌تر عوامل آسیب‌زا در نهاد خانواده می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد که بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند:

۱. دسته اول افراد تشکیل‌دهنده خانواده هستند که به دلیل ضعف در مهارت‌ها و انحراف در نگرش‌ها به خانواده آسیب می‌زنند.
۲. دسته دوم انحراف در ساختارهای مدیریتی حقوقی و اخلاقی خانواده را شامل می‌شود.
۳. دسته سوم انحراف در دیگر نظام‌های اجتماعی مؤثر بر خانواده است. اولین و مهمترین عامل تغییر نگرش بسیاری از مردم به زندگی است. پاره‌ای از نگرش‌های جدید در بین زنان و مردان مشترک است:

- کمرنگ شدن عنصر ایمان و تقدم منافع دنیوی بر کسب رضایت الهی،

- اصالت یافتن لذات مادی بر لذت‌های معنوی،

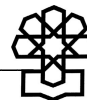
- فردگرایی و توجه به منافع فردی به جای ایثار و فداکاری و توجه به منافع خانواده به عنوان یک کل،



- افزایش زمینه برای برقراری روابط خارج از چارچوب ازدواج،
- رسوخ ارزش‌های مدرن و آموزه‌های فمینیستی در باور مردم،
- افزایش ناسازگاری‌ها و کاهش تحمل افراد در مواجهه با کاستی‌ها و مشکلات معمول زندگی خانوادگی،
- مادران موفقیت‌های شغلی را بر نگهداری از کودکان خود ترجیح می‌دهند و نگران آسیب‌های روحی و عاطفی خانواده نیستند،
- پدران از تمام مسئولیت‌های پدری به کسب درآمد اکتفا می‌کنند و آن را نیز به مرور زمان بین خود و همسران‌شان تقسیم می‌کنند،
- زنان ترجیح می‌دهند تا بعد از طی کردن مدارج ترقی و کسب جایگاه برابر، ازدواج را به تأخیر بیندازند،
- مردان به دلیل کمرنگ شدن فرهنگ عفاف نیاز کمتری به تشکیل خانواده حس می‌کنند،
- کمرنگ شدن عنصر ایمان به همراه ترویج فرهنگ مصرف‌زدگی و زیاده‌خواهی، قناعت را از دایره ارزش‌ها خارج می‌کند و قباحت کسب مال حرام برای بسیاری از بین می‌رود،
- سیستم اقتصادی نیز به رواج این موضوع کمک کرده و تیرگی و قساوت قلب و هدایت‌ناپذیری را در افراد خانواده و جامعه رقم می‌زند.

عامل اصلی پیدایش چنین پیامدهایی فقدان مهارت‌ها و آگاهی‌های لازم برای افراد در مسائل جنسی و روابط خانوادگی است که به گفته کارشناسان سهم عمده‌ای از آسیب‌ها را به خود اختصاص داده است. در گذشته خانواده تنها مرجع انتقال این مهارت‌ها و آگاهی‌ها بود، اما پیچیدگی اوضاع زندگی امروز و به‌دنبال آن کمرنگ شدن نقش خانواده در انتقال مهارت‌ها و عدم برنامه‌ریزی نهادها و سازمان‌های متولی، در این زمینه خلأ جدی به‌وجود آورده است.

عامل آسیب‌زای دیگر انحراف از ساختارهای خانواده متعادل اسلامی است. به‌طور کلی ساختار روشن و منسجمی از متون دینی اجتهاد نشده، اما شاخصه‌هایی برای ساختار خانواده دینی در روایات و آیات آمده است که نقاط انحراف را روشن می‌کند. یک نمونه رواج ساختار اقتدار عرضی یا دمکراسی در خانواده است که پدر و مادر و فرزندان را در یک سطح از تصمیم‌گیری قرار می‌دهد و در نتیجه هیچ‌کس مجاز به دخالت در امور دیگری با اعمال نظر خاص نیست. درحالی که ساختار خانواده دینی به‌صورت طولی و با ریاست مرد و حیطه گسترده مسئولیت‌های او به همراه توصیه‌های اخلاقی تعریف شده است. این تغییر ساختاری در دیگر نقاط جهان نیز اتفاق افتاده و بررسی در مورد پیامدهای آن نتایج بعضاً متناقضی از آثار مثبت و منفی نشان داده است. با توجه به حساسیت و تأثیرگذاری و چالش‌برانگیز بودن این موضوع در کشور ما ضروری است تحقیقات دقیقی در این باره به‌عمل آید. لازم به‌ذکر است که تغییر نگرش‌هایی که در زنان و مردان جامعه رخ



داده و آموزه‌های مدرنی که باور نسل‌های جدید را شکل داده بدون شک بر ذائقه افراد تأثیر می‌گذارد و ساختارهای متناسب با این باورها را طلب می‌کند. به همین دلیل است که گاه برابری نقش‌های زن و مرد با تمام مشقت جسمی و روحی که بر زنان حمل می‌کند و آسیبی که به کانون خانواده می‌زند همچنان مطلوب آرمانی گروهی از زنان است (موحدی، ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

از آنجایی که آمار ازدواج در کشور هر سال نسبت به سال قبل روند نزولی به‌خود گرفته است و با توجه به اینکه حدود ۱۷ میلیون^۱ جوان (۹ میلیون پسر و ۸ میلیون دختر گروه سنی ۲۰-۲۹ سال) آماده ازدواج در سال ۱۳۸۷ در کشور وجود دارد، این امر زنگ هشدار است که نیاز فوری به اتخاذ تصمیم درست، به‌موقع و همکاری دلسوزانه همه متولیان امر و خانواده‌ها را دارد. در مقابل نیز آمار طلاق سیر صعودی به‌خود گرفته و در حال حاضر حدود ۶ میلیون^۲ زن مطلقه در کشور وجود دارند و هر روز این آمار بیشتر می‌شود.

تدبیر مسئولان امر در این مورد بسیار حائز اهمیت است، متولیان امر ضمن توجه جدی و عاجل به اشتغال و ازدواج جوانان با فراهم کردن نیازهای اولیه و ارائه آموزش مهارت‌های زندگی به این قشر در قبل، حین و بعد ازدواج، از آسیب‌پذیری بیشتر جامعه و از هم پاشیدن بنیان خانواده جلوگیری کنند. زیرا بیشترین طلاق در پنج سال اول زندگی اتفاق می‌افتد اکثر آنها توافقی است. برای جلوگیری از طلاق‌های توافقی ضروری است تا در لایحه پیشنهادی ازسوی دولت (حمایت از خانواده) تجدید نظر شده و بندهایی بر آن اضافه شود.

به‌نظر می‌رسد فرهنگ اصیل اسلامی و عرف حاکم بر جامعه ایرانی، رفته‌رفته دستخوش تغییر و تحولات می‌شود و به‌دلیل گسترش و نفوذ رسانه‌ها، تعارض فکری در بین نسل جوان امروزی با نسل گذشته ایجاد شده و جوانان امروزی را دچار نوعی بحران هویت کرده است که با آموزش مهارت‌های زندگی و دادن مشاوره و تقویت نهاد خانواده می‌توان بخشی از این آسیب‌ها را کنترل کرد.

عدم تعادل جمعیت که نتیجه مولید دهه ۱۳۶۰ است، امروزه جامعه را با خیل عظیمی از جوانان گروه سنی ۲۰-۲۹ سال آماده ازدواج مواجه ساخته است، براین‌اساس شناخت عوامل اصلی عدم ازدواج به‌موقع جوانان (که در مبحث ازدواج به آنها اشاره شد) و رفع مشکلات آنها با برنامه‌ریزی

۱. به نقل از مدیر کل فرهنگی سازمان ملی جوانان و زهره طیب‌زاده رئیس سابق مرکز امور زنان و خانواده، سال ۱۳۸۸.

۲. گزارش رئیس مجتمع قضایی شماره ۲ دو خانواده در همایشی که در مرکز همایش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد، سایت تابناک، ۱۳۸۸/۱۰/۲.



کوتاهمدت و بلندمدت از اساسی‌ترین وظایف حاکمیت قلمداد می‌شود.

از طرفی عدم تفکیک وظایف و درهم‌آمیختگی نقش‌ها در نهادها و سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی در فرآیند ازدواج جوانان، نوعی ابهام را به وجود آورده است، به طوری که اگر سیاست‌ها و برنامه‌های ازدواج و اشتغال در دستگاه‌ها تفکیک و شفاف‌سازی شود، به طور مسلم اثربخشی بهتری نیز خواهند داشت.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهند که هم تأخیر در ازدواج و هم رشد طلاق‌های صورت گرفته، هریک به نوعی به معضل بیکاری و مشکل اقتصادی برمی‌گردد. ایجاد اشتغال پایدار واقعی و تخصیص صحیح اعتبارات به حوزه‌های کارآفرینی از جمله مواردی است که می‌تواند در موضوع ازدواج بسیار تأثیرگذار باشد. با دادن فرصت اشتغال به جوانان (پسران) به آنها هویت بخشیده و آنان را برای تشکیل زندگی تشویق می‌کند.

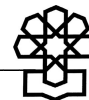
امروزه مسئله بیکاری و ازدواج جوانان به حوزه‌های سیاسی و انتخاباتی نیز کشیده شده است به طوری که اگر کسی در شعارهای خود موضوعاتی نظیر رفع بیکاری و ازدواج جوانان را داشته باشد، بیشترین آرا را کسب خواهد کرد. اهمیت این مسئله در آن است که اگر توجه جدی در این خصوص نشود، ممکن است فرصت‌طلبان با سوءاستفاده از مسئله بیکاری و عدم ازدواج جوانان در جهت رسیدن به اهداف امنیتی برآیند.

همچنین مسئولان با ارائه خدمات و بسترسازی بیشتر برای ایجاد اشتغال و ازدواج جوانان و نیز خانواده‌ها با تغییر نگرش به مقوله ازدواج و نهادینه کردن توجه به آموزه‌های دین اسلام و تبعیت از دستورات پیشوایان دینی می‌توانند در فرهنگ‌سازی و توسعه ازدواج مطابق با عرف و فرهنگ کشور نقش بسزایی ایفا کنند.

پیشنهادهای راهبردها

۱. موالد

راهبردها: بر مبنای قانون تنظیم خانواده و جمعیت محروم کردن فرزندان و مادران ایشان از حمایت‌های دولت، با وظایف مسلمی که قانون اساسی برعهده دولت گذارده است، منافات دارد. زیرا برطرف کردن محرومیت‌های اقتصادی، تعمیم بیمه و به خصوص برخورداری از حمایت‌های تأمین اجتماعی، بنا به تصریح بند «۱۲» از اصل سوم و اصل بیست‌ونهم قانون اساسی، حقی است که تمام افراد جامعه از آن برخوردارند. ضمن اینکه بنا به تأکید اصل بیست‌ویکم، دولت موظف به حمایت از مادران به‌ویژه در دوران بارداری و حضانت کودک است، بدون اینکه تفاوتی میان فرزندان و



شماره آنها باشد (مرکز انجمن‌های تخصصی، ۱۳۸۸).

از دیگر الزامات، توجه خاص به مناطق مرزی است. برنامه‌های کنترل جمعیت اساساً مورد پذیرش اهل سنت قرار نمی‌گیرد و شاهد رشد روزافزون جمعیت در این مناطق هستیم. بنابراین خانواده‌های شیعه با وجود فشارهای اقتصادی حاصل از محدودیت‌هایی چون محرومیت‌های قانون تنظیم خانواده نیاز به حمایت‌های ویژه‌ای از سوی دولت شیعی دارند، تا برای حفظ اقتدار و ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران، مذهب رسمی کشور همچنان پاینده بماند.

۲. ازدواج و طلاق

۲-۱. راهبردها

با توجه به رشد پیوسته و صعودی طلاق، دو محور راهبردی در سیاستگذاری‌های میان‌مدت و بلندمدت الزامی است. محور نخست در این خصوص می‌تواند شامل:

اجرای جدی «سیاست‌های تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده»- مصوب شورای فرهنگی، اجتماعی زنان و شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد که براساس آن مقرر است برنامه‌های اجرایی آن سیاست‌ها، ازجمله آموزش‌های خانواده از مهدکودک تا بعد از تشکیل خانواده و مشاوره قبل از ازدواج به‌عنوان راهکاری مؤثر در تقویت بنیان خانواده و کاهش طلاق در طرحی جامع توسط دستگاه‌های مربوط به اجرا درآید.

و محور دوم که شامل لزوم تصویب و اجرای دقیق لایحه حمایت از خانواده است که برطبق گزارش شور دوم این لایحه و برمبنای مواد (۱۹) و (۲۰) از فصل دوم، ایجاد مراکز مشاوره خانواده در حوزه‌های قضایی و ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین با هدف سعی در ایجاد سازش، مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین براساس تبصره ماده (۲۰)، دادگاه با در نظر گرفتن نظریه کارشناسی مراکز مشاوره خانواده به صدور رأی مبادرت می‌کند، مگر آنکه نظریه مزبور را برخلاف اوضاع و احوال مسلم قضیه تشخیص دهد.

به‌نظر می‌رسد با تصویب و اجرا شدن این لایحه، علاوه بر حل و فصل کارشناسانه بسیاری از اختلافات میان زوجین، از حجم و ترافیک کاری دادگاه‌های خانواده نیز کاسته شود.

۲-۲. پیشنهاد‌های فرهنگی

- تشکیل شورای ملی سلامت خانواده به‌منظور سیاستگذاری و برنامه‌ریزی لازم برای کنترل مشکلات و مسائل مبتلابه خانواده‌ها.

- اجباری کردن آموزش‌های قبل از ازدواج برای جوانان و ارائه گواهینامه پایان دوره برای دفاتر ثبت ازدواج.



- آموزش افزایش مهارت‌های روابط اجتماعی دختران و پسران در چارچوب شرع مقدس اسلام در دروس آموزشی و کتب درسی.
- تبیین فلسفه ازدواج براساس آموزه‌های دینی برای خانواده و جوانان توسط مراکز آموزشی و علمی با توجه به علوم انسانی توسط وزارت علوم تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش و صداوسیما.
- کنترل روابط غیرشرعی و خارج از عرف دختران و پسران توسط خانواده‌ها و فرهنگ‌سازی در زمینه ازدواج به‌موقع، آسان و آگاهانه.
- توسعه مراکز مشاوره‌ای و تأمین کادر متخصص و متعهد برای جلوگیری از طلاق به‌ویژه در دستگاه‌های نظیر قوه قضائیه، سازمان بهزیستی و مراکز آموزشی و نیز ایجاد سازوکارهای سخت‌گیرانه‌تر و بازدارنده به‌منظور جلوگیری از طلاق‌های توافقی در لایحه حمایت از خانواده.
- نظارت جدی بر عملکرد مراکز مشاوره‌ای از جمله سایت‌های همسریابی به‌منظور عدم سوءاستفاده در این زمینه.
- اجرای قانون تسهیل ازدواج جوانان.

۲-۳. پیشنهادهای اقتصادی

- توجه جدی مسئولان به معضل بیکاری جوانان و اعطای تسهیلات اشتغال پایدار.
- ایجاد سازوکار نظارت بر عملکرد بنگاه‌هایی که برای ایجاد اشتغال جوانان اعتبار دریافت می‌کنند.
- تخصیص اعتبارات ازدواج براساس شرایط جمعیتی و موقعیت جغرافیایی استان‌ها.
- اقدام در جهت تأمین مسکن ارزاقیمت برای زوج‌های جوان تازه ازدواج کرده.
- ایجاد بانک اطلاعاتی رایانه‌ای مشتمل بر اطلاعات جوانان کشور و تحلیل و تفسیر دقیق برای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری آگاهانه و به‌موقع برای رفع نیازهای آنان.
- اعطای امتیاز برای استخدام زوج‌های جوان به‌ویژه برای آقایان.

پیوست

قانون تنظیم خانواده و جمعیت

ماده (۱)

کلیه امتیازاتی که در قوانین براساس تعداد فرزندان یا عائله پیش‌بینی و وضع شده‌اند در مورد فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می‌شوند قابل محاسبه و اعمال نخواهد بود و فرزندانی که تا تاریخ مزبور متولد می‌شوند کماکان از امتیازات مقرر شده برخوردار می‌باشند.



تبصره «۱» - نحوه استفاده از امتیازات پیش‌بینی شده در قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ به شرح زیر خواهد بود:

الف) مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن (موضوع ماده (۷۶) قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام) برای فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می‌شوند، از مرخصی استحقاقی موجود و آتی کارگر کسر خواهد شد.

ب) هزینه نگهداری فرزندان کارگران زن در مراکز نگهداری (موضوع ماده (۷۸) قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام). برای فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می‌شوند، به‌عهده کارگر خواهد بود.

ج) حق بیمه فرزندان (موضوع ماده (۵۸) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴) برای فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می‌شوند، به‌صورت جداگانه تعیین و مطابق تعرفه تأمین اجتماعی از بیمه شده دریافت می‌گردد.

تبصره «۲» - این قانون در مورد سازمان‌ها و مؤسساتی که شمول حکم بر آنها مستلزم ذکر نام است نیز جاری می‌باشد.

ماده (۲)

وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف به اجرای برنامه‌های ذیل می‌باشند.

الف) وزارت آموزش و پرورش موظف خواهد بود که مطالب آموزشی مربوط به جمعیت و تأمین سلامتی مادران و کودکان را در متون درسی خود به نحوی مؤثر بگنجانند.

ب) وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف به ایجاد یک واحد درسی به‌نام جمعیت و تنظیم خانواده در کلیه رشته‌های آموزشی می‌باشند.

ج) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است زمینه‌های جلب مشارکت فعال و مؤثر روزنامه‌نگاران، فیلم‌سازان و سایر هنرمندانی را که به‌نحوی با آن وزارتخانه ارتباط دارند به‌منظور ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی از برنامه‌های جمعیت و تنظیم خانواده فراهم نماید.

ماده (۳)

سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران موظف است جهت ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی در تأمین سلامت کودکان و مادران و جمعیت برنامه‌های آموزشی رادیویی و تلویزیونی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تهیه و پخش نماید.

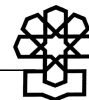
**ماده (۴)**

هزینه‌های ناشی از مواد (۲) و (۳) از محل کاهش هزینه‌های دولت که با اجرای ماده (۱) این قانون حاصل می‌شود تأمین خواهد شد.

قانون فوق مشتمل بر چهار ماده و دو تبصره در جلسه روز یکشنبه بیست‌وششم اردیبهشت‌ماه یک‌هزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۲/۳/۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

منابع و مأخذ**منابع فارسی**

۱. زنجانی، حبیب‌ا... مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۲. مرکز آمار ایران.
۳. جهانبخش، اسماعیل. اولین نشریه علمی و اجتماعی مستقل جامعه‌شناسی ایران، سال ۱۳۸۵.
۴. گزارش معاونت آمار شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ۱۳۸۸.
۵. ایران‌محبوب، جلیل و مریم مختاری. فصلنامه جمعیت، ش ۵۷ و ۵۸، ۱۳۸۵.
۶. یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
۷. ماهنامه سپیده دانایی، ش ۲۳، ۱۳۸۸.
۸. داده‌های آماری معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی، ۱۳۸۸.
۹. آمار سایت بانک مرکزی.
۱۰. گزارش شماره ۹۸۱۴، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۱. گزارش وضعیت ازدواج و طلاق سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۷.
۱۲. گزارش رئیس مجتمع قضایی شماره ۲ خانواده در همایشی که در مرکز همایش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد، سایت تابناک، ۱۳۸۸/۱۰/۲.
۱۳. اتحادیه، منصوره. خاطرات تاج‌السلطنه، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
۱۴. سایت اطلاع‌رسانی گروه‌های پزشکی رشد جمعیت و مشکلات ناشی از آن، اخبار علمی پزشکی، تنظیم خانواده، شاخص‌های بهداشتی، ۱۳۸۷.
۱۵. آزر می سه‌سارمی، سعید. میثاق مقدس، نشر سازمان ملی جوانان، ۱۳۷۹.
۱۶. روزنامه اطلاعات، تأثیر مخرب رشد شتابان جمعیت در برنامه‌های توسعه، تاریخ خبر ۱۳۸۸/۱۱/۲۹.
۱۷. اعزازی، شهلا. جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۲.
۱۸. روزن، بام. خانواده به‌منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه محمدصادق مهدی، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳.
۱۹. هفته‌نامه خبری - تحلیلی برنامه، پیش‌بینی روند تحولات جمعیتی ایران تا سال ۱۴۰۵، ش ۳۵۱، ۱۳۸۸.
۲۰. پارسونز، تالکوت و جی، اچ، آبراهام. ساختار اجتماعی خانواده در مبانی و رشد جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، انتشارات چاپخش، ۱۳۶۳.



۲۱. پایگاه اینترنتی حوزه، طلاق، نگاهی دوباره، ش ۱۸۴ و ۱۸۵، ۱۳۸۶.
۲۲. دلاور، بهرام. مدیریت جمعیت کشور؛ چرا و چگونه؟، هفته‌نامه سپید، ۱۳۸۸/۳/۴.
۲۳. رضوی، نجما و دیگران. بررسی وضعیت ازدواج جوانان، گزارش ملی جوانان، نشر سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱.
۲۴. زعفرانچی، لیلآسادات. زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه، کتاب زنان، ش ۳۳، ۱۳۸۵.
۲۵. سازمان ملل متحد، بخش جمعیت، روش‌های غیرمستقیم برآورد شاخص‌های جمعیتی راهنمای گام به گام برآورد مرگ‌ومیر کودکان، ترجمه حاتم حسینی.
۲۶. سرایی، حسن. روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت، با تأکید بر باروری و مرگ‌ومیر.
۲۷. سرشماری‌های پنج‌گانه کشور، مرکز آمار ایران.
۲۸. روزنامه سرمایه کشاورزی و بازرگانی، پیامدهای رشد بی‌رویه جمعیت، ش ۴۰۳، ۱۳۸۵/۱۲/۶.
۲۹. جوئل، شارون. ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، ۱۳۷۹.
۳۰. شیخی، محمدتقی. جامعه‌شناسی زنان و خانواده، انتشارات شرکت سهامی، ۱۳۸۲.
۳۱. رسانه مستقل شیعه، ۸۸ سالی که رکورددار آمار طلاق بود، ۸ فروردین ۱۳۸۹.
۳۲. عباسی شوازی، محمدجلال. همگرایی رفتارهای باروری در ایران؛ میزان، روند الگوی سنی باروری در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۷۵، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۸، ۱۳۸۰.
۳۳. عباسی شوازی، محمدجلال و دیگران. تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۸۴.
۳۴. عباسی شوازی، محمدجلال. همگرایی رفتارهای باروری در ایران؛ میزان، روند و الگوی سنی باروری در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۷۵، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۸، ۱۳۸۱.
۳۵. فاضلی‌نیا، نفیسه. ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، انتشارات شیعه‌شناسی، قم، ۱۳۸۶.
۳۶. فرید، ناصر. فاجعه تراکم جمعیت، روزنامه شرق، ش ۷۶۷.
۳۷. بروس، کوئن. درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۲.
۳۸. گزارش توسعه انسانی از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵.
۳۹. گزارش‌های مرکز آمار ایران، درگاه ملی آمار.
۴۰. گلدوست عارفی، عباس. تنهایی، زنگ خطر تباهی، روزنامه جام‌جم، ۱۳۸۲/۷/۲۲.
۴۱. لیبی، محمدمهدی. کاهش نرخ طلاق با افزایش مطالعه امکانپذیر است، در گفتگو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، ۱۳۸۸.
۴۲. لطف‌آبادی، حسین. روان‌شناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی، جلد اول، نشر سازمان ملی جوانان، ۱۳۷۹.
۴۳. شیخی، محمدتقی. مبانی و مفاهیم جمعیت‌شناسی با افزودگی فصل سیزدهم: آسیب‌شناسی اجتماعی.
۴۴. محبوبی‌منش، حسین. بررسی وضعیت اعتیاد به مواد مخدر جوانان، گزارش ملی جوانان، نشر سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱.
۴۵. محسنی، منوچهر. ازدواج و خانواده در ایران، انتشارات آرون، ۱۳۸۲.
۴۶. مصاحبه با جمعیت‌شناسان.
۴۷. مصلحتی، حسین. ازدواج و ازدواج درمانی، نشر البرز، ۱۳۷۹.
۴۸. مطهری، مرتضی. نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، ۱۳۵۷.



۴۹. مقال، محمود. روستای ما، ترجمه توفیق. ه. سبحانی، انتشارات سروش، ۱۳۶۸.
۵۰. مهدوی، محمدصادق. بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
۵۱. موحدی، بهناز. علل و آسیب‌های تغییر ساختار خانواده ایرانی، به نقل از خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۲/۲۸.
۵۲. ناک، استیون. ازدواج در زندگی مردان، ترجمه سعید غفاری، انتشارات گهر کمال، ۱۳۸۲.
۵۳. هایند، اندرو. روش‌های جمعیت‌شناسی، ترجمه حاتم حسینی، غلامرضا کهنسالی.
۵۴. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ویژگی‌های جمعیتی بهداشتی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۱.
۵۵. وزارت کشور، سازمان ثبت احوال.
۵۶. مرکز انجمن‌های تخصصی، ضرورت بازنگری در محرومیت‌های فرزند چهارم، پست تنظیم خانواده، ۱۳۸۸.
۵۷. ایران‌محبوب، جلیل و مریم مختاری. فصلنامه جمعیت، ش ۵۷ و ۵۸، ۱۳۸۵.
۵۸. ماهنامه سپیده دانایی، ش ۲۳، ۱۳۸۸.

منابع لاتین

59. Abbasi-Shavazi, M.J., and P. McDonald", Fertility decline in the Islamic Republic of Iran, 2000-1972", Journal of Asian Population Studies, vol. 2, No. 3, 2006.
60. Abbasi-Shavazi, M.J., P. McDonald, and M. Hosseini-Chavoshi, Forthcoming, Revolution and Reproduction: The Fertility Transition in Iran, Springer.
61. Aghajanian, Akbar, Family Planning Program and Recent Fertility Trends in Iran, University of North Carolina; Population Center, 1998.
62. Roudi Fahimi, Farzaneh, Iran's Family Planning Program; Responding to a Nation's Needs, Washington, DC, Population Reference Bureau, 2002.
63. UN population division, World population prospects; the 2006 revision, Population databases. UN population division, 2006.



شناسنامه گزارش	شماره مسلسل: ۱۰۳۳۹
عنوان گزارش: بررسی روند رشد موالید، ازدواج و طلاق در ایران (چالش‌ها و راهکارها) نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه جوانان و تربیت بدنی) تهیه و تدوین‌کنندگان: یوسف افتخاری، رضا مستمع ناظر علمی: مرتضی شکوهی همکاران: رحمان درکی، جعفر رجب‌لو متقاضیان: احمد توکلی (رئیس مرکز پژوهش‌ها)، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجلال یحیی‌زاده (کمیسیون فرهنگی) ویراستار ادبی: نرگس کلاکی سر ویراستار: حسین صدری‌نیا واژه‌های کلیدی: ۱. ازدواج ۲. جوانان ۳. طلاق ۴. موالید تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۵/۱۰	